پیش، بسوی پیروزی نهایی انقلاب!

شماره ۹۳

دوره دوّم

دوشنبه ۱۶ شهریورماه ۱۳۶۰

بها ۳۰ ریال

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

فاجعهٔ جانگداز بزرگی که آمریکا ، بدست مزدورانش ، با بمب‌گذاری در بنای نخست‌وزیری در یکشنبه گذشته ، انجام داد و منجر به شهادت دو تن از مسئولان بلندپایهٔ جمهوری اسلامی ایران - رئیس جمهور آقای **محمدعلی رجائی** و نخست‌وزیر **دکتر محمدجواد باهنر** گردید ، بار دیگر نشان داد که ما باچنان دشمن تبه‌کاری روبرو هستیم که از هیچ جنایت و شقاوت و توطئه‌ای برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فروگذار نمیکند .

طیف توطئه‌های آمریکا برای براندازی انقلاب ضدامپریالیستی ، مردمی و اسلامی ما وسیع است : جنگ تجاوزی **صدام** ، سازماندهی ضدانقلابیون فراری در کشورهای خارجی

تبلیغات وسیع به‌کمک رادیوهای دولتی امریکا فرانسه ، انگلیس ، آلمان غربی ، اسرائیل ، مصر ، عراق و غیره و نیز رادیوهای باصطلاح غیر - دولتی **بختیار و اویسی** ، تسلیح دولتهای دست -

بقیه در صفحه ۱۵

"چون مخبط شد اعتدال مزاج نه عزیمت اثر کند نه علاج"

"سعدی . گلستان"

دیوانه سری امپریالیسم آمریکا

(تحلیلی از هدفهای عمدهٔ دولت رنالد ریگن و دورنمای آن)

همه می دانستند که دولت **رنالد ریگان** نمایندهٔ جناح افراطی امپریالیستی است و موافق توصیه "مرکز استراتژیک جرج تائون" می خواهد وضع متزلزل اقتصادی و سیاسی امپریالیسم را در جهان ، باتوسل به یک سلسله تدابیر فوق العاده ، "تثبیت کند ."

شرکت ژنرال **الکساندر هیگ** ، فرماندهٔ سابق **"ناتو"** و نمایندهٔ مورد اعتماد محافل "نظامی - صنعتی" آمریکا ، بعنوان وزیر خارجه ، یعنی شخص دوم در کابینه ریگان ، علامت روشن دیگری بود بر اتخاذ این روش .

بقیه در صفحه ۱۵

به پیشواز هفتهٔ سالگرد جنگ عادلانه بر ضد تجاوز آمریکائی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۴

اعلامیه

اتحاد دموکراتیک مردم ایران به مناسبت شهادت دو تن از یاران امام

بار دیگر ، در دشمنی عاجزانه با انقلاب پویندهٔ **ضدامپریالیستی** ، مردمی و اسلامی ایران و در پندار **ابلهانهٔ** غافلگیر کردن مردم رزمنده و بر هم زدن ثبات **جمهوری** اسلامی ایران ، دست جنایتکار امپریالیسم آمریکا **وگروه** خودفروختگان فراری و مطرود خلق به خون فرزندان **شایسته** انقلاب و میهن ما رنگین شد .

بمبی که این تبهکاران ورشکسته توانستند ، روز یکشنبه هشتم شهریور ۱۳۶۰ ، در یکی از اطاقهای نخست **وزیری کار** بگذارند ، درست هنگامی منفجر شد که رئیس **جمهور** محمدعلی رجائی و دکتر محمدجواد باهنر ، نخست **وزیر** ، باتنی چند در آن به شور و مذاکره نشسته بودند . و **دریغا** که رئیس جمهور و نخست وزیر ، دو رهرو خط سازش **ناپذیر** انقلابی ، دو یار پاکباز امام خمینی ، رهبر انقلاب **و بنیانگذار** جمهوری اسلامی ایران ، و دو چهره مورد محبت **و اعتماد** توده‌های میلیونی ، در شعله‌های آتش و آوار **انفجار** به صف طولانی شهیدان راه انقلاب پیوستند .

شک نیست که انقلاب ضدامپریالیستی ، مردمی و **اسلامی** ایران ، در پویایی و آفرینندگی خویش ، جای **خالی** این دو شهید و این دو مبارز راستین را هرچه زودتر پر **خواهد کرد** و ، به رغم توطئه‌های خائنانهٔ بدخواهان **داخلی و خارجی** ، راه دشوار پیروزی را تا به آخر ، تا استقرار **حکومت** عدل و برابری و آزادی مستضعفان ، خواهد پیمود .

با این همه ، نمی‌توان از بیان نگرانی همگانی دربارهٔ **نارسایی** چشمگیر امر صیانت جان مسئولان طراز اول دولت **و انقلاب** خودداری ورزید .

اتحاد دموکراتیک مردم ایران جنایت فجیع **هشتم** شهریور را به شدت محکوم می کند و پیگرد و **شناسایی** و کیفر جنایتکاران سربه‌فرمان امپریالیسم به **سرکردگی** آمریکا را ، در عین حفظ خونسردی و نظم **انقلابی** ، تا ریشه‌کن شدن کامل مادهٔ فساد ضرور می داند .

درود به امام خمینی ، رهبر خردمند و استوار انقلاب!

افتخار بر توده‌های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان ، **پایگاه** نیرومند و مطمئن انقلاب!

جاوید باد خاطرهٔ تابناک همهٔ شهیدان راه انقلاب!

پرتوان باد عزم جنگاوران انقلابی ایران در جبهه‌های غرب و جنوب کشور!

پیروز باد انقلاب پرشکوه ضدامپریالیستی ، مردمی و اسلامی ایران !

۶۰/۶/۹

اتحاد دموکراتیک مردم ایران

بیاد آن مجاهد نستوه ...

۱۹ شهریور ، دومین سالگشت فقدان مجاهد نستوه ، **حضرت آیت اله سید محمود طالقانی** فرا میرسد .

سال ۱۳۵۸ ، در چنین روزی و در زمانی که بیش از همیشه ، انقلاب بزرگ مردم ایران به متفکر و مجاهدی چون **آیت الله طالقانی** احتیاج داشت ، مردم ایران با فقدان آن مرد بزرگ مواجه شدند .

آیت الله طالقانی ، که مبارزات خود را علیه امپریالیسم ، استبداد و ارتجاع از سال‌های بعد از سرنگونی رضاخان آغاز کرده بود ، از زمره انقلابیونی بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ، در حالیکه سازشکاران **"نهضت آزادی"** به‌خانه‌های خود خزیده بودند ، پیگیرانه به نبرد علیه رژیم شاه - آمریکا ادامه داد . و در متن همین مبارزه بود که مجاهدین اولیه ، **رضائی ها** ، **حنیف نژادها** **صادق‌ها** ، **سعیدمحسن‌ها** و . . . در مکتب رزم - جویانهٔ فقید سعید پرورش یافتند و بنیاد **"سازمان مجاهدین خلق ایران"** را برای مبارزه با امپریالیسم و استبداد در یختند .

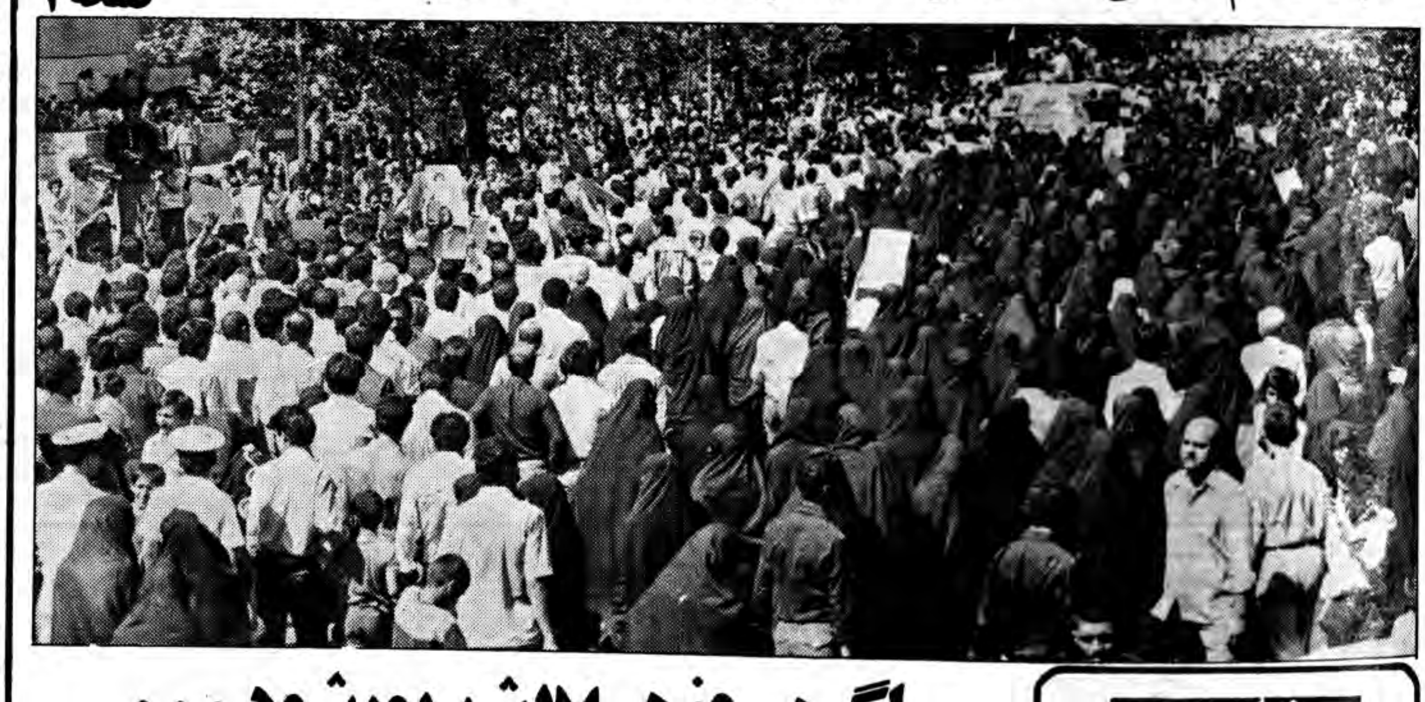
بقیه در صفحه ۶

درسوگ شهید محمّدعلی رجائی وشهید دکتر باهنر :

ایران یکپارچه فریاد "مرگ بر آمریکا" شد

حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای : این ملت باید آمریکا را در مسند قدرتش سرکوب کند .

صفحه ۲



اگر هر روز هم ۱۷ شهریور شود ...

"جمعه‌خونین" سه‌ساله‌می شود . از گرگرفتن افق خونین آن روز که دژخیمان شاه - آمریکا **میدان ژاله** را از خون هزاران زن و مرد رنگ زدند ، سه‌سال می گذرد .

دژخیمانی که آن روز ، از زمین و آسمان ، زنان و مردان آزاده و بی سلاح را به‌رگبار مسلسل - ها بستند ، شاه جنایت پیشه‌ای که با هلیکوپتر بر فراز کشتارگاه میدان ژاله چرخ زد ، تا از بوی خون سیراب شود ، از این قصابی ددمنشانه چه می - خواستند ؟ آنها در سه‌سال پیش همان را می - خواستند که امروز می خواهند : ایرانی با آرامش گورستانی که در مرغزارهای سبز آن فئودال‌ها بچرند و حاصل خون عرق زحمتکشان را سرمایه - داران داخلی و خارجی در کیسه‌های گشاد شان بریزند .

نیمه‌شبی که **اردشیر زاهدی** خائن با فرمان قتل‌عام توده‌ها از "واشنگتن" رسید و سحرگاهش فرمان انحصارات بزرگ جهانی به‌جوخه‌های اعدام میدان ژاله ابلاغ شد ، امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی آمریکای جنایتکار ، تصمیم خودرا گرفته بود : برای تسلیم کردن مردم ایران هرکاری مجاز است ، حتی برپاکردن حمام های خون .

امپریالیسم جهانی ، بسرکردگی آمریکا ، اکنون سه‌سال است که در راستای این تصمیم حرکت می‌کند . اگر در **"جمعه‌خونین"** و ماه‌های

بقیه در صفحه ۱۵

برنامهٔ وزارت کار و امور اجتماعی حرکتی در راه صیانت منافع طبقهٔ کارگر

انتشار برنامه وزارت کار و امور اجتماعی به مناسبت معرفی دولت شهید **دکتر محمدجواد باهنر** به مجلس شورای اسلامی ، طبقهٔ کارگر را با برنامه دولت جدید در ارتباط با تنظیم روابط کار و حفظ و صیانت نیروی کار بمنظور استقرار قسط و عدالت اجتماعی آشنا ساخت .

اقدامات مثبت وزیر کار و امور اجتماعی آقای **محمدمیرصادقی** ، در نخستین دوران وزارت خود و نیز مواد این برنامه نشان می دهد که سرانجام وزارت کار و امور اجتماعی ، با دریافت رسالت انقلابی خود ، می خواهد عملا از وزارت کار **کارفرمایان** به وزارت کار **کارگران** ، بدل شود و جای شایسته خود را بعنوان وزارت کار یک نظام مردمی احراز کند . سخن صائب **امام خمینی** در دیدار با هیئت دولت که :

"مردم به جای برنامه دادن ، عمل می خواهند" .

این امید را در دل زحمتکشان قوت می بخشد که مواد برنامه بر روی کاغذ نماند و از قول به فعل درآید .

برنامه وزارت کار و امور اجتماعی در نخستین ماده خود ، به یکی از مهمترین دشواری‌های موجود پرداخته ، و آن تکیه بر ضرورت بازسازی تشکیلات وزارت کار است .

راز پنهانی نیست که تشکیلات وزارت کار در دوران طاغوت ، که آقای **محمد میرصادقی** بدرستی آنرا "وزارت کار فرمایان" عنوان داده بود ،

بقیه در صفحه ۲

مشایعت

زیر سنگینی آوار آسمان
شانه‌هایم
به دیواره‌های دوسوی خیابان
می سائید
که تن نبودم تن‌ها بودم
بهمنی که به سوی قله می‌رفت .

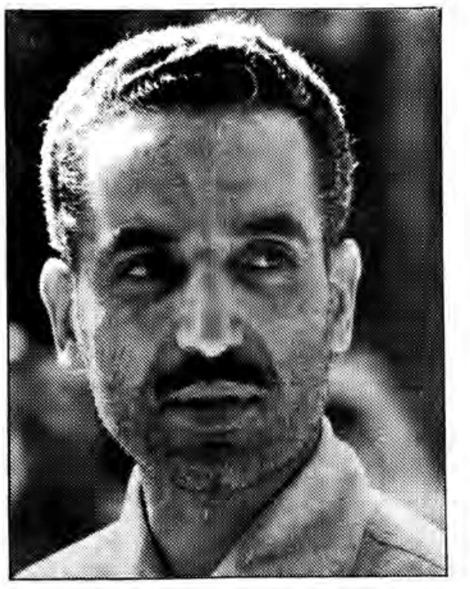
دوتابوت
دوبرگ یک دفتر
گشوده و بر شاخسار انگشتان
پیش می‌آمد
و به هر گام
تناورتر وگسترنده
واینک
شهری در تابوت ، به رستاخیز .

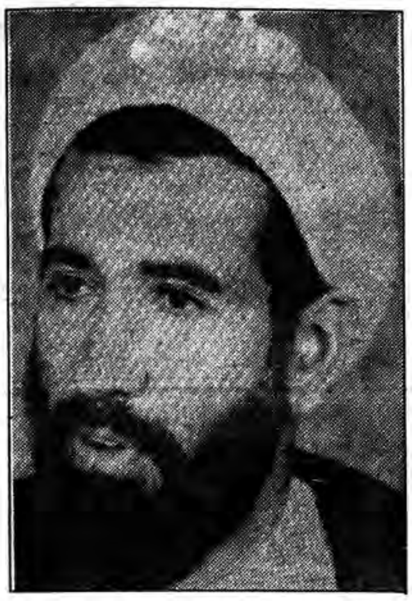
رجائی
گرم گفتگو با روستائی
سبکبار می‌گذشت
سرگرداندم :
چه تک و توشی دارد باهنر
هنگامی که برشانه‌های خلق می‌رود .

در اشک من
جوهر سیماها رنگ می‌دواند
چهره‌ها ، چهره‌ها ، مردم
عکسی یگانه برشیشهٔ دل .

با امام به خانه باز آمدم .

دوشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۰
سیاوش کسرائی





درسوگ شهید محمدعلی رجایی و شهید دکترباهنر :

ایران یکپارچه فریاد "مرگ بر آمریکا" شد

ایران انقلابی بار دیگر یکپارچه اشک و فریاد در خیابان‌ها سرازیر گرد. ایران انقلابی دیگربار در ۹ شهریور ۱۳۶۰ یکتن واحد شد که یک فریاد سرداده است:

مرگ بر آمریکا!

این فریاد میلیونها زحمتکش ایران بود که دوتن از مسئولان جمهوری اسلامی خود را قربانی جنایت امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا می‌دیدند. این ایران خروشان از نخستین ساعات بامداد ۹ شهریور به خیابان‌ها ریخت، تا سوگ شهید **محمدعلی رجائی** رئیس جمهور و شهید **دکتر جواد باهنر** نخست وزیر را برپا کنند.

به گزارش خبرنگاران **"اتحادمردم"**، از نخستین ساعات بامداد در تهران، خیابان امام خمینی، خیابان ولی عصر، خیابان حنیف نژاد و خیابان‌های منتهی به خیابان امام خمینی مالامال از جمعیت سیاهپوش و گل در دست شدند. جمعیتی که اشک می‌ریخت، مشت گره می‌کرد و فریاد **مرگ بر آمریکا، مرگ بر بنی‌صدر** برمی‌آورد. پاسداران انقلاب در لباس‌های پاسداری سلاح در دست، دوشادوش زحمتکشان و کودکان دبستانی که با دلی مالامال از خشم و نفرت به امپریالیسم آمریکا و ایادی‌اش در خیابانها به عزاداری پرداخته بودند، ره می‌سپردند.

مردم پلاکاردهائی که شامل سخنان **امام خمینی** درمورد حضور مداوم مردم در صحنه و ادامه مبارزه با آمریکا و عواملش بود، حمل می‌کردند و شعار می‌دادند:

"آمریکا، فرانسه مرگ به نیرنگتان، خون شهیدان ما می‌چکد از چنگتان"

"آمریکا ما مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم"

"مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا"

مردم انقلابی ایران همچنین از مسئولین انتظامی خواستند که بدون هیچگونه تسامح و تعللی امر حفاظت از شخصیت‌ها و نهادهای انقلابی را جدی بگیرند.

خبرنگاران **"اتحادمردم"** همچنین گزارش می‌دهند که درطول مراسم بارها و بارها از بلندگو از مردم خواسته می‌شد که: **"تمام فریادهای خودرا علیه آمریکا، عامل اصلی این جنایت"** متوجه کنند.

دراین مراسم ابتدا **حجت الاسلام معادیخواه** وزیر ارشاد اسلامی، طی سخنانی، ضمن محکوم کردن این جنایت هولناک آمریکا و عواملش، از مردم خواست که حضور فعالانهٔ خود را درصحنه همچنان حفظ کنند. وی متذکر شد که انتخابات آینده ریاست جمهوری صحنهٔ نبرد بی‌امان دیگری علیه آمریکای جنایتکار است وحضور آن به معنی حضور دراین میدان نبرد است. وی همچنین از مسئولان انتظامی خواست که امر حفاظت از شخصیت‌های مملکتی را موثرتر و جدیتر به اجرا درآورند.

حجت الاسلام خلخالی نیز طی سخنانی ازجمله تاکید کرد که شیطان بزرگ آمریکا نخواهد توانست با این گونه اعمال سلطه خود را بر این کشور تحمیل کند.

در همین مراسم آیت الله **ربانی املشی**، دادستان کل کشور، طی سخنانی، ضمن تاکید بر اینکه **"ستون پنجم دشمن قصد خطرناکی کرده است"**، ازجمله گفت:

"مواظب باشید، مبادا عملی ازشما سربزند، که دشمن ازکارشما سوءاستفاده کند. برادران مسلمان، شما هرکدام یک پاسدار این مملکت، پاسدار اسلام ومسلمین هستید، اما توجه این مطلب را داشته باشید که دشمن درلباس بسیج درمی‌آید، درلباس مامورین انتظامی درمی‌آید انجام وظیفه کنید، اما زیرپوشش سپاه پاسداران بپاخیزید برای نگهداری مملکت، اما بانظم بابردباری وباهوشیاری کامل".

آمریکا باانقلاب دشمن است.

سپس حجت الاسلام **خامنه‌ای** امام جمعهٔ تهران، نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی ونمایندهٔ امام درشورایعالی دفاع طی سخنانی از جمله گفت:

"اگر دشمن جهانخوارما، یعنی استکبار جهانی به‌وسیله ایادی وعوامل داخلی خود دست به این جنایت‌ها می‌زند وعزیزان ما را می‌گیرد، باشخص آنها دشمن نیست، با این ملت دشمن است، بااین انقلاب دشمن است. آمریکا میخواهد اسلام نباشد واین ملت انقلابی به ستوه آید، خسته شود."

وی تاکید کرد: **"این ملت بایدآمریکا را در مسند قدرتش سرکوب کند."**

کیاوش نماینده مجلس شورای اسلامی از آبادان، که از مجروحین جنایت ۷ تیر عوامل آمریکا در دفتر حزب جمهوری اسلامی است، طی سخنانی تاکید کرد:

"هرگز تصورنکنید سیاست‌های شوم آمریکا وتوطئه‌های شومش می‌تواند بار امانتی را که به دوش امت شهیدپروراست به‌تعویق بیندازد و شما این راه را بااستقامت وپایداری ادامه دهید"

سرهنگ نامجو، وزیردفاع، نیز طی سخنانی تاکید کرد:

"آمریکای جنایتکار بداند تا انقلاب اسلامی ایران به‌رهبری امام وامت ۳۶ میلیونی باقیست، رئیس‌جمهور و کابینه هم باقی است".

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در برابر انبوه جمعیت سخنانی ایراد کرد. وی بااشاره به خواست مردم درجهت جلوگیری از سستی‌ها و غفلت‌های مسئولین در امر حفاظت از شخصیت‌های انقلابی وسرکوب عوامل آمریکا گفت:

"مسئولین امنیتی امروز باید به‌شما جواب مثبت دهند."

درپایان مراسم، مردم انقلابی ایران پیکرهای سوخته شهدا را بر دوش خود حمل کردند وسپس درآمبولانس‌ها قرار دادند، تا به سوی بهشت زهرا، لاله‌زار شهدای انقلاب ایران، حرکت دهند. گزارش خبرنگاران **"اتحادمردم"** حاکیست که تا ساعتی پس ازحرکت سیل انبوه مردم به‌سوی بهشت زهرا، خیابان امام خمینی وحنیف نژاد مالامال ازجمعیت بود وحرکت درآن به‌سختی انجام میشد. تراکم جمعیت دربهشت زهرا چنان بود که به‌خاک‌سپاری شهیدان تا ساعت ۱/۵ بعدازظهر ممکن نشد وسرانجام در میان طوفان اشک وفریاد "مرگ برآمریکا" پیکر سوخته شهیدان به‌خاک سپرده شد.

همزمان باتهران، دراغلب نقاط ایران، توده‌ها یکپارچه به‌خیابان آمدند وبا فریاد **"مرگ برآمریکا"** سوگ دوشهید را برپاکردند.

دوباره رأی می‌دهیم!

جمعیت لحظه‌ای آرام نداشت. اشک می‌ریختند. فریاد می‌زدند و شعار "مرگ برآمریکا" لحظه‌ای از زبانها نمی‌افتاد. گرما، فشار و تنه خوردنها، هیچکدام نمی‌توانست لحظه‌ای مردم را از شور رزمجویانه‌شان منحرف کند. دراین میان، صدای کنجکاوانه بود که در میان انبوه مردم فضا را شکافت، شعارها را تحت الشعاع قرار داد و برای لحظه‌ای درگوشه‌ای از دریای بیکران خلق سکوتی سنگین حاکم ساخت:

"بابا، این دفعه به‌کی رای میدهی؟ سکوت بود. کودک مصرانه سئوال خودرا تکرار کرد:

"بابا، دفعه دیگر به‌کی رای میدهی؟"

دهها چشم اشک آلود به این کودک خردسال سیاه پوش دوخته شد. پدر، که کارگر زحمتکشی به‌نظر می‌رسید، بغض کرده بود و نمی‌توانست پاسخ کودک را بدهد. برای لحظه‌ای سکوت ادامه یافت. تا اینکه "درآن فضای غم‌آلود وتب‌زده، صدای بغض‌آلود فردی فضا راشکافت و در گوش مردم طنین انداز شد:

"به‌هرکس امام تعیین کند، به‌هرکس در خط امام باشد، پسرم!"

برنامه...

بقیه از صفحه ۱

در خدمت رژیمی بود که با معیارهایش ضد کارگر و حامی منافع سرمایه‌داران بزرگ وابسته بود. سراسر سازمان وزارت کار، جز در موارد واقعا نادر و استثنائی، بارویه حمایت منافع کارفرما و حق کشی نسبت به طبقهٔ کارگر پرورش یافته بود. چنین سازمانی طبعا نمی‌توانست با پیروزی انقلاب، ناگهان تغییر ماهیت دهد و در خدمت محرومان جامعه قرار گیرد، بویژه آنکه سیاست حمایتی دولت لیبرال‌ها از سرمایه‌داران وکارفرمایان طاغوتی، مانع از پاکسازی گسترده وعمیق در وزارت کار شد و مهره‌های رژیم پیشین در بسیاری از مواضع اداری و تولیدی باقی ماندند. نفوذ کارگزاران سرمایه‌داری وابسته در پست‌های کلیدی و برای نمونه وجود امثال **مسعود هسته‌ای** ها در رأس سازمان گسترش صنایع و برکناری مدیران طاغوتی برای صنایع ملی شده بوسیله حتی عنصر ضد انقلابی، موجب شد که طبقهٔ کارگر دگرگونی اساسی در روش کار و بینش های کارکنان وزارت کار احساس نکند. نامه‌های فراوانی از کارگران در صفحات مطبوعات پس از انقلاب بیانگر آنست که فریادشان از برخوردهای نادرست کارکنان وزارت کار که یادآور دوران تلخ طاغوت است به آسمان رسیده است.

روشن است که بهترین وجامع ترین برنامه‌ها، چنانچه در دست مجریان ناصالح قرار گیرد، قلب ماهیت خواهد کرد. بدینجهت برای اجرای برنامه در مجموع مثبتی که وزارت کار وامور اجتماعی به منظور تغییر وتحول در مناسبات کار ارائه داده است نخست باید مجریان صالح بر رأس امور اجرائی قرار گیرند. ازهمین نظر نخستین مادهٔ برنامه جدید، تجدید سازماندهی وزارت کار است. همانطور که در سایر نهادهای دولتی وانقلابی، برکناری عناصر مومن به انقلاب، به یک ضرورت تبدیل شده است. در وزارت کار نیز باید کسانی بر رأس امور قرار گیرند که، درعمل و نه در حرف، به انقلاب واهداف آن مومن باشند، تا بتوانند در راه تامین منافع طبقهٔ کارگر براساس آرمانهای انقلاب گام بردارند. تمام عناصر ساواکی، وابستگان و وفاداران به‌رژیم طاغوت ولیبرال‌ها، که بویژه در وزارت کار لانه کرده‌اند، باید بیرون ریخته شوند و جای آنان را عناصر انقلابی وخدمتگزار اقشار محروم اشغال کنند. تنها دراین صورت می‌توان امیدداشت که برنامه‌های مفید وزارت کار، بعمل درآید.

مسئله شایان توجه دیگر در برنامه وزارت کار، تکیه برضرورت تعیین محدودهٔ مالکیت وضوابط سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است، که تا مجلس شورای اسلامی دراین مسئله خطیر موضع خود را مشخص نکند، نمی‌توان امیدواربود که از تکاثر جلوگیری شود و شکاف طبقاتی کنونی، که دریکسر آن اکثریت محروم و در سر دیگر آن، اقلیت بهره‌کش ممتاز قرار دارد، تنگ وتنگتر شود.

وزارت کار وامور اجتماعی دربرنامه خود به منظور بهبود وضع اشتغال، ازجمله **"سلب مالکیت و راه اندازی کارگاه‌های راکد را (که صاحبان مستکبر آن به‌علت فراری بودن و دلایل غیرموجه دیگر سرمایه‌های ملت مسلمان را راکد گذاشته‌اند)"** توصیه کرده است.

جای تعجب وتاسف است که، دوسال ونیم پس از پیروزی انقلاب، هنوز دربسیاری ازکارگاه‌های صنعتی ازصاحبان مستکبر و فراری سلب مالکیت نشده است. این مردمان ازترس پیامدهای انقلاب، به‌خارج گریخته‌اند وهمدست ضدانقلاب فراری خارج ازکشور، توطئه می‌کنند و ما مایملک این غاصبان وغارتگران را دست نخورده باقی گذاشته‌ایم، تاچنانچه بازگشتند، صحیح وسالم تحویل‌شان دهیم؟! نام این همه مدارا و مماشات را، دردورانی که بیش از هر وقت به اقدامات انقلابی وضربتی نیاز هست، چه می‌توان نهاد؟

بی تردید نفوذ گستردهٔ لیبرال ها در دستگاه دولتی، که "رأفت وعطوفت" اسلامی را پوشش منافع طبقاتی خود ساخته‌اند، مهرونشان خود را بر روند مصادره‌ها و ملی کردن‌ها باقی گذارده، ولی اکنون که آنها بطور عمده از گود سیاست بیرون افتاده‌اند ودیگر، بگفتهٔ **امام، "عذری باقی نیست"** تکلیف انقلاب را با مسئله مالکیت، بگونه‌ای که انقلاب مستضعفین را پاسخگو باشد، باید یکسره کرد.

برنامه وزارت کار وامور اجتماعی بمنظور تامین اشتغال، علاوه برسلب مالکیت ازصاحبان مستکبر کارگاه‌ها، حمایت وتوسعهٔ تعاونی های تولید را توصیه می‌کند که بجای خود مفید است و ضرور. اما علاوه برآن دولت باید با سرمایه گذاری دربخش دولتی صنایع، گسترش این بخش و ایجاد محل‌های جدید اشتغال، به‌جذب بیکاران اقدام کند.

برنامه وزارت کار وامور اجتماعی ازنظر آموزش نیروی انسانی، به اعزام نیروی کار بخارج بمنظور کسب تخصص ونیز جذب نیروهای متعهد به انقلاب اسلامی تکیه نموده است. این بخش مهم ازبرنامه، پاسخ به یاوه‌گویان، یعنی ضدانقلاب داخل وخارج است، که چنین وانمود می‌سازند که گویا نظام جمهوری اسلامی ایران خواهان برگشت به‌گذشته و بی اعتنا به علم وتخصص است.

تردید نیست که درجهان کنونی، هیچ کشوری نمی‌تواند از دستاوردهای دانش وفن بشری بی‌نیاز باشد، زیرا که این امر با ترقیات اجتماعی، که شرط بقاء هر جامعه‌ای است، ملازمه کامل دارد. اگربخواهیم در زمینه‌های صنعت و کشاورزی به مرزهای خودکفائی نزدیک شویم، چاره‌نیست جز آنکه صنایع وکشاورزی مدرن داشته باشیم، به‌تکنولوژی معاصر دست یابیم ونیروی ماهرو متخصص را برای کاربرد این تکنولوژی تربیت کنیم.

صرفنظر ازبخشی ازمتخصصان مومن به انقلاب درداخل کشور که متاسفانه بعلت تعصبات عقیدتی کنار مانده‌اند، بخشی ازنیروی متخصص نیز درخارج ازکشور، هم درکشورهای سرمایه‌داری وهم درکشورهای سوسیالیستی، وجود دارد. باید متخصصان مومن به انقلاب را، بدون غرقه شدن درگرایشهای گروهی، به‌کشور فراخواند و از تخصص آنان درپیشبرد اهداف انقلاب بهره گرفت. بخش دیگر ازنیروی متخصص را نیز باید با اعزام نیروی کار به کشورهایی که بدون قید و شرط آماده برای تربیت کادر متخصص ایرانی هستند، تامین کرد. همچنین می‌توان با استفاده ازکارشناسان کشورهائی که، عاری از تحمیلات سیاسی واقتصادی، آماده انتقال تکنولوژی معاصر به ما هستند، کادرهای بومی را پرورش داد و سطح آموزش فنی وکیفیت مهارت کارگران را بالا برد.

تدوین قانون کار وقانون کار کشاورزی، یکی دیگر از اهداف برنامه وزارت کار و امور اجتماعی است. امروز دیگر کمترین تردیدی وجود ندارد که قانون کار نظام ضد کارگری طاغوت، به هیچ رو نتوانسته است پاسخگوی نیازهای انقلاب باشد. انقلاب باید قانون کاری تدوین کند که تعدیل کنندهٔ بهره‌کشی، تامین کننده منافع کارگران در جامعه و در محیط کار باشد. چنین قانون کاری با این کیفیت، ازخواست‌های مبرم کارگران پس از پیروزی انقلاب بوده، که متاسفانه به علل گوناگون به‌تاخیر افتاده است. حکومت لیبرال‌ها به‌دلیل خصلت طبقاتی خود نمی‌توانست تعدیل کننده استثمار وحامی کارگران باشد. پس ازآن نیز به‌دلایل معین وازجمله وجود طیف‌های گوناگون درحاکمیت، این مهم انجام نشد. اکنون وقت آن رسیده است که قانون کار جدیدی، با شرکت مستقیم نمایندگان کارگران، بگونه‌ای که تبلور خصلت مردمی انقلاب باشد، تدوین وتصویب شود. بگفتهٔ **امام خمینی:**

"الان دیگر کسی نیست که عذر بیاورد که من می‌خواستم بکنم وفلانی نگذاشت".

مسئله مهمی که در برنامه وزارت کار و امور اجتماعی متاسفانه بکلی در بوته نسیان مانده است، توجه به سندیکاهای کارگری است. سندیکاها، که یگانه شکل صنفی ـ طبقاتی کارگران است، هم می‌توانند نهادهای دولتی را در اموری که به زندگی وکار کارگران مربوط است، یاری دهند، هم بمثابه یک نهاد ضد امپریالیستی و پشتیبان انقلاب، درپیشبرد اهداف انقلاب نقش قاطع ایفاء کنند وهم نیروی کار را در سراسر کشور برای افزایش تولید صنعتی تجهیز و متشکل نمایند.

اصل ۲۶ قانون اساسی باصراحت از آزادی

بقیه در صفحه ۵

کارنامهٔ ابوالحسن بنی‌صدر (۹)

بنی‌صدر، "رهبر" جبههٔ براندازی

نقشهٔ آمریکائی، سه‌جهانی، مسلمان ـ نمایانه، ضدکمونیستی، همراه با تحریک و توطئه "بنی‌صدر، دیگر به‌مراحل اجرا نزدیک می‌شد.

بهمن ۵۹ ـ بعد از اعلام نقشهٔ ریگان، بنی‌صدر، که فکر می‌کرد با تحریکات قبلی (شرح آن در شماره پیش آمد) به‌اندازهٔ کافی نیرو جمع کرده است، مطابق نقشهٔ "سیا"، که گروهک آمریکائی ـ چینی "رنجبران"، آن را همان روز‌ها فاش کرد، به‌تشکیل جبههٔ براندازی پرداخت.

درحقیقت حرکات بنی‌صدر از آبان ۵۹، که مقارن با آغاز هفتمین توطئهٔ امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران بود، به‌شکل منظم‌تری بر اهداف امپریالیسم آمریکا انطباق یافت. جبهه جهانی ضدانقلاب این‌بار برای اجرای دسایس خود بیشترین بال وپر را به بنی‌صدر داده‌بود. در این ماه، که مصادف با متوقف‌شدن نیرو های متجاوز صدامی در جبهه‌ها از سوئی و اعلام شرایط ایران برای آزادی "گروگان‌ها" ی جاسوس آمریکا ـ ئی از سوی دیگر بود، رونالد ریگان، نماینده جدید انحصارات آمریکائی، به‌کاخ سفید راه یافت و نقشه جناح هار تر امپریالیسم آمریکا برای مقابله با ایران در دستور روز قرارگرفت. ریگان چندی بعد با ایراد نطقی خواستار روی‌کار آمدن عناصر "میانه‌روتر" ی در ایران شد. وی گفت:

"...من شک دارم که در ایران دولتی وجود داشته باشد. برقراری رابطه با ایران وقتی ممکن است که عناصر میانه‌روتری در ایران روی‌کار آیند..." (۲۲ دی ۵۹ ـ کیهان)

و: "...اولین عامل ضروری برای تامین ثبات در آن منطقه (خلیج فارس) آنست که در ایران دولتی به‌وجود آید که اختیارات یک دولت واقعی را داشته باشد..." (۱۲ بهمن ۵۹)

رادیو بختیار هم، که زودتر از دستور ارباب‌ها آگاه شده‌بود، اعلام کرد:

"...امروز روزی است که باید دولت به‌اصطلاح مکتبی رجائی... حزب منفور جمهوری اسلامی، حزب وابسته‌توده، مجلس شعبده‌بازی آخوندها و خمینی... از سر راه برداشته شوند..." (۲۵ آبان ۵۹)

این نواهای شوم توسط گروهک آمریکائی ـ چینی "رنجبران" در ایران، به‌گوش جان شنیده شد. "رنجبر" اعلام کرد:

"دولت رجائی باید برود..." (شماره ۱۷۷، رنجبر)

دکتر یزدی از سران "نهضت آزادی" و وزیر خارجه دولت موقت نیز با این طرح موافق بود:

"...این دولت (رجائی)... را باید تغییر داد..." (۱۰ اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

اجرای این طرح، برعهدهٔ "رنجبران"، رهبری خائن "مجاهدین خلق"، "نهضت آزادی"، "جبههٔ ملی"، "پیکار" و سایر تربچه‌ های پوک و "سپهسالار بنی‌صدر!" گذاشته شد.

از اوائل اسفند ۵۹، جبههٔ متحد ضدانقلاب بطور فعال‌تر و گستاخ‌تری وارد عمل شد. تحریکات بنی‌صدریون و اعوان و انصار آن‌ها بالاگرفت و موج تبلیغات ضدشوروی، ضدکمونیستی و ضد حزب توده ایران از سوئی، (به‌شماره‌های قبل مراجعه کنید) و حمله مدام به‌پیروان خط امام خمینی از جهت دیگر، بالاگرفت. تحت عنوان حمله به استبداد، چماقداری و انحصارطلبی، بنی‌صدر پدرتعمیدی جبههٔ متحد ضدانقلاب، وارد عمل شد:

"...نقش شما مردم بسیار اساسی و مهم است و آن‌هم در این‌است که تسلیم زور نشوید، کار مشکلی نیست. چنانکه در ساقط کردن رژیم شاه شما دیدید. وقتی این کار را می خواستید بکنید و آن‌هم با وحدت بکنید، چقدر آسان بود. هیچ کار مشکلی نیست. وقتی این چنین کردید، دولت، دولت می‌شود به معنای واقعی کلمه. دولت برای این نیست که این را به‌جان آن بیندازد آن را به‌جان این بیندازد..." (۱۴ اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی ـ بنی‌صدر)

وحالا دیگر فقط دولت مطرح نبود:

"...این نهادها که درست شده بودند برای پاسداری از انقلاب (بود)، درست نشده بودند برای حکومت... نه جهاد سازندگی، نه سپاه پاسداران، نه بنیاد مستضعفین، نه دادگاه انقلاب. این‌ها حق حکومت ندارند... زور من شمائید. هرکاری می‌بینید خطاست و می‌خواهید درست شود، باید خودتان بایستید و درست کنید... به‌هرحال تکلیف شما این‌است که... همه‌جمع بشوید... لاقید نمانید... بگوئید آقا شما یک عده کذا از جان ما چه می‌خواهید..." (همان‌جا)

این صدای شوم در کرنای گروهک مائو ـ ئیستی ـ آمریکائی "رنجبران" هم انعکاس می‌یافت:

"...مردم ما قیام کردند تا به استبداد سلطنتی وفاشیسم خودکامه ساواک خاتمه‌دهند اما امروز به‌قول رئیس‌جمهور با استبداد، با ۶ نوع زندان وانواع شکنجه‌ها روبرو هستند... مردم ما قیام کردند تا راه ترقی را... طی کنند، اما امروز روند جامعه درجهتی است که هراس می‌رود آنچه را که مردم داشته‌اند هم از دست بدهند... ما هم همانند رئیس جمهور در مقابل قهرو زورحاکمین تازه به‌دوران رسیده مجبوریم بایستیم. همچنان‌که... در برابر زورمندان رژیم سابق ایستادیم..." (شماره ۱۴۷ رنجبر ـ ازمقاله "رسم مردم ماست که بایستند" ـ ۲۱ دی ماه ۵۹)

لیبرال‌ها هم، همان "پیکان سوارهای نازک‌نارنجی"، اعلام سخنرانی میکردند، برای آنکه حرف‌های ناگفته (!) را بگویند. حرف ـ هائی که البته از گفتگو با برژینسکی و گم‌و گور شدن پروتکل آن مذاکرات، در آن خبری نبود، وهرچه بود، سخن دل‌خستهٔ لیبرال زاده‌هایی بود که از بیراهه‌های دورافتاده با بغض وکینه به مردمی می‌نگرد که در شاهراهی وسیع رو به افقی تازه، می‌تازند.

"...مشکل اساسی کشور ما بعد از پیروزی انقلاب که تا به امروز هم ادامه‌دارد و منجر به بحران کنونی شده‌است، بحران در مدیریت مملکت وبینش مسئولان کنونی می‌باشد..." (۱۹ اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

واین "بحران" را دکتر یزدی چنین می‌شکافد:

"اشکال اساسی درجای دیگری است. و آن اختلاف دوبینش ونگرش از فلسفه سیاسی است. یک بینش به‌جامعه باز وآزاد بر اساس موازین اسلامی وقانون اساسی اعتقاد دارد. بینش دیگر معتقد به ادارهٔ کشور بر اساس حکومت یک‌حزبی است..." (همان‌جا)

آری، جبههٔ متحد ضدانقلاب وظیفهٔ ایجاد بحران را، بحرانی که درحقیقت وجود داشت، اما از ضد انقلاب ریشه می‌گرفت، نه از انقلاب، برعهده گرفت. این بحران می‌بایستی درحرف ودرعمل به‌وجود آید و گسترش یابد

تا درچنان جوی آقایان، وسپس اربابان آمریکا ـ ئیشان، هرچه می‌خواهند بکنند. برای اجرای همین توطئه بود که سخنرانان "دفترهماهنگی"، از مبلغی اسلامی گرفته تا سلامتیان و غضنفر ـ پور وهمچنین گویندگان "نهضت آزادی" و خود بنی‌صدر، هر روز در گوشه و کنار مملکت آتشی بر می افروختند، تا از آن آتش خویش را گرم کنند و مردم را بسوزانند.

سخنرانی نمایندگان "نهضت آزادی" در استادیوم امجدیه، سخنرانی‌های مکرر بنی‌صدر درگوشه وکنار مملکت، آنهم درحالیکه امام خمینی سخنرانی سران درجه یک مملکت را تا پایان جنگ ممنوع کرده‌بودند، افتتاح "دفاتر هماهنگی" در اینجا و آنجا، راهپیمائی های "سازمان مجاهدین خلق"، که رهبری خائن آن دست‌در دست بنی‌صدر نهاده‌بود، میتینگ های موضعی گروهک‌های مائوئیستی ـ آمریکائی مانند "پیکار" و "رنجبران" و... همه وهمه درخدمت این هدف بودند. به‌زبان دیگر، یکی می‌برید، یکی می‌دوخت ودیگری تن می‌کرد. "رنجبر" فریاد می‌زد:

"...منطق مستبدین روس‌گرا درحکومت کنونی ازنظر ماهوی فرق چندانی با منطق آریا ـ مهری ندارد..." (رنجبر ـ شماره ۱۵۰ ـ ۲۸ دی ۵۹)

ومحمد مبلغی اسلامی، سخنگوی "دفتر هماهنگی" در شهر فسا رهنمود (!) می‌داد که:

"مردم بایستی از آزادی مانند حریم مقدس وپاک خانوادهٔ خود... دفاع‌کنند و یک لحظه ازمسئولیت خطیر دفاع از آزادی غافل نباشند..." (۱۰ اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

ومهندس بازرگان می‌گفت: "... عمیقا نگران تداخل ونفوذ افکار و برنامه های مارکسیستی وسیاست شوروی می باشیم... نگران جانشین‌شدن یک ابرقدرت به‌جای ابر قدرت دیگر هستیم..."
(۱۰ اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

وبنی‌صدر ادامه‌می‌داد:

"... برمن بودکه هشدار بدهم وتجربه‌های تاریخی را پیش چشم همه بیاورم، بر من است‌که در برابر جریانی که کشور را به سوی استبداد و وابسته به سلطه خارجی می‌برد، مقاومت‌کنم، چراکه این به‌معنای مرگ اسلام مرگ ایران ومرگ آرمان‌های یک انقلاب است..." (۱۱ اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

و حسین نواب صفوی، که اینک درچنگال عدالت جمهوری اسلامی ایران گرفتار است، "شاعرانه!" تقاضای کمک می‌کرد:

یارب از ابر هدایت برسان بارانی
پیشتر زانکه چوگردی، زمیان برخیزیم

(۱۴ اسفند ۵۹ ـ سرمقاله انقلاب اسلامی)

به‌این ترتیب بود که ضدانقلابیون، در میان گردوخاکی که خود به‌پاکرده‌بودند، تاچشم چشم رانبیند، به‌تشکیل جبهه‌متحد خود پرداختند، تا عملیات ضدانقلابی خویش را هم ـ آهنگ‌کنند. دراین‌زمینه پیشگام، گروهک آمریکائی ـ چینی "رنجبران" بود.

۱۹ بهمن ۱۳۵۹، بدنبال اعلام نقشهٔ ریگان مبنی بر روی کارآمدن یک "دولت میانه ـ رو" (بخوان: لیبرال)، "رنجبر" نقشهٔ دیکته ـ شده از جانب "سیا" راچنین اعلام‌کرد.

"...در صحنهٔ سیاسی کنونی ایران دو جریان‌سیاسی درمقابل‌هم درحال شکل‌گیری‌اند. جریان یک دربرگیرنده اکثریت عظیم مردم، کارگران، دهقانان، خرده‌بورژوازی و بورژوازی ملی و دیگرعناصر استقلال‌طلب می‌باشد... حزب رنجبران ایران، جبههٔ ملی ایران، حزب ملت‌ایران، نهضت آزادی‌ایران، جاما، سازمان مجاهدین خلق‌واکثریت سازمانهای‌چپ (بخوان: مائوئیست‌های آمریکائی) ازجمله احزاب و سازمان‌هائی هستندکه بطورعینی دراین جریان قرارمی‌گیرند. طرفداران رئیس‌جمهور بنی‌صدر هم که‌طیف وسیعی را تشکیل می دهند دراین جریان قراردارند..." (رنجبر، شماره ۱۵۹)

دراین‌نقشه سپس جبهه مقابل متشکل از نیروهای پیرو خط امام، حزب تودهٔ ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، جنبش مسلمانان مبارز، حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران و... معرفی میگردد، وآنگاه "رهنمود" داده میشود که:

"...درحمله به غاصبین قدرت سیاسی یعنی حاکمین مستبد باید آتش‌حمله را روی آن مشت کوچک سرسخت تمرکز داد..." (همان‌جا)

واین "تمرکز" به‌چه منظور باید صورت‌گیرد؟ جواب گروهک مائوئیستی آمریکائی "رنجبران" این‌است:

"...آقای رئیس جمهور، مردم را به مبارزه‌وکسب پیروزی دعوت‌کنید. مردم حاضر ـ ندهمراه شما قیام‌کنند..." (رنجبر ۱۵۸ ـ ۱۶ بهمن ۵۹)

زیرا: "...ملتی که استبداد کبیر را سرنگون‌کرد، استبداد صغیر را هم سرنگون‌خواهد کرد..." (رنجبر ۱۶۰ ـ ۲۱ بهمن ۵۹)

احمد غضنفرپور، مائوئیست مسلمان‌نما هم این "رهنمود" "همپالکی خود را به‌گوش‌جان شنید واعلام‌کرد که:

"...به‌این‌روش‌های زورمدارانه‌که‌نشانه بارزی‌است از افکار دیکتاتوری باید خاتمه داد..." (۲۰ اسفند ـ انقلاب اسلامی)

احمد سلامتیان هم به جمع مقاومین (!) پیوست وحرف یاران خود را تکمیل کرد:

"...در مقابل زور و اعمال فشار نایستادن یعنی، چون گوسفند به‌سلاخ‌خانه‌رفتن..." (همان‌جا)

وآخر هم اینکه:

"ای مردم آزاده کجائید، کجائید
آزادگی افسرد، بیائید، بیائید"

(سرمقاله انقلاب اسلامی ـ ۱۹ فروردین ۶۰)

بنی‌صدر هم که قبلا فرمان "ایستادگی" راتوشیح (!) کرده‌بود:

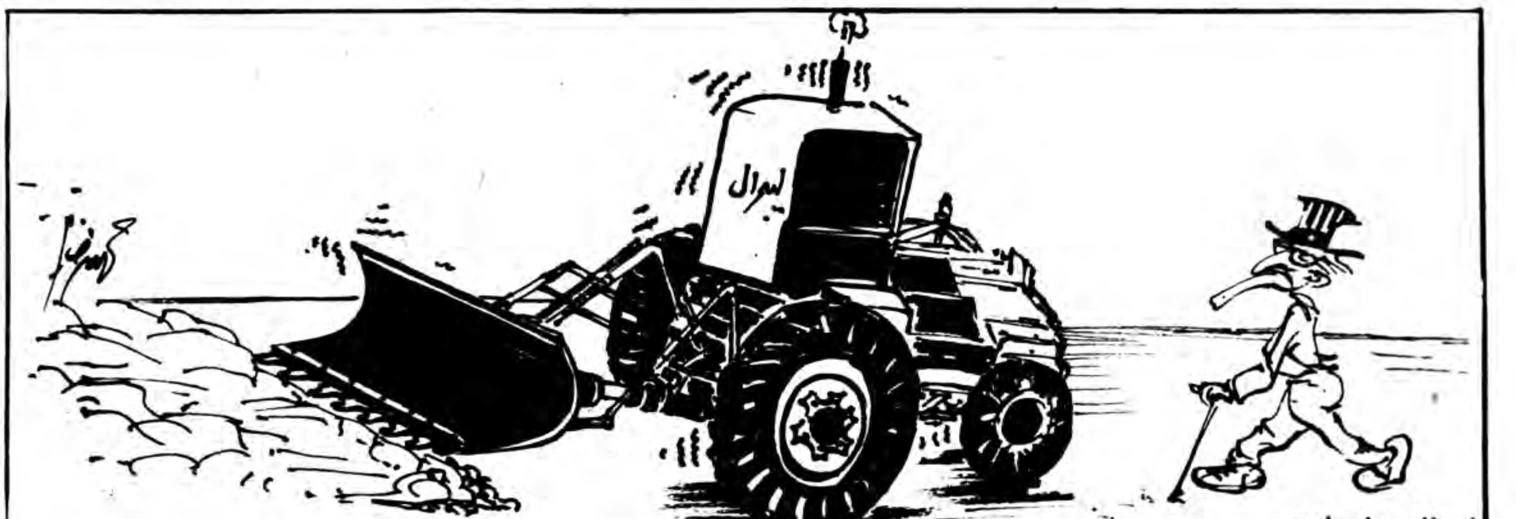
"...خودتان بایستید درست کنید..." (۱۴ اسفند ۵۹ ـ انقلاب اسلامی)

حالا تنها تشکیل رسمی جبهه‌متحد ضد ـ انقلاب مطرح‌بود، که در روز ۱۴ اسفند ۵۹، در دانشگاه تهران، در برابر چشم همگان قرار گرفت.

حاضران در مراسم ۱۴ اسفند سال ۵۹ در دانشگاه‌تهران عبارت‌بودند از: جبهه‌ملی نهضت‌آزادی، حزب‌ملت‌ایران، جاما، سازمان مجاهدین‌خلق، رنجبران، پیکار وسایرتربچه‌ های‌پوک، ساواکی‌ها، سلطنت طلبان، بختیاری‌ها و... هواداران بنی‌صدر!

وبه‌این‌ترتیب بود که ارکستر ضد ـ انقلابیون، به‌رهبری ابوالحسن‌بنی‌صدر، روز ۱۴ اسفند ۵۹، برای تمرین‌نهائی وارد صحنه شد. صحنه‌ای که‌قرار بود سکوی جهش ضد ـ انقلابیون‌باشد، اما گورگاه آنان شد.

(ادامه‌دارد)



لیبرال به‌زبان ساده

به پیشواز هفتهٔ سالگرد جنگ عادلانه بر ضد تجاوز آمریکائی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران

تدارک رژیم صدام برای آغاز جنگ تجاوزکارانه و سکوت دولت موقت

*** دولت موقت که، براساس نوشته وزیرخارجه‌اش اطمینان داشت که عراق آمادهٔ حمله به ایران است، سعی کرد با اعلام اینکه عراق در خاک خودش مانور می‌کند، خطر را از مردم پنهان بدارد.**

جنگ برافروخته از جانب امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران بدست رژیم جنایتکار صدام یکساله می‌شود. اکنون یک سال است که خلق‌های ایران با فداکاری و دلاوری کم نظیر علیه متجاوزان صدامی می‌رزمند و بهترین فرزندان خلق به بهای خون خویش راه نفوذ بیشتر دشمن را به خاک میهن انقلابی سد کرده‌اند.

یک سال پیش در بعدازظهر شوم ۲۸ شهریور ۱۳۵۹، با بمب‌های رژیم صدام، که بر چند فرودگاه مهم ایران، از جمله فرودگاه مهرآباد تهران، فروافتاده بود، جنگ تحمیلی صدامیان علیه ایران انقلابی آغاز شد. در این روز، با نفوذ هواپیماهای متجاوز رژیم صدام تا پایتخت ایران، جنگی که از چندماه پیش به شکل ایذایی آغاز شده بود، وسعت یک تجاوز تمام عیار را به خود گرفت.

نگاهی به رویدادهای یکساله پیش از حمله نظامی بسیارگسترده – ۱۸ لشگر – رژیم صدام به خاک ایران، نشان می‌دهد که چگونه صدام تکریتی، مطابق نقشه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، آماده اجرای توطئهٔ ششم علیه انقلاب میشد و درهمان حال وزیرخارجهٔ دولت موقت این توطئهٔ آمریکائی-صدامی را لاپوشانی می‌کرد. شواهد موجود حاکی است که رژیم صدام، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب ایران، از آنجاکه از تاثیر انقلاب ایران در خلق‌های عراق هراسان بود، علیه ایران انقلابی موضع گرفت. ابتدا حملات تبلیغاتی به ایران شروع شد وسپس از اردیبهشت ۱۳۵۸ عملیات ایذایی رژیم بغداد علیه ایران آغاز گردید. این عملیات چنان وسعت گرفت که یک ماه بعد: **"هواپیماهای عراقی در ۴ نوبت ۶ قریه در خاک ایران را مورد حمله قرار دادند...."** (۱۷ خرداد ۱۳۵۸ – کیهان)

ولی دولت موقت در این باره کاملا سکوت کرد. هواپیماهای دشمن مجددا در ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ به خاک ایران تجاوز کردند، ودولت موقت همچنان ساکت بود. مردم ایران در ۲۲ خرداد ۱۳۵۸ علیه جنایات رژیم بغداد راهپیمایی کردند وبازهم دولت موقت ساکت بود. البته دولت موقت نه تنها از عملیات ایذایی رژیم بغداد با خبر بود، بلکه به اعتراف **دکتر ابراهیم یزدی** وزیر خارجه وقت، می‌دانست که رژیم صدام آمادهٔ یک جنگ تمام عیار با ایران می‌شود:

"... عراق با مرتجع ترین دولت های عربی، از جمله عربستان سعودی و اردن و یمن شمالی و عمان و مصر نزدیک شد. صدام حسین یک پیمان دوجانبه با عربستان سعودی منعقد نمود که متعاقب آن ومتاثر از آن روابط عراق با یمن شمالی و اردن گسترش یافت. روابط عراق با یمن جنوبی به سردی گرائید. چرا عراق و عربستان پیمان بستند؟ این پیمان‌های موسمی و فصلی برای هدف های مشخص ومعین هستند. این پیمان علیه چه کشوری می باشد؟ اگر قرار بود که این پیمان علیه اسرائیل باشد، عراق می بایستی نیروهای خود را درمرزهای سرزمین‌های اشغال شدهٔ فلسطین متمرکز سازد، نه در مرزهای ایران، پیمان عراق وعربستان که در همان ماه‌های اول بعداز پیروزی انقلاب ایران منعقد شد، دقیقا علیه ایران می‌باشد. برای ما هیچ شک و شبهه‌ای نبود. وما مترصد پی‌آمدهای این پیمان ها بودیم..." (کیهان – ۵ مهر ۱۳۵۹)

از این اعترافات به تاخیر افتادهٔ وزیر خارجه دولت موقت لیبرال، که یک سال ونیم بعد ازحوادث یادشده در بالا وچند روز بعد از تجاوز صدامیان به ایران منتشر شده، چند مسئله بسیار روشن نتیجه می شود:

۱– عراق نیروهای خود را در مرز های ایران، درهمان ماههای اول بعد از پیروزی انقلاب متمرکز کرده است.

۲– رژیم صدام باکشورهای مرتجع منطقه قرار داد بسته است.

۳– دولت موقت لیبرال هیچ شک وشبهه‌ای نداشته که این پیمان‌ها علیه ایران است و مترصد پیامدهای آنهم بوده است.

وجالب اینجاست که دربارهٔ این مسائل حیاتی، که با سرنوشت انقلاب مربوط است و یک سال ونیم بعد به آن اعتراف شده، دولت موقت کوچکترین واکنشی، حتی در حد دادن یک یادداشت اعتراض، نشان نداده است، چه برسد به افشاگری در نزد توده‌ها، آماده کردن ارتش، پاسداران ونیروهای مردمی.

وزیرخارجه دولت موقت در ادامه اعترافات



نسلهای متفاوت ما آموخته‌اند که دوش به دوش یکدیگر، در سنگر دفاع از انقلاب ومیهن انقلابی شان، با تجاوزات غدارانه ووحشیانهٔ امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا وایادیش بجنگند.

خود به صراحت می نویسد:

"... **محورهای سوم وچهارمی که دولت** انقلاب اسلامی درایران **تعقیب میکرد، برخورد** قاطع نظامی درغرب وجنوب **با تجاوزات و** توطئهٔ عراق بود. این برنامه **متاسفانه آنطور که می بایدصورت نگرفت...."** (۱۷ خرداد ۱۳۵۸ – کیهان)

چرا دولت موقت با متجاوزان صدامی برخورد قاطع نظامی نکرد؟ **دکتر یزدی جواب** می دهد:

"... به علت درهم ریختگی عظیم و وسیعی که بعدازانقلاب درتمامی ارگانهای مختلف کشور به وجود آمده بود...." (همانجا)

وزیرخارجه دولت موقت در پایان نوشتهٔ خود از "افتخارات "دولت موقت یکی هم این امر را می داند که: "**مانع درگیری زودرس ووسیع ایران با عراق شد.** "! (همانجا)

عجبا! وزیرخارجهٔ دولت موقت، که علاوه براعترافات یادشده، می دانست که:

"عراق تنها عمل نمی کرد. آمریکائی ها وصهیونیست ها درکنار او بودند. عراق عامل اجرای برنامه‌ها وطرح های آنها بوده است،" (۱۷ خرداد ۱۳۵۸ – کیهان)

به این بهانه که: **"ما قادر نبودیم برای مقابله نظامی درکردستان وخوزستان علیه عراق عمل کنیم"** (همانجا)، نه تنها در برابر تجاوزات مکرر صدامیان (که روزنامه‌های آن دوران هر روز از آن خبرمی دادند) سکوت کرد بلکه به لاپوشانی واقعیتی که خود بر آن واقف بود وحتی مترصد آن بود، پرداخت و چنان تبلیغ کرد که گویا اصلا خطری به نام تجاوز رژیم صدام وجود ندارد. **دکتر یزدی** روز ۲۵ تیر ۱۳۵۸، پس از ملاقات با سفیر جدید عراق در ایران گفت:

"... به قول و حسن نیت مقامات عراقی اعتماد داریم... دولت عراق در خاک خود مانورهائی دارد و... برخی از سرزمین‌های مرزی خود را بمباران می کند... دراین شرایط امکان دارد که اشتباها برخی از نواحی مرزی ایران نیز مورد اصابت بمب عراق قرار گیرد. درگذشته که چنین اتفاقی افتاد، دولت عراق رسما وکتبا ضمن پوزش خواهی اعلام کرد که این واقعه به سهو رخ داده است وآمادگی خود را نیز برای جبران خسارت اعلام کرد...." (کیهان)

واقعا معلوم نیست که این سخنان را **دکتر یزدی** درمقام وزیر امورخارجه جمهوری اسلامی ایران گفته، یا وزیر دفاع رژیم صدام؟!

ولابد بخاطر همین موضع دوستانه (!) **صدام** بود که **دکتر یزدی** او را به ایران دعوت کرد:

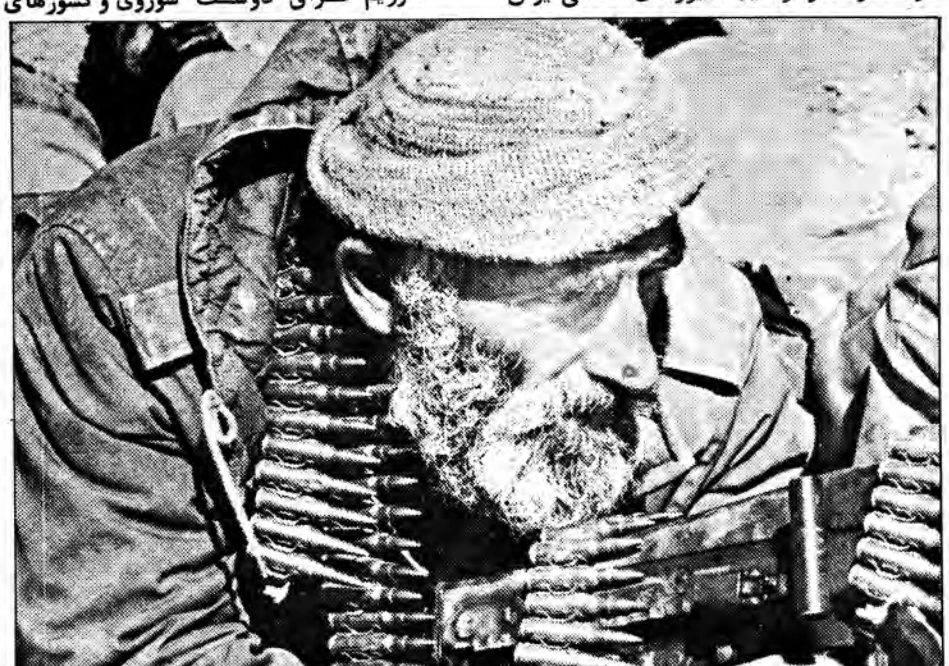
"آسوشیتدپرس از کویت گزارش داد که وزیرخارجه ایران درمصاحبه‌ای با روزنامه کویتی القبس، که امروز منتشر شد، گفت صدام حسین رئیس جمهور عراق را به ایران دعوت کرده است... یزدی گفت من گفت وگوی صادقانه و مستقیمی با پرزیدنت حسین درباره مسائل موجود ایران وعراق داشتم. من از وی دعوت کردم به ایران بیاید ونتایج انقلاب ایران را شخصا مشاهده کند...." (۱۵ شهریور ۱۳۵۸ – کیهان)

وزیرخارجه دولت موقت، روز ۱۱ شهریور ۵۸، درهاوانا با **صدام**، دیدار کرد و دریک دیدارخصوصی، که لابد آنهم پروتکل ندارد، با **صدام** به گفت وگو نشست. گفت وگوئی که آنرا **"رضایت بخش... و سازنده خواند...."** (۱۱ شهریور ۱۳۵۸ – کیهان)

البته **صدام** جنایتکار برای ادامه این "مذاکرات سازنده "به ایران نیامد، **ولی با فرصتی که ابتدا دولت موقت وسپس دولت** شورای انقلاب، که اکثریت وزرا و اعضای آن لیبرال بودند، به او دادند، **وقت کافی** برای **تجهیز بیشتر ارتش عراق و آماده کردن مزدوران صدامی برای حمله به ایران به دست آورد.**

درهمان حال که دولت موقت درصدد فروش هواپیماهای اف – ۱۶ (یعنی همان **هواپیماهائی که بعدا حملات هوائی صدام را سد کرد**) به آمریکا بود، رژیم صدام، که می دانست بعد از تجاوز به ایران نباید به اسلحه شوروی امید داشته باشد، به تجهیز خود توسط کشورهای سرمایه‌داری پرداخت. در همین حال هم آمریکا بندر عقبه را با صرف چند میلیون دلار آماده کرد، تا از آن طریق به **صدام** اسلحه برساند.

وآنگاه... درست سربزنگاه، در حالی که متاسفانه بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی ایران به هشدارهای مکرر نیروهای **انقلابی توجه نکردند ودر نتیجه نیروهای نظامی ایران**



این خلق ایران است که علیه تجاوز آمریکائی صدام می‌رزمد. زن ومرد، کودک وپیر، جان بر سر دست گرفته، یک سال است باخون خویشتن راه دشمن را سد کرده‌اند. عکس از آلفرد یعقوب زاده (از کتاب جنگ)

آمادگی لازم را نداشتند، ششمین توطئه آمریکا درقالب حمله **صدام** به ایران شکل گرفت. نیروهای غافلگیر شده ایران نتوانستند تجاوز را بلافاصله دفع کنند وتا نیروهای مردمی و پاسداران خود را به جبهه‌ها برسانند، قصر شیرین وخونین شهر وبخشی از آبادان به اشغال دشمن درآمد. اما همینکه **پاسداران**، پرسنل ارتش و نیروهای مردمی به جبهه‌ها سرازیر شدند، ازمقاومت خلق سنگری بر پا شد که ابتدا دشمن را در پشت سیلابهای خون متوقف کرد وسپس راندن او را آغاز نمود.

چرا رژیم صدام به ایران تجاوز کرد؟

امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا ازبرانگیختن رژیم صدام به حمله به ایران انقلابی دوهدف را به موازات هم دنبال می‌کرد:

۱ـ زدن ضربه نهایی به انقلاب ایران

امپریالیستهای آمریکایی که بعداز تبادل نظر با مهره‌های رسوای شاه ملعون، از قبیل **پالیزبان و اویسی**، به این نتیجه رسیده بودند که ایران قادر به دفاع نیست، قصد داشتند به طور "برق آسا" خوزستان وبخشی از کردستان را به اصطلاح "آزاد" کنند. براساس این نقشهٔ شوم، که خود قسمتی از **"طرح لوئیز"** برای تجزیهٔ ایران است، قرار بود بعد از اعلام "ایران آزاد" وپشتیبانی امپریالیسم وکشورهای مرتجع منطقه از آن، "ایران آزاد "کذائی سرپلی شود برای "آزاد "کردن بقیه نقاط و نابودکردن انقلاب ایران. وقتی مقاومت دلیرانه خلق این نقشه را با شکست مواجه کرد، تجاوز صدامیان به آلت عمده فشار برای تضعیف انقلاب تبدیل شد، تا از آن رهگذر خلق مجبور به تسلیم شود و "دولت میانه‌رو" روی کار بیاید. بعد از شکست این نقشه هم امپریالیست‌ها جنگ را به عامل فرسایش انقلاب تبدیل کردند واجرای این بخش از نقشه شوم آمریکایی اکنون ادامه دارد.

۲ـ تیره کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحاد شوروی

رژیم بغداد در سالهائی که هنوز سیاست ضدامپریالیستی داشت، ارتش خود را توسط سلاح شوروی مجهز کرده بود. ماهیت قلب شدهٔ رژیم بغداد، که بعداز کودتای دارودسته **صدام حسین** آغاز شده وروند آن هنوز تا حمله به ایران کاملا پایان نیافته بود، هنوز این توهم را در ذهن توده‌های منطقه باقی گذاشته بود که رژیم عراق **دوست شوروی و کشورهای** سوسیالیستی است وبه این ترتیب در جبههٔ انقلاب جهانی قرار دارد. این گمان به ویژه درنزد مردم ایران بسیار نیرومند بود. در نتیجه وقتی که چنین رژیمی به ایران حمله می‌کرد، زمینهٔ این تبلیغ سوء وجود داشت که

بقیه در صفحه ۱۳

نظری به روستاها و زندگی رقت‌بار دهقانان

جامعهٔ روستائی ایران درطول سالیان دراز، جولانگاه **فقر ومحرومیت، ظلم وستم و** انواع نابرابری‌های **اقتصادی ـ اجتماعی** بوده است. **علت اصلی این نابرابری‌ها و** ناهسامانی‌های **موجود درجامعهٔ روستائی** ایران را **باید درنظامات گوناگون و منسوخی** جست، که هریک به‌نوبهٔ خود، مدت زمان مدیدی **مسلط و حاکم بر جامعه بودند**. در ایران سه دههٔ پیشین نیز، **رژیمی که‌از جانب امپریالیسم آمریکا برجان ومال مردم** گمارده شد، **ویرانگری شئونات اقتصادی،** اجتماعی **وفرهنگی درکشوروازجمله درروستا**ـ ها را **آئین خودساخت.**

رژیم **طاغوتی و منفور پهلوی، جهت** پی‌ریزی **"دروازه‌های تمدن بزرگ" ونیز انجام** "ماموریت **برای وطنش" (درواقع برای موطن** اصلی‌اش **آمریکا)، دمی ازسیاست غارت و** به‌تباهی‌کشاندن **روستاهای کشور روی بر**ـ نتافت و **همواره سعی نمود "رهنمود"های** اربابان **امپریالیست و غارت پیشه خویش را** بکار بندد.

اینک، **در دوران تعمیق و پیشرفت** انقلاب، **که می‌خواهیم اوضاع کلی روستاهای** میهمان را **دریک نمونه معین، یعنی روستا**ـ های اطراف **شهرستان مهاباد، مورد بررسی** وپژوهش قراردهیم. **جای پای این سیاست**ـ های شوم و **ضدانسانی را در تک تک آنها** مشاهده **می‌کنیم.**

وضع **اسفبار روستاهای اطراف شهرستان** مهاباد **تنهابیانگر گوشه‌ای از تالانگری ها و** جنایت **های رژیم وابسته و ضد مردمی پیشین** است.

شهرستان **مهاباد باجمعیت در حدود ۲۰۰هزار نفر دراستان آذربایجان غربی واقع** است و **از ۲بخش و ۷دهستان تشکیل می‌شود.** دراطراف **مهاباد روستاهائی قراردارند که** شغل اکثراهالی **آنهاکشاورزی ودامپروری** است. **زنان روستائی همدوش بامردان در امر** کشت **و دامپروری شرکت فعال‌دارند. بجهت** کار در **کشتزارها و پرورش دام، زنان نقش** چشمگیری **در تولید صنایع دستی ندارند.** معهذا **دراوقات محدود فراغت به قالیبافی و** دوک ریسی **می‌پردازند.**

اکثر **ساکنین کردروستاهای این منطقهٔ** سردسیر **و کوهستانی را همچون خیرآوا، قلعه** جوغه، **ده‌منصور، حاجی له‌ک، ساری‌قامیش،** کوخان، **سرهولان، بنگوین، دول‌بهار، محمود** آوا، **سلوک، سرطان، لاچین، تالاو، قم قلعه** و... **دهقانان بی‌زمین وکم زمین تشکیل** می‌دهند، **که گذشته از "ستم ملی" که بر آنها** رفته است، **سالیان سال تحت استثمار و ظلم** بزرگ مالکان **و فئودال‌ها قرار داشته‌اند.**

حماسه‌آفرینیهاومبارزات **این دهقانان زحمتکش** جهت **واژگونی رژیم جنایتکار سابق و پیروزی** انقلاب **و تعمیق آن و نیز مقابله باتوطئه‌های** گروهکها **و باندهای ضد انقلاب وتجاوز** آمریکائی **رژیم صدام، چه درجبهه و چه در** پشت جبهه، **فراموش ناشدنی است.**

بااین همه، استثمار، جنایات وستمگریـ های **بزرگ‌مالکان وفئودالها هنوز که هنوزاست** گریبانگیراین **زحمتکشان روستاست. آنهاانتظار** ندارندکه **بعدازانقلاب نیز مشتی زالو صفت و** جنایتکار **بنام بزرگ‌مالک و فئودال تمام** شریان‌های **زندگانی آنها را دردست داشته** باشند **و چونان سابق آنها را بردهٔ خویش** بندارند.

مثلا **مالک روستای "حاجی له‌ک" (واقع** در **شمال شرقی مهاباد با ۱۳۰ خانوار** جمعیت) **۴۰۰۰ هکتار زمین و ۲ کارخانه آجر** پزی دارد، **ولی اکثردهقانان این روستا بی**ـ زمین و **کم زمین‌هستند. یا در روستای** "بنگوین"، **واقع در۴۵کیلومتری غرب مهاباد،** ۱۶خانوار **(۱۸۰نفر) زندگی می‌کنند، که از** این تعداد **۷ خانوار بی‌زمین‌هستندو بقیه** (۹خانوار) **روی‌هم رفته ۱۵هکتار زمین دارند** درعوض، **۹قطعه از وسیع ترین اراضی روستا** در دست **سه بزرگ مالک است وآنهاحتی از** اجاره دادن این اراضی به‌دهقانان خودداری می‌کنند.

نمونهٔ دیگر:

در روستای **"کوسه کهریز"** در ۲۰ کیلو ـ متری شمال غربی مهاباد واقع است، حدود یک سوم کل اراضی آبی ودیم (۵۰۰ هکتار) در اختیار ۴ بزرگ مالک است. دراین روستا از جمع ۲۰۰ خانوار، ۵۰ خانوار کم زمین و ۴۵ خانوار بی‌زمین‌هستند. البته مقداری از اراضی این روستا دردست‌شرکت سهامی‌زراعی بودکه در پائیز ۱۳۵۸، بوسیلهٔ کمیسیونی‌که ازجانب خوددهقانان تشکیل شد، به آنها واگذار گردید. بعد از انقلاب درحدود ۲۰ هکتار از اراضی روستا دراختیار دهقانان بی‌زمین قرارگرفت، ولی بعلت قلیائی بودن جنس اراضی، دهقانان‌نمی‌توانند از آنها بهره‌برداری کنند. برخی‌ازاهالی روستا به کارگری در کوره پزخانه‌ها و یاکارگری‌درمزارع و یاخریدوفروش حیوانات مشغولند.

نمونهٔ دیگر:

روستای **"ده منصور"** ۶۰ خانوار جمعیت (۵۵۰نفر) و ۵۰۰ هکتار اراضی مزروعی دارد که ۱۵۰ هکتار آن متعلق به مالک است.

اکثر دهقانان‌کم‌زمین‌هستند. دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین برای گذران‌زندگی خود و خانواده‌شان مجبورند درکوره‌های آجرپزی و مزارع این وآن و یا درشهر به‌کارگری‌تن‌دهند تاقبل از انقلاب، دهقانان اجاره بها می‌پرداختند، امابعداز انقلاب ازدادن اجاره بها خودداری کردند.

نمونهٔ دیگر:

۳۰۰هکتار ازاراضی روستای **"دارلک"** (در۱۵کیلومتری شمال غربی مهاباد) متعلق به ۲ نفرمالک است. این روستا ۱۸۰ خانوار (۲۵۰۰نفر) جمعیت دارد، که ازاین تعداد ۳۵ خانوار بی‌زمین و ۷۵ خانوار کم زمین هستند. مالکان، علاوه براراضی فوق، ۲۰ هکتار باغ میوه دارند. بعلت نبودن اراضی دراختیار دهقانان، بسیاری از آنهاناچارند برای درآوردن خرج خود و خانواده درکوره‌ـ های آجرپزی به کارگری بپردازند.

ازاین نمونه‌هابسیار است که متاسفانه ذکرآنها دراین مقاله کوتاه نمی‌گنجد. اما با قاطعیت می‌توان بیان داشت که بزرگ مالکان **وفئودالها دراکثر این روستاهابیشترین اراضی** رادراختیار خوددارندو سالها بر دهقانان زحمتکش اطراف مهاباد ظلم وستم رواداشته‌ـ اند. علت این امر از جهات مختلف‌قابل بررسی است. یکی از عمده‌ترین این جهات توطئه‌های پی در پی وگسترده‌ای است که از جانب بزرگ مالکان و فئودالها و ایادیشان با مشارکت روحانی‌نمایان ولیبرالهاعلیه قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و بویژه بندهای "ج" و "د" این قانون واجرای‌آن‌بکار رفته ومی‌رود.

دولت انقلاب موظف است که منافع توده‌های چندمیلیونی روستارا درنظرگیرد و به خواست عمده آنان جامه عمل پوشاند. خواست عمده آنان و ازجمله دهقانان اطراف روستاهای مهاباد، بارها و بارها از طریق ارسال طومارها، شکایات دسته جمعی، راه‌ـ پیمائی‌هاو تظاهرات و به انحاء گوناگون دیگر بگوش‌مقامات‌مسئول‌رسیده‌است ودیگر نیازی به توضیح اضافی نداردکه امروزاین‌ارتش‌عظیم حل‌عمده‌ترین خواست خود رادر گرو اجرای بندهای "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن ایادی غارتگر بزرگ مالکان و فئودالهامی‌داند. اماشهرستان مهابادو روستاهای اطراف آن دارای ویژگی‌هائی‌است که حتما درصورت تحقق این امر، یعنی رفع توقف ازبندهای "ج" و "د" اجرای آن‌را در برخی‌مناطق به تعویق می‌اندازدو یا آن را مشکل می‌کند.

همانطور که آگاهیم، دیریست این منطقه ودیگرمناطق اطراف آن دستخوش فعالیتهای مخرب، آشوب آفرینی‌هاوتشنج‌ـ زایی‌های ضدانقلاب است. بزرگ مالکان و ایادیشان، گروهک کومله، باندقاسملو، رزگاری، سلطنت طلبان و غیره، سخت در این منطقه فعالند و هر روز فاجعه‌ای برای روستائیان زحمتکش می‌آفرینند. از سوی‌دیگر حل "مسئله ملی" وبرقراری صلح وآرامش در این منطقه ازدیگر خواستهای عمده و مهم روستائیان اطراف مهاباد است.

تمرکز بیشترین اراضی در دست بزرگ مالکان‌وفئودالها در روستاهای‌اطراف مهاباد مشکلات چندگانه‌ای برای روستائیان این **سامان** پدیدآورده است. ازآن جمله است **مهاجرت به شهرها** و یا اشتغال درکوره های آجرپزی ودیگرموسسات.

کمبود و نبودامکانات کشت، دامپروری و رفاهی درجای خود به امرمهاجرت‌روستا‌ـ ئیان اطراف مهاباد و با کارمزدوری آنان در کارخانه‌های کوره‌های آجرپزی اطراف‌یاری می‌کند.

برای نمونه در روستاهای **سرچنار** (کلب رضاخان سابق)، **قره‌گول، فرلجه‌سفلی، دریاس، لاچین، پیربله** ودیگر روستاهای‌این منطقه، دهقانان احتیاج به امکانات کشت‌از قبیل ماشین آلات کشاورزی، سوخت، آب زراعی، کود، سموم برای دفع آفات، وام، بذر و غیره‌دارند.

دامپروری در روستاهای اطراف‌مهاباد بعلت کمبودامکانات ازقبیل: نبودن‌دارو و دامپزشک و وجودبیماری‌های مختلف دامی، نبودن مرتع و غیره از رونق برخوردارنیست.

برای آگاهی بهتر از وضع دامپروری در روستاهای اطراف شهرستان مهاباد ومشکلاتی کـه دامپروران باآن‌مواجه هستندگفتهٔ یکی از دامپروران روستای **خیرآوا** واقع در۴۵کیلو‌ـ متری شمال‌مهاباد رامی‌آوریم. اومی‌گفت:

"حتما باید بگذاریم یکی دوراس از حیوانات ما تلف شود. آنگاه وقتی‌حیوان‌مرد جگرش رادرمی‌آوریم و به شهرپیش دامپزشک می‌بریم تا دامپزشک از روی آن نوع مرضی‌که حیوان به آن‌دچارشده تشخیص‌دهدوبرای‌ما نسخه بپیچد و یا دارو حواله دهد. ما ناچاریم برای جلوگیری ازشیوع بیماریها بین احشام داروها را پنج برابرقیمت اصلی‌بخریم تازه معلوم نیست دارو موجودباشد.

متاسفانه این مشکلات گریبانگیردامپر‌ـ وری اطراف مهاباد وازجمله دامپروری‌روستا‌ـ های **زیوه، خلیفه، رفته، سلیم ساغول، سرطان، کوتر، ملکه، سستک، قزقلا، تالاو** و دیگر روستاهای این‌منطقه است.

وظیفهٔ دولت انقلاب‌ونهادهای‌انقلابی دراین‌زمینه تامین‌کمک‌های‌موثردامپزشکی و ارسال دارو وکنترل قیمت‌داروهای دامی و آموزش صحیح‌دامداران، واگذاری مرتع و دام واگذاری وام مورداحتیاج دامپروران‌برای رشد دامپروری دراین روستاهاست.

ازنظرامکانات اولیه معیشتی وضع روستاهای اطراف مهاباد تاسف باراست. اکثر این‌روستاها فاقدبرق، آب لولدکشی‌آشامیدنی مدرسه، حمام، درمانگاه، شرکت‌های‌تعاونی، سوخت و غیره هستند.

بعلاوه بعلت وجودضدانقلاب، گرانی در این‌منطقه بیدادمی‌کند. متاسفانه تعدادشرکت‌ـ های‌تعاونی مصرف که قادرند در زمینه‌کاهش گرانی‌ارزاق‌ومایحتاج‌نقش موثری عرضه کنند، ازانگشتان دست تجاوزنمی‌کند. باآن‌که‌شوراهای روستائی دررسیدگی به‌مسائل **مختلف روستائیان** و ازجمله رسیدگی به‌مسئله **زمین ودهقانان**، تامین امکانات کشت و **دامپروری**و غیره نقش موثری دارند، اما در **روستاهای** مزبور به غیر از دو روستای**قماریه**و **سرطان**، بطورکلی شورا وجودندارد.

مسئله‌ای که اشاره بدان‌ضروراست، عدم **همکاری** لازم ودلسوزانه مقامات مسئول آن **منطقه** است. روستائیان‌اطراف مهاباد بارهااز بانک کشاورزی منطقه درخواست وام جهت کشت ودامپروری کرده‌اند، امامتاسفانه مقامات مزبور آنچنان که شایسته است، خواست روستائیان را برآورده‌نکرده‌اند.

شرح کوتاه فوق ازنحوهٔ زندگی وکشت وکار روستائیان اطراف مهاباد، نموداری از زندگی‌سراسردردورنج‌این‌روستائیان‌زحمتکش ومبارز است.

ازمیزان دردو رنج این‌روستائیان‌زمانی **کاسته** می‌شودکه مسئولین دولت انقلاب در **حل** مشکلات آنان وانجام خواستهای بحق‌ـ **شان** نظیر اجرای بندهای "ج" و "د"، تامین **امکانات** کشت و دامپروری و رفع نیازهای **اولیه‌معیشتی** پیگیری ودلسوزی به خرج‌دهند.



برنامه...

بقیه‌ازصفحهٔ ۲

تشکیل انجمن‌های صنفی (سندیکاها) و نیز انجمن‌های‌اسلامی‌سخن‌گفته‌است. نیمی از این اصل‌مهم راوزارت کارپذیرفته‌ونیمی دیگر رانه. انجمن‌های‌اسلامی‌راحمایت می‌کندو درمورد انجمن‌های‌صنفی‌ساکت‌می‌ماند. اصل ۱۰۴ رادر موردشوراها قبول‌دارد، امادرسراسر برنامه سخنی هم درباره انجمن‌های صنفی، یعنی سندیکاها، وجودندارد.

این که با تشکیل سندیکاهای کارگری، جریانات‌گوناگونی‌ازآغازپیروزی‌انقلاب‌مخالفت داشته‌اند، امرپوشیده‌ای‌نیست. اما وزارت‌کار و اموراجتماعی، که‌می‌خواهد وزارت کار کارگران باشد، چرا؟برنامه‌وزارت کار و امور اجتماعی می‌خواهدبازسازی تشکیلات وزارت کار راباا ستفاده‌ازنیروی‌کارگران‌بصورت‌همکاری‌ومشاوره انجام‌دهد، می‌خواهدقانون‌کارجدیدرابانظر‌ـ خواهی‌ازکارگران‌تدوین‌نماید. سئوال‌اینست که:

این‌همکاری‌ومشاوره و نظرخواهی چگونه‌انجام خواهد شد، وآیا اصولا درغیبت سندیکاهای کارگری، کسب‌نظر مشورتی‌ازکارگران‌میسراست؟ روشن‌است که‌شرکت‌چندکارگردرجلسات‌مربوطه نمی‌تواندبیانگرخواست‌ونظرطبقهٔ‌کارگرباشد، که‌درصدهاهزارواحدتولیدی‌وصنعتی کوچک و بزرگ درسراسرکشور پراکنده‌است.

اکنون زمان آن فرارسیده است که قانون اساسی‌جمهوری‌اسلامی‌ایران‌بازتاب خود را در برنامهٔ‌دولت‌بیابد. این‌برنامه‌ها‌نباید‌به‌هیچ‌رو درمقابله باقانون اساسی جمهوری‌اسلامی وبا نادیده گرفتن بخشهائی ازآن‌تدوین شود. تنهادراین‌صورت‌است‌که‌می‌توان‌به‌این‌خواست **امام‌خمینی** پاسخ‌مثبت‌گفت‌که:

"شماهاباید‌برای‌این‌ملت‌خدمت کنیدو خودتان‌راخدمتگزارمردم‌بدانید".

دوران معاصر و مبارزه بخاطر صلح (۳)

دوران معاصر ، دوران تشدید مبارزه به خاطر صلح ، براندازی کانون های جنگ ، مهار کردن نیرو ـ های جنگ طلب ، جلوگیری از تجاوز کشورهای سرمایه‌داری علیه جهان سوسیالیسم و دیگر گردان های انقلابی جهان ، جلوگیری از جنگ هسته‌ای جهانی ودر نهایت حذف جنگ از زندگی خلق های جهان . پیدایش انواع سلاح با کیفیت نو ، گسترش وتعمیق تضاد عمدهٔ دوران معاصر، تلاش های امپریالیسم برای حل سرنوشت پیکار دوسیستم اجتماعی موجود در جهان با نیروی اسلحه ، موجب آن گردیده که جلوگیری از جنگ هسته‌ای به‌نحوی قانونمند به‌مهمترین مشکل دوران معاصر تبدیل شود ، زیراکه موجودیت خود بشریت وسرنوشت تکامل آتی تمدن بشری به طور کلی مستقیما به‌حل این مشکل وابسته است .

مسئله بدین شکل مطرح است : جنگ هسته‌ای میان دوسیستم اجتماعی موجود روی خواهد داد یا نه؟ تضاد عمدهٔ دوران معاصر به‌چه شکلی حل خواهد شد : ازراه جنگ جهانی هسته‌ای یا همزیستی مسالمت‌آمیز؟ تنها صلح پایدار و همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت میتواند در برابر ساکنان کرهٔ ارض افق های روشن آینده رابگشاید و امکان دهد که‌گذار بشریت از نظام سرمایه‌داری به نظام سوسیالیستی وساختمان جامعه سوسیالیستی وکمونیستی تحقق یابد و مسائل عام آینده بشریت حل وفصل شود . وبه‌همین علت است که‌مبارزه در راه اجتناب از جنگ جهانی هسته‌ای سمت عمده استراتژی سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی واحزاب کمونیست وکارگر درکشورهای سرمایه‌داری وتمامی نیروهای سیاسی ترقیخواه راتشکیل میدهد . روشن است که مالکیت خصوصی وروابط اقتصادی استثمارگرانه منبع وقوع جنگ هستند . اما عوامل اقتصادی خود به‌خود ناگزیر موجب وقوع جنگ نمی شوند . بدین ترتیب ازجنگ باوجود مالکیت خصوصی درنظام‌ـ های سیستم سرمایه‌داری میتوان احتراز کرد . مطلب برسرآن است که در مسائل وقوع جنگ ویا اجتناب ازآن عوامل ذهنی ازآنجمله عوامل سیاسی نقش موثری دارند . بر پایه روابط اقتصادی ، مکانیسم سیاسی تدارک جنگ و اقدام به‌آن عمل میکند . برپایهٔ منافع اقتصادی و خواست‌های طبقات استثمارگر ، هدف‌های سیاسی آنان ، یعنی هدف‌های سیاسی طبقات استثمارگر شکل میگیرد . این طبقات برای دستیابی به‌منافع وخواست‌های اقتصادی خود الزاماکشور را در زمینه‌های اقتصادی ، سیاسی ، ایدئولوژیکی ونظامی برای جنگ آماده‌میکنند . این اقدام رانمی‌توان تنها بانیروهای طبقات استثمارگر برای تدارکات جنگ‌های تجاوزی و اشغالگرانه انجام داد . لازمست که از دیگر طبقات واقشار اجتماعی که سعی دارند ازجنگ‌ـ های غیرعادلانه اجتناب شود ، یاری گرفته‌شود درعین‌حال درعرصهٔ جهانی مبارزه به خاطر صلح جریان دارد . مبارزه علیه‌نیروهای جنگ‌طلب وارتجاع درجبهه‌های دورنی و برونی میتواند نیروهای تجاوزگر را ناگزیر کند که از جنگ به عنوان وسیلهٔ اعمال سیاست برای همیشه و یا در دوران معینی اجتناب ورزند .

جلوگیری ازجنگ جهانی ازجهات بسیاری به‌تناسب نیرو میان نیروهای هوادار صلح و نیروهای جنگ‌طلب بستگی دارد . در آستانه جنگ دوم جهانی در شرایطی که‌یگانه کشور سوسیالیستی درجهان در محاصرهٔ جهان سرمایه‌داری بود ، تضمین پایدارماندن صلح دشوار بود . درآن زمان تناسب نیرو میان نیروـ های جنگ‌طلب ونیروهای صلح‌جو برابر نبود و این‌تناسب به‌نفع نیروهای جنگ طلب بود ، درحال حاضراین وضع بطور بنیادی دگرگون شده است . احزاب مارکسیستی ـ لنینیستی با تحلیل همه‌جانبهٔ محتوای دوران‌کنونی به این نتیجه‌گیری تاریخی رسیده‌اند : در دوران معاصر ناگزیری جبری جنگ وجود ندارد . حتی با ادامه وجود منبع جنگ یعنی سیستم سرمایه‌ـ داری در سرایط تناسب کنونی نیروها درعرصه جهانی ، رشد وتوسعه‌توانائی کشورهای جامعه سوسیالیستی و وحدت روزافزون تمامی‌نیروهای ترقیخواه وهواداران صلح ، افزایش نفوذ کشورـ هائی که‌علیه امپریالیسم مبارزه میکنند امکان عینی برای حذف جنگ از حیات جامعه بشری وجود دارد .

متجاوز از ۳۶ سال است که‌بشریت فارغ از جنگ جهانی به‌سرمی برد . این‌واقعیت ازعظیم‌ـ ترین خدمات اتحاد شوروی‌ودیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی است که‌با جلوگیری ازجنگ جهانی هسته‌ای ، تمدن جامعه‌بشری را از خطر نابودی نجات داده‌اند . باصراحت باید گفت که اگر قدرت سوسیالیسم وسیاست خارجی صلح‌جویانه وانعطاف پذیر آن وجود نداشت ، کشورهای سرمایه‌داری دارای سلاح‌هسته‌ای مدت‌ها بود که ازاین سلاح برای هدف‌های سیاسی خوداستفاده میکردند . استحکام هرچه‌بیشتر مواضع سیستم سوسیالیسم جهانی ، فعال‌ترشدن مبارزه‌هواداران صلح ، تعمیق هرچه‌بیشتر بحران عمومی سرمایه ـ داری امکان میدهند که‌نه‌تنها از جنگ‌جهانی هسته‌ای اجتناب شود بلکه همچنین ازجنگ‌های غیرعادلانه منطقه‌ای که امپریالیسم به راه می‌ـ اندازد جلوگیری به‌عمل آید .

اجتناب از جنگ جهانی هسته‌ای وجلوـ گیری از جنگ‌های منطقه‌ای امپریالیستی خودبه خود عملی نیست . برای تحقق این امر مبارزه فعالانه‌وپیگیر به‌خاطرصلح ضرورت دارد . فعالیت درزمینه‌جلوگیری ازجنگ مبارزه‌ایست دشوار که مستلزم کوشش‌فراوان وجسارت وکاردانی سیاسی است . این مبارزه‌که‌به‌خاطر صلح و در راه تامین امنیت خلق‌ها انجام میشود در دوران معاصر دارای خصائل ویژه‌ای است .

خطر جنگ در حال حاضر نه‌تنها ازناحیه امپریالیسم که منشاء جنگ‌ها ست بلکه همچنین ازجانب رهبری پکن نشات میگیرد . به‌همین علت بدون مبارزه علیه‌خط مشی میلیتاریستی پکن نمی توان مسائل مربوط به تامین صلح رادردهه هشتاد حل وفصل نمود . وجود دومنبع خطروقوع جنگ، مسئله‌جلوگیری ازجنگ جهانی هسته‌ای ونیز جنگ‌های غیرعادلانهٔ منطقه‌ای درنواحی مختلف جهان را از جهات بسیاری بصورت نوینی مطرح میکند . اتحاد امپریالیسم و مائوئیسم احتمال اقدام



به‌ماجراجوئی های جنگی ازجانب آنهارا میافزاید. منافع صلح وترقی ایجاب میکند که هم‌زمان در دوجبهه در راه صلح مبارزه شود واین امر از ویژگی‌های دوران معاصر است . این‌وضع ازنیروـ های‌صلح‌جو میطلبد که در مبارزه انعطاف پذیر باشند ، اشکال وشیوه‌های‌مبارزه رابا خصوصیات فعالیت‌ارتجاع تطبیق دهند و به ویژگی‌های اقتصادی ، سیاسی ، ایدئولوژیکی وبویژه‌تدارکات نظامی آن آگاهی داشته‌باشند . وجوداین‌دو کانون خطرجنگ ایجاب میکند که‌تمامی نیروهای صلح درتمام مناطق جهان علیه‌جنگ‌افروزان فعالیت‌ـ های‌مشخصی را انجام دهند . همه مبارزان راه صلح درتشریک‌مساعی خودعلیه امپریالیسم و برتری‌طلبان پکن باید علاوه بر اشکال حاضر مبارزه‌اشکال‌ویژه‌خودرانیزبکاربندند .

آزمون‌های تاریخی جنگ‌جهانی دوم از جمله‌گواه‌برآن است که‌نیروهای تجاوزکار چنانکه‌از جانب محافل‌سیاسی پشتیبانی وترغیب شوند ، آسانترمیتوانند آتش جنگ رابرافروزند . بهمین علت مبارزه در راه صلح میتواند کارآتر باشد هرگاه ، نه‌تنها علیه‌جنگ‌افروزان ، بلکه همچنین علیه‌محافلی که در لباس "منادیان‌صلح" آنانرا تشویق میکنند ، اصول‌انترناسیونالیستی رانقض واحساسات ملی‌گرائی راجانشین‌آن میکنند .

افزایش وگسترش کانون‌های تشدید تشنجات‌بین‌المللی که درآنها مقادیر فراوانی تسلیحات انباشته‌شده‌است برای وقوع جنگ جهانی هسته‌ای منبع خطر بزرگی را تشکیل می‌دهد . پاره‌ای ازین‌کانون‌ها میتواند به کانون جنگ‌جهانی تبدیل شوند . اگر در آستانه‌جنگ جهانی‌اول‌تنهادراروپاکانون خطر جنگ‌جهانی وجود داشت‌ودر آستانه جنگ جهانی‌دوم دو کانون خطرجنگ‌وجود داشت ، در حال حاضر کانون‌های خطر فوق‌العاده بیشتری وجود دارد که‌برخی ازآنها میتواند موجب‌وقوع جنگ‌جهانی گردد . درهریک‌ازاین‌کانون‌های‌خطر جنگ‌منافع بسیاری‌ازکشورهاو از آن‌جمله قدرت‌های‌بزرگ به‌هم گره خورده‌اند . این‌وضع مقتضیات‌تازه‌ای رادر مبارزه بخاطر صلح مطرح میکند و ایجاب میکند که این مبارزه هم‌زمان دربسیاری‌ازمناطق جهان‌جریان‌داشته‌باشد . مبارزه‌در راه‌صلح و امنیت‌خلق‌ها ایجاب میکندکه‌در راستای حل و فصل مسالمت‌آمیز تمامی مناقشات بین المللی بدون‌استثنا فعالانه مبارزه‌شود . در مبارزه در راه‌صلح توجه به‌قارهٔ اروپا مانند گذشته از اهمیت ویژه‌ای برخورداراست . در این قاره دو اتحادبزرگ‌نظامی وسیاسی بلاواسطه در مقابل هم‌قراردارند ونیروهای مسلح‌عظیمی در این قاره متمرکز شده‌اند .

وقوع جنگ‌ها همواره با تدارکات‌گسترده و همه‌جانبه‌ای ازپیش‌همراه‌است . برای مبارزهٔ موثر وموفقیت‌آمیز در راه جلوگیری‌ازوقوع‌جنگ لازم‌است‌که محتوای این‌تدارکات و مکانیسم به راه‌انداختن جنگ‌جهانی وجنگ‌های منطقه‌ای وهمچنین مکانیسم مداخلهٔ نظامی امپریالیستی علیه‌روندهای‌انقلابی وصدور ضدانقلاب کاملا شناخته‌شده باشند .

چنانکه معلوم‌آست‌شیوه‌های‌براه‌انداختن جنگ‌مستقیما به‌وسائل وتجهیزات‌جنگی بستگی دارد . به‌همین‌علت ، زمانی‌که‌دول امپریالیستی به‌سلاح‌جدیدی دست‌میابند و یا سلاح‌های موجود را تکامل می‌بخشند باید دید که سلاح جدید چه‌تاثیری در مکانیسم به راه انداختن جنگ‌از جانب امپریالیسم دارد .

به‌عنوان‌مثال ، در حال‌حاضربه‌این‌مطلب بایدتوجه‌شودکه سیاست‌امپریالیستی استقرار موشک‌های میان‌برد وسلاح‌نوترونی ازجانب آمریکا درسرزمین‌های‌کشورهای اروپائی چه خطرات‌عظیمی برای سرنوشت صلح‌دارد . علاوه براین ، تجاربی‌که از تدارکات و به‌راه انداختن جنگ‌های تجاوزی به‌دست‌آمده‌است بایدهمه‌ـ جانبه‌موردتحلیل قرارداده‌شود ، زیرا این تحلیل به‌شناخت مکانیسم تدارکات تبلیغاتی جنگ ، مکانیسم عوامفریبی‌ها و اشاعه افسانه‌ـ های گوناگون ضدشوروی و ضدسوسیالیستی که هدف آنها اغوا و گمراهی افکار عمومی‌است مساعدت‌خواهدکرد .

گسترش پایگاه‌نیروهای اجتماعی صلح‌جو

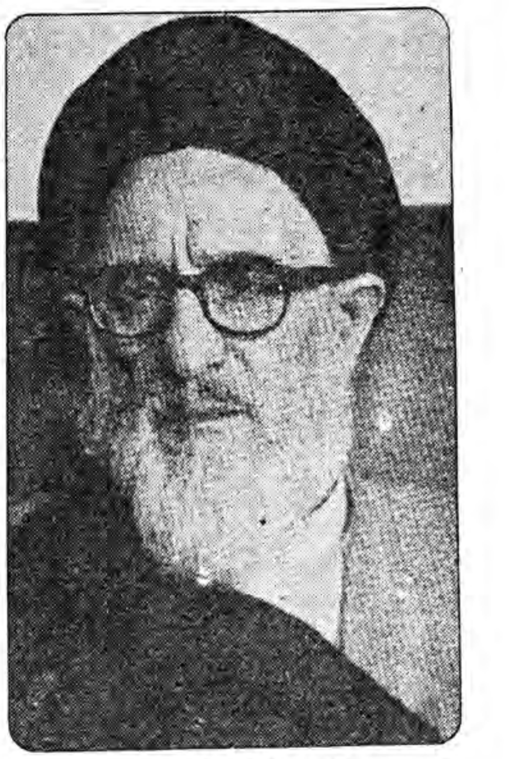
در دوران معاصر پایگاه اجتماعی جنبش نیروهای صلح‌جو گسترش‌میابد . نه‌تنها‌کارگران، دهقانان‌واقشارروشنفکربلکه‌پاره‌ای از لایه‌های بورژوازی نیز باجنگ‌جهانی‌هسته‌ای به‌مخالفت برخاسته‌اند .

گسترش پایگاه‌اجتماعی جنبش هواداران صلح وپیوستن‌نیروها وسازمان‌های سیاسی مختلف به‌این‌جنبش ایجاب میکندکه‌مبارزه در راه صلح سازمان‌یافته‌تر وباهم‌آهنگی بیشتری انجام‌داده‌شود . در دوران‌معاصرنفوذ نیروهای صلح‌جو درکلیه‌مناطق‌جهان‌گسترش‌میابدواین امربرای‌نیروهای ترقیخواه جهان کامیابی چشمگیری‌است .

درحال حاضرمبارزه‌در راه صلح درجمیع جهات‌پیچیده‌ترمیشودواین‌امربااشکال‌گوناگون تضادهای‌آنتاگونیستی (آشتی‌ناپذیر) در سیاره ماکه‌موجب‌ایجاددرگیری‌های‌مسلحانهٔ متنوعی ازجانب‌امپریالیسم میشود ، مربوط‌است . این وضع ازتمام‌نیروهای‌صلح‌جو میطلبد که در ابتکارات صلح‌خواهانه ومبارزات‌خودازمجموعه امکانات‌متنوع‌چه‌ازلحاظ شکل و چه از لحاظ محتوا به‌موقع بهره‌برداری کنند . خصلت‌جامع مبارزه در راه صلح در دوران معاصرقانونمندی روندتکامل‌مرحله‌کنونی یعنی‌گذارازسرمایه‌داری به‌سوسیالیسم رادربرمیگیرد . ازین‌رو ، مبارزه علیه‌دکترین‌های‌نظامی‌امپریالیستی ، علیه میلیتاریستی‌کردن‌اقتصادوفرهنگ ، علیه جنگ جهانی‌وهمهٔ‌جنگ‌های‌اشغالگرانهٔ منطقه‌ای امپریالیسم ، وعلیه همهٔ‌نیروهای تجاوزگرو ارتجاعی ، شرکت‌فعال‌متنوع‌ترین نیرو های سیاسی ، ازجمله آن‌نیروهایی را که برای محو منشاء‌جنگ‌ها یعنی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید تمایلی ندارند ضرورمی سازد، و با توجه به‌همهٔ‌اشکال ممکن به‌راه انداختن جنگ ، استفاده از ابتکارات صلح‌جویانه در کلیهٔ حیطه‌های روابط بین‌المللی ، گسترش‌کامیابی‌ـ های تنش‌زدائی درهمهٔ‌قاره‌ها و مناطق‌جهان ، وبهره‌گیری از تمام ابتکارات صلح‌جویانه کلیه جنبش‌های‌ترقیخواه‌سیاسی برای جلوگیری از جنگ ، راشامل میشود .

بیاد آن مجاهد نستوه...

بقیه از صفحهٔ ۱



درطول سالهای خفقان‌رژیم پهلوی ، که راه همه‌مبارزان‌انقلابی به‌شکنجه‌گاههای‌ساواک ختم می‌شد ، **آیت‌اله‌طالقانی** هم مهمان‌همیشهٔ "آقایان" بود . وقتی انقلاب‌باشکوه‌مردم‌ایران به‌رهبری **امام‌خمینی** سیل‌آسا به‌روفتن بساط سلطنت پرداخت ، مجاهدنستوه آیت اله **طالقانی** به‌همراه‌فقیه‌عالیقدر **آیت‌الله‌منتظری** از زندان آزاد شدندوبر شانه‌های خلق به خانه‌هایشان‌برده شدند . **آیت‌اله‌طالقانی** از همان‌لحظات‌آزادی‌در رهبری جنبش انقلابی ایران قرارگرفت و زیر رهبری **امام‌خمینی** و با تاکید اینکه حفظ وتقویت رهبری امام خمینی شرط پیروزی انقلاب‌است ، همراه‌باسایرمبارزان، به‌بسیج‌وسازماندهی مبارزات‌مردم پرداخت . واو بودکه در تاسوعای ۵۷ ، درحالیکه همه جا صحبت‌ازقتل‌عام‌مردم توسط جلادان‌شاه‌بود ، اعلام‌کردکه ، اگرهیچکس‌هم‌نباشد ، یکتنه راه‌ـ پیمائی‌خواهدکرد ، وچنین‌کرد ، درحالیکه به دنبالش بیش از ۳ میلیون‌نفر دست‌به‌عظیم‌ـ ترین‌تظاهرات سیاسی تاریخ‌ایران‌زدند .

بعدازپیروزی انقلاب هم ، **آیت الله طالقانی** ، که دارای چنان‌محبوبیتی در بین توده‌ها بودکه‌بابیش از ۲ میلیون‌رای به‌عنوان وکیل اول تهران به‌مجلس‌خبرگان راه‌یافت . به مبارزات‌خود علیه‌توطئه‌های‌امپریالیسم‌جهانی به‌سرکردگی‌آمریکاادامه‌داد . واین مبارزه تا آخرین لحظهٔ‌حیات‌وی ادامه‌داشت . مبارزه‌ای که‌برای پیروزی آن ، **آیت‌اله‌طالقانی** بردوشرط تاکیدمکررداشت : اول ، **رهبری امام خمینی**. دوم ، **اتحادهمهٔ‌نیروهای‌خلق!**

مجاهدنستوه ، تاپایان‌حیات گرانقدر خویش ، براین‌اصول‌وفاداربود و "**مجاهدین خلق**" راهم تحت نفوذ خود ، برآن‌داشته‌بود تاسیاست سازمان رابرمبنای این‌دواصل استوار کنند .

وقتی **آیت‌اله‌طالقانی** چشم بر فروبست ، رهبری خائن "**مجاهدین‌خلق**" حالیکه درحرف خود را به عقاید **آیت‌اله طالقانی** وفادارنشان‌می‌داد ، درعمل‌به‌آرمان‌ـ های "**پدر**" پشت‌کرد . رهبری "مجاهدین خلق" چنانکه بعدا اعضای فریب‌خوردهٔ آن اعتراف کردند ، حتی اعضاء وهواداران سازمان را از خواندن‌مجدد‌نظریات آیت‌اله طالقانی باز می‌داشت . وبه‌این‌ترتیب‌رهبری‌خائن‌"**مجاهدین خلق**" ، سازمان را ابتدا قدم‌به‌قدم و سپس‌با شتاب‌فراوان‌بجائی بردکه ، اگر **آیت‌اله‌طالقانی** زنده‌بود ، بیگمان‌باهمهٔ‌نیرو علیه‌آن سیاست می‌رزمید .

اکنون درسالگشت وفات مجاهدنستوه ، ما ضمن تقدیم تسلیت‌خود به مردم قهرمان‌ایران به‌رهبرانقلاب وبنیانگزارجمهوری اسلامی‌ایران وبه‌خانوادهٔ‌آن‌بزرگوار ، ازهواداران‌و اعضای "**سازمان‌مجاهدین‌خلق**" می‌خواهیم که باردیگر نظریات‌آن‌فقید سعید رامرور کنند ، تادریابند که‌چگونه‌برخلاف وصایای آن‌مرد بزرگ‌عمل‌می‌ـ کنند وچگونه برخلاف‌او ، که‌همیشه یاور انقلاب بود ، به‌دشمن‌انقلاب مبدل شده‌اند .

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و . . .

هفتهٔ گذشته بدنبال شهادت آقای محمدعلی رجائی رئیس‌جمهور وآقای دکترجواد باهنرنخست وزیرجمهوری اسلامی ایران ودو تن از همکاران آنها، احزاب، گروه‌ها، سازمان‌ها وجمعیت‌های سیاسی، این جنایت وحشیانهٔ عمال امپریالیسم آمریکا را محکوم کردند. "اتحادمردم" تا آنجاکه به این اعلامیه‌ها دسترسی داشته، آنها را از نظرخوانندگان گرامی میگذراند:

جامعهٔ روحانیت مبارزتهران :

جنایت ایادی خون‌آشام

امپریالیسم جهانخوار

دربخشی از اعلامیهٔ "جامعهٔ روحانیت مبارز تهران" آمده است:

"ایادی خون آشام امپریالیسم جهانخوار، رئیس جمهور مکتبی و منتخب مردم ونخست وزیرمحبوب و متعهد را از ما گرفت. جامعهٔ روحانیت مبارز تهران تردید ندارد که این بار نیز ملت قهرمان ما باشکیبایی وصلابتی که ازامام امت فراگرفته است، باحضورفعال درصحنه شکست ناپذیری خودرا به ثبوت رسانیده ودشمن رادر تمام چهره‌ها ومواضعش رسوا ومایوس خواهدنمود."

جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه قم :

ستون پنجم آمریکاراشناسایی کنید

دربخشی ازپیام "جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم" آمده است:

" انقلاب اسلامی ما که هدفش استقرارعدل وقسط اسلامی وپیاده شدن احکام آسمانی قرآن است، بزرگترین لطمه رابرامپریالیسم جهانخوارصهیونیسم بین‌المللی واردآورده . . .طبیعی است امپریالیسم وصهیونیسم جهانی تمام نیروی شیطانی خودرا درمقابله باآن به کارخواهندگرفت . . . ملت ماازنیرو - های انتظامی انتظار دارد که در حفاظت مسئولین وشخصیت‌های اسلامی‌با درایت بیشترعمل نموده و باقیمانده‌پوسیده وستون پنجم آمریکا راشناسایی وبه دادگاه - های انقلاب تسلیم سازند".

حزب جمهوری اسلامی :

نبردایران وآمریکا

واردمرحله‌تازه‌ای‌شده‌است.

دربخشی ازاعلامیهٔ حزب جمهوری اسلامی آمده است:

"امپریالیسم آمریکا باسقوط بنی‌صدرتمام رویاهای طلایی خویش را نقش برآب می‌بیند واینک بعنوان انتقام ازملتی که علیه استکبارجهانی قیام کرده است، تمام کوشش و تلاش خود را صرف مبارزه‌ای بی‌امان بانظام جمهوری‌اسلامی ایران نموده است .ما هما نطوری که اعلام کرده‌ایم، نبردایران و آمریکا کاملاواردمرحلهٔ جدیدی شده است والزاما ملت قهرمان و بیدار ما بایدهوشیاری خودرا در تمام زمینه‌ها ودرهمهٔ جبهه‌ها کاملا بکارگیردوتوجه داشته‌باشد که همانگونه که امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی فرمودند :این توطئه‌ها نمی‌توانند درارادهٔ تاریخ سازامت کوچکترین خللی واردآورد وباحضورگستردهٔ توده‌های‌میلیونی درصحنه مبارزه آخرین ریشه‌های فساد توطئه نیزقطع خواهدشد".

وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران :

آمریکابایدبداند

رستاخیزواقعی فرارسیده

وزارت امورخارجهٔ جمهوری اسلامی ایران دربخشی ازاعلامیهٔ خودبه‌این‌مناسبت آورده است:

"امپریالیسم جنایتکارآمریکا باردیگرچنگالهای خون آشام خود را به‌خون دوانسان صالح‌دوانسان انقلابی ازیک میلیاردمسلمان جهان آلود وآمریکا برای آنکه بتواند این جنایت هولناک‌راانجام دهد، مقدمه‌ای را با تبلیغات خود به همراه صهیونیسم فراهم‌آورده بود. ملتهای جهان باید از خود بپرسند که آیا این اتفاقی است که یک باره مسئله ایران توسط سران آژانس یهود مسئله روز آمریکا می‌شود؟ مسلما این‌جنایت درعزم ملت ما برای نبردبا آمریکا ونبردبا صهیونیسم اثرنخواهد داشت واراده‌ٔ ملت ما رادراین مبارزه سرنوشت ساز محکم‌ترخواهدساخت . . .آمریکا بایدبداندرستاخیز واقعی فرارسیده وگسترش روزافزون پیام انقلاب اسلامی می‌رود تا یک میلیاردبشریت مظلوم مسلمان را برعلیه منافع امپریالیسم در سراسر جهان بسیج نماید . . . نمایندگی‌های جمهوری‌اسلامی‌ایران درسراسرجهان به نشانه‌استمرار این انقلاب به جای نیمه‌افراشته کردن پرچمها، پرچم سرخ شهادت برخواهندافراخت. ما خوب میدانیم که معنای این حرکت ما را نه‌صهیو- نیستها ونه حقوق بشریهای خواب آلوده، بلکه تنها میلیاردها خلق مستضعف جهان بخوبی خواهندفهمید ما متعجب نخواهیم شدکسانی که تحت عنوان دفاع ازحقوق بشریت جانیانی چون رجوی‌ها، بنی‌صدرها و دزدان دریایی را باآغوش بازمی- پذیرند، سعی‌کنندجنایات آمریکا و نوکران آن همچنان پوشیده‌بماند ولی وجدانهای پاک بشری روز به روز عمق توطئه‌های گستردهٔ استکبارجهانی را برعلیه خودشان بیشتر احساس خواهند کرد واین مقدمه نابودی امپریالیسم‌جهانی وصهیونیسم بین‌المللی‌است".

جنبش مسلمانان مبارز ایران :

توطئه‌براندازی‌امپریالیسم‌جهانی

به‌سرکردگی آمریکا

جنبش مسلمانان مبارزایران دراعلامیهٔ خودازجمله‌گفته‌است:

"باردیگر در روزیکشنبه به دنبال سلسله توطئه‌های براندازی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا وجبههٔ متحدضدانقلاب دو نفردیگرازمقامات مملکتی، رئیس جمهور ونخست وزیرکشور، به شهادت رسیدند. این جنایت درتعقیب سلسله ترورها وانفجاراتی صورت می‌گیردکه هدفشان، متزلزل کردن روحیه، گسستن زنجیروحدت‌شکستن سدمقاومت واعتمادبه‌نفس ملتی است که برای آزادی خودتا کنون دهها هزارشهیددر راه خدا تقدیم کرده، وآمادهٔ هرنوع‌فداکاری‌است هیهات که دشمنان قسم‌خورده بتوانندبا این اقدامات مذبوحانه ارادهٔ آهنین ملت مسلمان ودلیر راضعیف سازند، یا درتصمیمشان به‌ادامهٔ نبردحق‌طلبانه تا پیروزی نهایی، یعنی نابودی‌قطعی امپر- یالیست‌ها وتفوق کامل مستضعفان خللی واردآورند . . .

امروزدست زدن به‌هرعملی که بروحدت ویکپارچگی صفوف مردم لطمه واردآوردیاآنها راازحضور فعال درصحنه وانجام وظایف انقلابی ومیهنی واسلامیشان باز دارد، خیانت به انقلاب و مردم و دشمنی با خداست.

همچنانکه بارها تاکیدکرده - ایم، یکدلی واتحادمردم تحت رهبری امام خمینی، درمبارزه با دشمنان خلق ودفاع ازکیان‌انقلاب واسلام، ضامن بقاء ودوام‌انقلاب وشکست توطئه‌های دشمن است".

تشکیلات دموکراتیک زنان ایران :

بااطمینان‌قاطع به‌پیروزی‌انقلاب

زنان ومادران ایران،

فاجعه‌ای بزرگ، مصیبتی سترگ برملت ایران واردآمده است. رئیس جمهور محبوب رجائی ونخست وزیر عزیز باهنر هردودرراه ملت وجمهوری اسلامی‌ایران شهیدشدند. ملتی‌عزادار وهمه زنان ومادران ،داغدارشده‌اند. عزاوداغ‌دراین نبرد بزرگ علیه امپریالیسم‌آمریکابصورت‌گریه‌وشیون نیست، بلکه همه بانیروئی بیشتر، آگاهی عمیقتر، آماده پاسداری‌ازانقلاب‌ومبارزه با دشمن خونخوارهستند.

مرگ دلخراش عزیزان به دست نابکاران عمق مبارزه‌رانمایانتر ساخته و وظایفی‌که‌دراین نبردبر عهدهٔ مردم‌است، روشن ترمی‌سازد.

دیگرمادران گریه راازیاد برده‌اند. مگرمی‌توان بااشک جای خالی این رادمردان را پر کرد؟ مگرممکن است با،زاری مرهم‌بردرد - ها گذاشت؟ نه، هرگز نه!

خاطرهٔ همیشهٔ زندهٔ آنها ازما چیزدیگرمی‌خواهد. دست‌آرام‌گرفته آنها راه پرشکوه‌مبارزه را به ما نشان می‌دهد.

امروز وظیفهٔ بسیاربزرگی داریم. ما بایددرهرجاکه‌هستیم گوشه‌ای ازکاررا بگیریم. ما باید شب وروزباهمهٔ جان ودل‌ازانقلاب پاسداری کنیم، ماآرامش وآسایش را بایدبرخودحرام کنیم.

زنان ایران !کشته داده‌اید آسیب خورده‌اید، دلهایتان به‌درد آمده، اما ایستاده‌اید پرشکوه‌و نیرومند، به‌خودهراس وضعف راه نداده‌اید. مادر هستید‌به‌تمام معنای واقعی این کلمه و این مقام ارجمند.

ما همه‌ازجان ودل ازصمیم قلب به امام امت، رهبرانقلاب و بنیانگذارجمهوری اسلامی ایران تسلیت گفته وخودرا برای انجام هروظیفه‌آماده اعلام می‌کنیم.

وازهمهٔ زنان دعوت می‌کنیم که باهشیاری بیشتردرتثبیت انقلاب شکوهمندکوشا بوده ونگذارند دشمن درهیچ زمینه ودرهیچ جا کوچکترین موقعیتی بدست‌آورد.

دردرامبدل به نیرو، اشک را به‌هشیاری وماتم را به ایستادگی بسازید.

بااطمینان قاطع به پیروزی انقلاب.

شورای کارکنان برق منطقه‌ای تهران بخش نارمك :

بسمه‌تعالی

باردیگرامپریالیسم‌جنایتکار جهانی به سرکردگی آمریکادستان آلوده‌اش را باخون هموطنان ما رنگین کردورئیس جمهورمنتخب مردم ایران ونخست وزیر دولت انقلابی را به فجیع ترین وضع به شهادت رسانید.

آمریکا این سردستهٔ تروریسم بین‌الملل کوردلانه می‌پندارد که‌با توسل به شیوه‌های تروروایجاد رعب خواهدتوانست باردیگرسلطه شوم خود را برمیهن انقلابی و توده‌های جان برکف وطنمان بگستراند، و چندصباحی دیگر با مکیدن خون‌هم‌میهنان ما به حیات ننگین خویش ادامه دهد.

غافل ازاین که‌چرخ‌های‌انقلاب ما هرچه محکمتروقاطعانه‌ترازپیش بجلوخواهدشتافت وخوان یغمای همه غارتگران را برخواهدچید.

شورای کارکنان برق نارمک این شیوه‌های رذیلانهٔ تروریسم کور را محکوم کرده و از کلیهٔ همکاران تقاضا دارد باهشیاری مواظب توطئه‌های امپریالیسم و ایادی داخلی آن باشند.

اطلاعیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران :

بمب‌گذاری‌جنایتکارانه‌درنخست وزیری رابه شدت محکوم‌می‌کنیم. و شهادت رئیس جمهور و نخست وزیرراصمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

هم‌میهنان گرامی!

هنگامی‌که‌اعلامیهٔ کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران، حاوی "تحلیلی‌از اوضاع کشور" چاپ شده بود، با کمال تاسف و تاثر ازفاجعه‌بمب گذاری درنخست وزیری وشهادت رئیس جمهور ونخست وزیر اطلاع یافتیم.

با بمب گذاری جنایتکارانه‌در نخست وزیری، که منجر به شهادت آقای محمدعلی رجائی رئیس جمهور وآقای دکتر محمدجوادباهنر نخست وزیر گردید، امپریالیسم آمریکا وتفاله‌هایش درتوطئهٔ شوم خودعلیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران فاجعهٔ تازه‌ای آفریدند. این جنایت فجیع باردیگر این حقیقت رابه ثبوت می‌رساندکه سرکردهٔ امپریالیسم جهانی با انقلاب ایران آشتی‌ناپذیراست و ازجنگ تجاوزکارانه تا تروریسم کور، تمام نیروی جهنمی خودرا به کاربرده ومی‌بردتاانقلاب ضد- امپریالیستی ومردمی‌ایران را در هم شکند. امپریالیسم آمریکا، همراه بااین جنایت‌ها، می‌کوشد به وسیله‌عمال ناشناخته‌اش در تمام نهادهای دولتی وانقلابی، باطرح مسائل فرعی، انحرافی و تفرقه‌افکنانه، بانفاق افکنی میان نیروهای‌انقلابی، باتراشیدن دشمنان موهوم، بامنحرف ساختن مردم ازمبارزه برضدشیطان بزرگ - آمریکا، دشمن‌اصلی‌مردم‌وانقلاب ایران، جبههٔ انقلاب را تضعیف و سپس سرکوب کند.

این جنایت فجیع باردیگر می‌آموزدکه در برابر توطئه‌های دشمن اصلی مردم ایران وخلقهای سراسر جهان - امپریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی‌آمریکا - می‌باید برهشیاری‌افزودوتدابیر جدی‌تری برای حفظ جان مسئولان کشور وامنیت نهادهای دولتی و انقلابی اتخاذ کرد، می‌بایدبا تفرقه‌افکنی‌میان‌نیروهای انقلابی به هرشکل ودرهرلباس که درآید، قاطعانه‌مبارزه کرده، می‌باید اتحادنیروهای‌انقلابی‌را، صرفنظر از تفاوت درعقایدمسلکی‌ومذهبی، برای دفاع قاطع تر وموثرتر از انقلاب تحقق بخشید، زیرافقط در این صورت است که می‌توان امپریالیسم جنایتکار آمریکا و تفاله‌هایش را به زانو درآورد.

حزب تودهٔ ایران بمب‌گذاری جنایتکارانه درنخست وزیری را به

بقیه‌درصفحه۸

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و...

شدت محکوم می‌کند و شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر را به مردم ایران و امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، و بازماندگان شهدا صمیمانه تسلیت می‌گوید.

حزب توده ایران همگان را به حفظ آرامش، به تشدید پیکار در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و به اتحاد همه نیروهای انقلابی برای تضمین پیروزی قطعی و نهائی این پیکار فرا می‌خواند.

حزب توده ایران اطمینان دارد که مردم انقلابی ما، با هشیاری و استواری و اتحاد خود خواهند توانست بر توطئه‌های امپریالیسم دد منش آمریکا و تفاله‌هایش فائق آیند و ایران مستقل، آزاد و آباد خود را بسازند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۶۰/۶/۹

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران:

نابود همه دشمنان دور و نزدیک انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران!

هم میهنان!

دست جنایت پیشه‌ای که به فرمان سازمان‌های تبهکار امپریالیستی و صهیونیستی و در ارتباط با فراریان ضد انقلابی عالی‌ترین مقامات اجرائی جمهوری اسلامی ایران، یعنی آقایان محمد علی رجائی رئیس جمهور و دکتر محمدجواد باهنر نخست وزیر را با انفجار بمب آتش‌زا به شهادت رسانید، بر آن بود تا میهن انقلابی ما را در بحبوحه جنگ با تجاوزگران صدامی و مقابله با خرابکاری‌های خائنانه گروهک‌های ورشکسته دچار بی‌ثباتی کند و توده‌های مستضعف را سرگشته و نومید از حرکت انقلابی جدا سازد. این همان چیزی است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و همه نیروهای ارتجاعی و ضد انقلابی از همان فردای ۲۲ بهمن ۵۷ خواسته‌اند و با انواع توطئه‌ها و جنایت‌ها برای آن زمینه سازی کرده‌اند و می‌کنند. ولی انقلابی که از اراده آهنین توده‌های بپاخاسته مایه می‌گیرد، انقلابی که در حرکت تکاملی پرتوان خویش عقبه‌های پر خطری را تاکنون پشت سر گذاشته است، انقلابی که با خون دهها هزار شهید پاکباخته از میان توده مستضعف آبیاری شده قادر است لطماتی از این دست را تاب آورده با نیروی زاینده و هردم فزاینده خویش جبران کند و با حضور آگاهانه و فعال میلیونها زحمتکش و مستضعف همچنان تا پیروزی نهائی پیش برود.

شورای نویسندگان و هنرمندان ایران شهادت محمدعلی رجائی و دکتر محمدجواد باهنر را به توده‌های انقلابی ایران و به امام خمینی، رهبر بزرگوار انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تسلیت می‌گوید و بر لزوم قطع دست جنایتکار امپریالیسم و صهیونیسم و عمال خیانت پیشه داخلی شان تاکید می‌ورزد.

نابود همه دشمنان دور و نزدیک انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران!

هیئت اجرایی شورای نویسندگان و هنرمندان ایران

تهران — ۶۰/۶/۹

جمعیت ایرانی هواداران صلح

سرنگون باد امپریالیسم و صهیونیسم به سرکردگی آمریکا، مسئول همه جنایات ضد مردمی در سراسر جهان!

انفجار جنایتکارانه بمب آتش‌زا در محل نخست وزیری که متاسفانه به مرگ جانگداز آقای محمدعلی رجائی رئیس جمهور و دکتر محمدجواد باهنر نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران منتهی شد موجی از خشم و انزجار در هر گوشه میهن انقلابی ما برانگیخت. خود فروختگانی که به دستور امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، و در پیوند با جبهه خیانت فراریان وازده دست به این جنایت هولناک زدند، باید اکنون به دیدن جوشش انقلابی مستضعفان به پا خاسته ایران یقین حاصل کرده باشند که تا چه حد در محاسبات خود به خطا رفته‌اند. هر ضربتی که از سوی دشمنان بر پیکر انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران وارد آید، هرقدر که سنگین و سهمگین باشد، به درجات بر نیرومندی انقلاب و بر آمادگی هشیارانه و فعال توده‌های میلیونی مستضعف می‌افزاید و همدردی و یاری موثر اردوی جهانی ضد امپریالیستی، یعنی جنبش‌های رهایی بخش ملی، جنبشهای کارگری، کشورهای جبهه پایداری عرب، کشورهای غیر متعهد و کشورهای سوسیالیستی را، به سوی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ما جلب می‌کند.

جمعیت ایرانی هواداران صلح جنایت روز یکشنبه هشتم شهریور ۱۳۶۰ را به عنوان نمونه رسوای دیگری از توطئه‌های آمریکای جهانخوار و همدستان و مزدوران آن برای ایجاد بی‌ثباتی و زمینه چینی بازگشت نظام غارت و ستم نواستعماری در ایران محکوم می‌کند و همگان را به پایداری باز هم بیشتر در راه دفاع از انقلاب و سرزمین مقدس میهن فرا می‌خواند.

جاوید باد خاطره گرامی شهیدان انقلاب!

پیروز باد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران به رهبری امام خمینی!

پیروز باد جنبش‌های انقلابی و رهایی بخش ملت‌های جهان، ضامن صلح و آزادی و پیشرفت!

سرنگون باد امپریالیسم و صهیونیسم، به سرکردگی آمریکا، مسئول همه جنایات ضد مردمی در سراسر جهان!

جمعیت ایرانی

هواداران صلح

۶۰/۶/۹

سی و ششمین سال تأسیس حزب دموکرات کردستان ایران

کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران پیرو کنگره چهارم به مناسبت سی و ششمین سالگرد تاسیس آن حزب (۲۵ مرداد ۱۳۲۴) طی اعلامیه‌ای از همه هموطنان و مردم مبارز کردستان دعوت نموده است که "برای دفاع از میهن انقلابی مبارزه با امپریالیسم، ارتجاع و ضد انقلاب را تشدید کنیم!"

اعلامیه ضمن اشاره به تاریخ تاسیس این حزب و ضربات سنگینی که ارتجاع و امپریالیسم به دست محمد رضای ملعون در یورش سرکوبگرانه ۱۳۲۵ و کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به آن وارد نمود و منجر به کشتار بیرحمانه رهبران و اعضای حزب شد یادآور می‌شود که "پیروزی انقلاب مردمی ۲۲ بهمن ۵۷... سبب شد که حزب دموکرات کردستان ایران پس از سالها فعالیت مخفی، فعالیت علنی خود را شروع نماید... استقبال از حزب و عدم امکان بررسی سوابق هزاران داوطلب عضویت و فقدان شناخت درست افراد و نبودن ملاکهای مشخص و صحیح در پذیرش اعضاء وضعی پیش آورد که افراد ناباب و بدسابقه... با صحنه سازی و پشت هم اندازی... به پست‌های حساس ارتقاء داده شوند".

بر این اساس، "کنگره چهارم حزب در اوایل اسفند ۵۸ نقطه نظر دو خط، دو موضع و دو بینش متفاوت بود. بعد از کنگره مبارزه بین دو خط طرفدار انقلاب و مخالف آن شدت یافت" و سرانجام "اعلام مواضع و نظریات بخشی از کادر رهبری در ۲۵ خرداد ۵۹ نقطه پایان همزیستی دو مشی ناهمگون به شمار می‌آید".

"قاسملو و همفکرانش بعد از اعلام مواضع بخش سالم حزب با شتاب فراوان به سراشیب خیانت سقوط کردند... باند قاسملو دیگر مانع و رادعی در سر راه همکاری تا درجه وابستگی به رژیم‌های ضد خلقی و ارتجاعی منطقه برای خود نمی (بینند)".

در سی و ششمین سالگرد تاسیس حزب، فرزندان راستین خلق ما ضمن تجلیل از شهدای زنده یاد: قاضی‌ها، شریف زاده‌ها، معینی‌ها، آواره‌ها، وردی‌ها، مصطفی زاده‌ها، کروبی‌ها، و صدها شهید به خون خفته دیگر، ضمن احترام به پایمردی صدها عضو و هواداری که در برابر زورگویان سر تسلیم فرود نیاورده و بهترین ایام عمر خود را در سیاهچال‌ها بسر برده‌اند... تلاش جهت تحکیم وحدت نیروهای مدافع انقلاب در جبهه متحد و ضد امپریالیستی، تحکیم صفوف حزب و منزوی کردن و افشای هرچه بیشتر دار و دسته خیانت پیشه قاسملو و دیگر گروهک‌های ماجراجو جزو وظایف عمده ما قرار می‌گیرند.

در سی و ششمین سالگرد حزب، دوش بدوش مدافعین راستین انقلاب سعی کنیم کردستان را از نقطه امید ضد انقلاب، از حلقه ضعیف انقلاب و از پایگاه کلیه نیروهای واپسگرا به پایگاه انقلاب به دژ راستین انقلابیون ایران مبدل سازیم.

* * *

در اعلامیه دیگری که این حزب درباره عمل پیروزمندانه مشترک نیروهای مدافع انقلاب در کردستان در سوم شهریور ۶۰ انتشار داده می‌خوانیم:

"سلطنت طلبان و شاپور بختیاری‌ها به رهبری آریانا نوکر سرسپرده امپریالیسم، مائوئیست‌ها، فئودال‌های ترک و کرد مرز ترکیه و باند وابسته و مزدور قاسملو و سایر ضد انقلابیون اخیرا دست به اقدامات تازه‌ای به منظور تصرف بخشی از نوار مرزی در منطقه سلماس زده‌اند تا از این طریق امیال پلید خود را تحقق بخشند. از آن جائی که پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگره چهارم) در این منطقه سد راه امیال پلید اینان بودند به تاریخ ۶۰/۵/۲۴ مورد حمله وسیع و ناجوانمردانه ضد انقلاب به رهبری باند قاسملو قرار گرفته که در نتیجه ۱۳ نفر از اعضاء و هواداران ما را می‌ربایند و یکی از مسئولین به نام ملارضا را به طرز فجیعی به شهادت می‌رسانند. در مقابل پیشمرگان ما برای دفاع از خود دست به مقاومت می‌زنند و ۸ تن از مهاجمین را به هلاکت می‌رسانند. در گرماگرم درگیری برادران پاسدار و سرباز به یاری پیشمرگان ما شتافته و با عمل مشترک در یک درگیری شدید نیروهای ضد انقلاب را تار و مار و متواری می‌سازند.

شکست و فرار نیروهای ضد انقلابی در چند روز اخیر از روستاهای بین سلماس و سوما و شپیران با استقبال پرشور اهالی روستاهای اطراف سلماس و سوما مواجه گردید".

سپس اعلامیه می‌افزاید:

"ما اقدام مشترک اخیر را که در آن پیشمرگ و پاسدار و سرباز دوشادوش هم در تار و مار کردن باندهای وابسته و ضد انقلاب و برای حفظ موجودیت انقلاب و جمهوری اسلامی جانبازی می‌کنند، آغاز فصل نوینی در تحکیم اعتماد متقابل نیروهای مدافع انقلاب و همکاری عملی آنها به شمار آورده و انتظار داریم این همکاری نه در یک مورد، بلکه در کلیه موارد بیش از پیش ادامه و گسترش یابد".

اعتراض به تولید بمب نوترونی

اعلامیه انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع

انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع در اعتراض به تولید بمب نوترونی می‌نویسد:

در روز ۱۵ مرداد ۱۳۶۰ شمسی برابر با ششم اوت ۱۹۸۱ ریگان رئیس جمهور آمریکا دستور تولید سلاح مرگبار نوترونی را صادر کرد. ششم اوت روزی است که آمریکا ۳۶ سال قبل با بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی حدود یکصد هزار نفر از مردم بیگناه را دچار فاجعه بزرگ شیطانی خود نمود و هنوز هم نسلهای بعدی ساکنین این مناطق کفاره گناهان دولت آمریکا را پس می‌دهند و رنج میکشند.

انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع با توجه به وظایف و رسالت علمی خود شدیدا به تهیه این جنگ افزار وحشتناک اعتراض نموده و از کلیه همکاران، دانشمندان و دست اندرکاران امور حفاظت در برابر اشعه در سراسر دنیا تقاضا می‌کند اعتراض شدید و یکپارچه خود را به منظور جلوگیری از ادامه تولید این چنین سلاحهای نابود کننده نسل بشر و موجودات زنده بهر نحو و صور ممکن ابراز دارند.

انجمن ایرانی حفاظت در برابر تشعشع

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و ...

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

یگانه راه رویاروئی با دشواری‌ها، اتحاد میان نیروهای راستین هوادار انقلاب است

برکناری بنی‌صدر

با برکناری بنی‌صدر از ریاست جمهوری، که به فرار ننگین او از کشور انجامید، راه برای بوجود آمدن تغییرات پردامنه‌ای در حاکمیت سیاسی کشور هموار گردید. همانطور که می‌دانیم، بنی‌صدر گذشته از ضعف‌های ناشی از خودمحوری غیر قابل تصور، که به تنهائی کافی برای نابایستگی او برای احراز چنین مقامی بود، از لحاظ موضع‌گیری سیاسی و اجتماعی نماینده، سخنگو و سردمدار گرایش خطرناکی بود، که هدفش، نه کم و نه بیش، هموار کردن راه سازش و تسلیم ننگین به امپریالیسم آمریکا و ناکام ساختن انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی و مردمی ایران و تجدید حیات رژیم ضربه خوردهٔ کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیسم بود.

به این ترتیب، برکناری بنی‌صدر و ضربه‌ای که با این برکناری بر طیف نیروهای ضد انقلابی و سازشکار و جاه‌طلب، که به دور او گرد آمده بودند، وارد شد، تنها جنبه شخصی و محدود نداشت، بلکه ضربه‌ای بود بسیار جدی به گرایش تهدیدآمیز و خائنانهٔ سازش با امپریالیسم جهانی، به رهبری آمریکا، دشمن شمارهٔ یک همهٔ خلق‌ها و محرومان جهان، به همین علت برکناری بنی‌صدر را باید یکی از دستاوردهای بسیار با اهمیت انقلاب ارزیابی کرد. به همین علت هم این برکناری با پیامدهای بسیار مهمی در میدان نبرد بغرنج مبارزات نیروهای انقلابی با ضد انقلاب درونی و جهانی همراه بود.

تغییرات قابل توجه در حاکمیت سیاسی

تحکیم مواضع پیروان خط امام خمینی

با بیرون انداختن بنی‌صدر و یارانش از بخش مهمی از سنگرهای با اهمیتی که اشغال کرده و از آن سنگرها دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار داده بودند، شرایط مساعدی برای تحول جدی در حاکمیت سیاسی کشور به سوی سمت‌گیری پیگیر ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی بوجود آمد.

پیروان راستین خط امام خمینی امکان یافتند که مواضع خود را در حاکمیت سیاسی کشور به طور چشمگیری تحکیم بخشند.

برای غیر ممکن ساختن این تحول، که کامیابی آن ضربهٔ محکم و دردناک تازه‌ای به نقشه‌های جنایت‌بار امپریالیسم و ارتجاع جهانی می‌بود، توطئهٔ سراسری جبهه متحد ضد انقلاب و براندازی به مرحلهٔ اجرا درآمد. هدف نزدیک این توطئه جلوگیری از تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شرایط برای روشن ساختن جنگ داخلی در کشور بود. در این توطئه تمام طیف خیانت به انقلاب، از ساواکیها و ستون پنجم مائوئیستی پیکاری - رنجبری - کومله‌ای - قاسملویی گرفته، تا تمام نیروهای لیبرال و ملی‌گرای قلابی آمریکازده و گروه‌های چپ روی بازی خورده و گمراه شده، وارد میدان گردید.

با جنایت در تاریخ بی‌سابقهٔ انفجار مرکز حزب جمهوری اسلامی که طی آن ۷۴ نفر از موثرترین و فعال‌ترین افراد هستهٔ مرکزی جناح پیروان خط امام خمینی، و در میان آنان ۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در حاکمیت سیاسی جان سپردند، این توطئه به نقطهٔ اوج خود رسید. ولی نه این توطئهٔ جنایت‌بار و نه ترورهای پی‌درپی دیگر شخصیت‌های سیاسی در سراسر کشور نتوانستند جریان انجام یافتن تحول با اهمیتی را که در حاکمیت سیاسی راهش باز شده بود، متوقف سازند. علیرغم این توطئه‌ها، با تکیه و با بهره‌گیری از پشتیبانی توده‌های میلیونی محرومان شهر و روستا، پیروان خط امام خمینی توانستند تحول در حاکمیت را عملی سازند.

انتخاب رئیس جمهور اسلامی ایران با شرکت وسیع مردم انجام شد و آقای محمدعلی رجائی، که از طرف همهٔ پیروان و پشتیبانان خط امام خمینی مورد حمایت قرار گرفت، با بیش از سیزده میلیون رای به این مقام برگزیده شد. توده‌های انقلابی میهن ما با این عمل خود افسانهٔ بنی‌صدر ساخته و آمریکا پرداخته ۱۰/۷ میلیون رای بنی‌صدر را، مانند سایر ادعاهایش با مهر "باطل شد" مزین ساختند و به زباله‌دان تاریخ فرستادند.

به موازات انتخاب رئیس جمهور، انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی عملی گردید. گرچه در جریان این انتخابات نکات قابل ایراد جدی بوجود آمد، که مهمترین آنها تصمیم شورای نگهبان به حذف کاندیداهای حزب تودهٔ ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود، با این که در بعضی از حوزه‌های انتخابیه اعمال نفوذهای جدی وجود داشت، معذالک هم جریان شرکت مردم و هم نتیجهٔ انتخابات را می‌توان رضایت‌بخش ارزیابی کرد. در مجموع خود، این کامیابی در تثبیت و تحکیم نهادهای قانونی جمهوری اسلامی ایران، سیلی محکمی بود بر گونهٔ جبههٔ متحد ضد انقلاب.

فرار ننگین ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی و عده‌ای دیگر از یاران بنی‌صدر، با کمک خلبان ویژهٔ شاه ملعون، که در سرسپردگیش به نظام سرنگون شده و امپریالیسم نمی‌توان تردیدی داشت، بیانگر تاثیر همین سیلی دردناک توده‌های میلیونی جامعهٔ ماست. این رویداد در عین اینکه این "مدعیان" دروغین رهبری مبارزه و مقاومت خلق‌های میلیونی را رسوا ساخت، این را هم نشان داد که جبههٔ متحد ضد انقلاب از کامیابی توطئهٔ هفتم خود ناامید شده است و با آززیر ضربه بیرون کشیدن مهره‌های اصلی توطئهٔ هفتم، به تدارک توطئهٔ هشتم خواهد پرداخت.

با انتخاب رئیس جمهور و کسری نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شرایط برای انتخاب دولت جدید دولتی که بتواند تعهدات پیروان خط امام خمینی را در همهٔ زمینه‌های اجتماعی پیاده کند، آماده گردید.

برگزینی آقای دکتر محمد جواد باهنر به نخست وزیری و تشکیل دولت ایشان را، علیرغم مخالفت گروه افراطیون راست‌گرا و دار و دستهٔ دچار سکوت شدهٔ "نهضت آزادی" - نمایندگان جناح لیبرال - می‌توان آخرین مرحلهٔ تحول اخیر به سود تحکیم مواضع پیروان خط امام خمینی ارزیابی کرد.

این تحکیم بدون تردید نسبت به سه دورهٔ پیش، یعنی دوران دولت موقت لیبرالها، دوران ادامه دولت لیبرالها به موازات شورای انقلاب و دوران دوحکومتی در زمان ریاست جمهوری بنی‌صدر، دگرگونی ژرفی در حاکمیت سیاسی کشور است.

این دگرگونی بطور بارزی در جهت تقویت عنصر مردمی انقلاب و ناتوان‌تر شدن عنصر لیبرالی (بورژوا - مالکی) در حاکمیت سیاسی است.

برنامه دولت جدید

برنامه‌ای که دولت آقای دکتر باهنر به مجلس داد و در اختیار مردم گذاشت، بازتاب همان تحولی است که در حاکمیت سیاسی کشور پدید آمده است. در این برنامه کوشش شده است که سمت‌گیری‌های اساسی خط ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و مردمی امام خمینی، که بازتاب مبرم‌ترین خواست‌های وسیع‌ترین اقشار جامعهٔ ما، یعنی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستاست، اگرچه در مواردی با ابهام و نا روشنی، تدوین گردد.

همهٔ نیروهای هوادار انقلاب و پیشرفت اجتماعی در کشور ما و از آن جمله حزب تودهٔ ایران، که در تکوین و پیروزی این دگرگونی در حاکمیت سیاسی سهیم بوده و آن را با امید به انجام دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی کشور به سود محرومان استقبال کرده‌اند با خوش‌بینی برنامهٔ دولت آقای باهنر را ارزیابی کرده‌اند.

ولی همان طور که امام خمینی در گفتار خود با رئیس جمهور و نخست وزیر و وزراء با روشنی و بدون ابهام یادآور شدند، توده‌های رنج کشیده و محروم جامعهٔ ما، که به قول امام وظایف انقلابی خود را صد در صد انجام داده‌اند، دیگر تنها به برنامه نمی‌توانند دلخوش کنند. آنها در انتظار عملکرد انقلابی دولت و مجلس، یعنی برگزیدگان خود هستند. خواست‌های مبرم اقتصادی و اجتماعی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان که عبارتند از:

- سرکوب قاطع بقایای ضد انقلاب در همهٔ میدان‌های زندگی اجتماعی و طرد عناصر ضد انقلابی و لیبرال‌های سازشکار از مواضع کلیدی در دستگاه دولتی و نیروهای مسلح و انتظامی کشور،
- تامین آزادی‌های تضمین شده در قانون اساسی برای همه مردم و همهٔ احزاب و گروه‌های سیاسی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را محترم می‌شمارند، و اجرای هرچه سریع‌تر اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب،
- ریشه کن کردن پایه‌های اقتصادی خط سازش و تسلیم به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، از راه اجرای بی‌چون و چرای اصل ۴۹ قانون اساسی و محدود کردن مالکیت و امکان غارتگری برای بخش خصوصی،
- انجام اصلاحات ارضی قاطع و پیگیر به سود دهقانان بی‌زمین و کم زمین و شکوفا کردن اقتصاد کشاورزی و دامپروری،
- به راه انداختن چرخ‌های اقتصاد، بویژه در بخش تولید صنعتی و ساختمان، و ایجاد کار برای خیل بیکاران،
- جاندار کردن بخش دولتی اقتصاد، از راه ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه بازرگانی دولتی و تعاونی مردمی برای تدارک و توزیع در درون کشور، زنده کردن صنایع دولتی و قطع وابستگی آنان به کشورهای امپریالیستی،
- پی‌ریزی اقتصاد ملی خودکفا بر پایهٔ علمی و ایجاد صنایع سنگین ذوب فلزات، ماشین سازی و پتروشیمی و بهره‌گیری همه جانبه از منابع طبیعی کشور.

برای انجام سریع این خواست‌های مبرم، دولت کنونی از امکانات گسترده‌ای برخوردار است.

توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و همهٔ نمایندگان آنان و همهٔ نیروهای فعال سیاسی هوادار انقلاب، بدون کوچک‌ترین تردید، آماده‌اند که از دولت در زمینهٔ پیاده کردن هریک از این خواستها، همه جانبه و تا پای جان پشتیبانی کنند.

دولت بطور بی‌سابقه‌ای مورد اعتماد و پشتیبانی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است، که مصرانه اجرای این خواست‌ها را می‌طلبد.

از نتیجهٔ رای‌گیری برای ابراز اعتماد به دولت چنین برمی‌آید که دولت می‌تواند برای انجام برنامه خود بر حمایت اکثریت چشمگیری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تکیه کند. امام خمینی بدرستی یادآور شدند که دیگر هیچگونه بهانه‌ای برای انجام خدمات به سود مردم از دولت پذیرفته نیست.

دشواری‌ها و موانع

برای اجرای برنامه‌های یادآوری شده، البته در برابر دولت دشواری‌هایی هم وجود دارد، که نباید آنها را ناچیز شمرد. بخشی از این دشواری‌ها از سوی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به کشور ما تحمیل شده‌اند، مانند تجاوز نظامی آمریکایی - صدامی و پیامدهای گرانبار آن، مانند پیامدهای محاصره اقتصادی و انواع دیگر فشارهای سیاسی و اقتصادی، که از سوی دشمنان جهانی انقلاب بر ما وارد می‌آیند، مانند بخشی از گرانی و تورم، که ناشی از وابستگی هنوز پردامنه اقتصاد کشور ما به اقتصاد امپریالیستی است ... بخش دیگر از این دشواری‌ها بطور عمده همان بقایای نظام سرنگون شده و خط سازش و تسلیم در اقتصاد کشور، در حاکمیت سیاسی و در سطح جامعه است که با تمام نیرو در جهت جلوگیری از اجرای برنامه‌های مردمی دولت عمل خواهند کرد.

در اقتصاد کشور کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان وابسته به امپریالیسم و بخش سرمایه‌داران لیبرال هنوز بسیاری از اهرم‌های تعیین کننده را در مجموعهٔ اقتصاد کشور، بویژه در میدان مبادلات اقتصادی در دست دارند و از این اهرم‌ها، تا وقتی که دست‌هایشان کوتاه نشده برای نقشه‌های پلید و خائنانهٔ جبههٔ متحد ضد انقلاب بهره گیری می‌کنند. هواداران این گرایش در مجلس شورای اسلامی فراکسیون قابل توجهی دارند، که بدون تردید با چنگ و دندان در انجام برنامه‌های اصلاحاتی دولت، که منافع طبقاتیشان را مورد تهدید قرار دهد، خرابکاری و کارشکنی خواهند کرد.

وابستگان به این گرایش طبقاتی در همه جا و بویژه در بخشی از روحانیت سنتی ایران جای گرفته و از این مواضع به سود نقشه‌های براندازی و مانع‌سازی و دشواری تراشی عمل می‌کنند. همان طور که حجت‌الاسلام ری‌شهری، رئیس دادگاه‌های ارتش، در توضیح درباره

بقیه در صفحهٔ ۱۰

احزاب، جمعیت‌ها، گروه‌ها و...

بقیه از صفحهٔ ۹

کودتای نافرجام نوژه اعلام کرد از این کودتا ۵ نفر از شخصیت‌های روحانی مشهور در تهران، قم و مشهد اطلاع داشته و آن را مورد تائید قرار داده‌اند. تردیدی نمی‌توان کرد که این جریان، یعنی حامیان نظام کهنهٔ سرنگون شدهٔ آریامهری بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران به جز این پنج نفر، هواداران دیگری هم در مقامات حساس اجتماعی در اختیار دارد.

گروه دیگر افراطیون مذهبی هستند که در مبارزه برای کوتاه کردن دست امپریالیسم و از بین بردن بقایای رژیم سرنگون شده و ایجاد دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی با سایر نیروهای مردمی همراهی دارند، ولی در زمینهٔ تامین آزادی‌های سیاسی و فرهنگی تضمین شده در قانون اساسی، از مواضع انحصارگرانه، که هیچگونه حقی را برای دگراندیشان قائل نیست، دفاع می‌کنند و بدون تردید، همان طور که در جریان بحث دربارهٔ برنامهٔ دولت و در موضع گیری نسبت به خود رئیس دولت و برخی از وزراء دیده شد، در مقابل اجرای برنامه دولت سنگ‌اندازی خواهند کرد.

و سرانجام گروهی را هم آن عدهٔ عناصر مذهبی تشکیل می‌دهند که یا خود را پیرو خط امام می‌دانند و یا لااقل سمت گیری ضد امپریالیستی انقلاب را مورد تائید قرار می‌دهند، ولی به نام اسلام با هرگونه تعرض به حریم "مقدس" مالکیت بی‌بند و باروبی‌حد و حصر خصوصی دشمنی می‌ورزند.

بدون تردید زیان این "دوستان" انقلاب از دشمنان سوگندخورده‌اش کم‌تر نیست. این "دوستان" با چنگ و دندان مانع اجرای آن دگرگونی‌های بنیادی هستند که می‌توانند توده‌های وسیع مردم رنجدیده را در اردوی انقلاب نگهدارد. آنها از این راه عملا راه را برای تبلیغات گمراه کننده و منحرف سازندهٔ ضدانقلاب هموار می‌کنند.

دولت کنونی تنها از راه مبارزهٔ پیگیر و آشتی‌ناپذیر با پایگاه‌های نیروهای دشمن انقلاب و با این گرایش‌های منحرف و زیانبخش "دوستان" ادعائی خواهد توانست وظایف تاریخی خود را انجام دهد. نبرد در این جبهه دشوار است، ولی با تکیه به نیروی عظیم خلق و پشتیبانی امام خمینی و همهٔ پیروان و پشتیبانان راستین راه ایشان، می‌توان به پیروزی در این نبرد اطمینان داشت.

توطئه هشتم آمریکا در جریان تکوین است

اشتباهی نابخشودنی است اگر تصور شود که دشمنان سوگند خوردهٔ انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جهانخوار آمریکا، و "تفاله" هایشان در منطقه و در خود ایران دست از توطئهٔ براندازی حاکمیت پیروان خط امام خمینی در کشور ما برخواهند داشت.

هم نتیجه‌گیری منطقی از رویدادهای چند سال گذشته و هم یک رشته واقعیات مسلم بر این حکم می‌کنند که هم اکنون آمریکا، به نمایندگی و سرکردگی از تمام جبهه دشمنان انقلاب ایران و همه انقلاب‌ها و جنبش‌های رهائی‌بخش در سراسر جهان، با تمام نیرو در صدد تدارک هشتمین توطئهٔ براندازی خویش است. امپریالیسم یکی از "امیدبخش‌ترین" سرمایه‌گذاری‌های خود را که تشکیل "جبههٔ متحد ضدانقلاب و براندازی" بود و موفق شده بود که در کنار نیروهای سنتی وابسته به خویش، یعنی وابستگان رژیم گذشته و مائوئیست‌ها و لیبرال‌ها، بنی‌صدر، اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران، و رهبری "سازمان مجاهدین خلق" را به این جبهه بکشاند از دست داد. شکست "جبههٔ متحد ضدانقلاب" سیلی دردناکی برای امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکاست.

این دشمنان هم اکنون دست اندرکارند که تمام امکانات خود را در درون و بیرون از مرزهای ایران دوباره گرد آورند و توطئهٔ جدیدی را تدارک ببینند.

تاریخ پرارزنج انقلاب، پر است از درس‌های گرانبها، یکبار دیگر رویدادهای میان ۹ اسفند ۱۳۳۱ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را از جلوی چشم بگذرانیم: پس از شکست توطئه براندازی دولت ضدامپریالیستی دکتر مصدق در ۹ اسفند، تمام نیروهای وابسته به امپریالیسم، همه عناصر ماسک دار و بی‌ماسک به میدان آمدند، تا توطئهٔ کودتای ۲۵–۲۸ مرداد را، هم از لحاظ ایجاد "جو مناسب" و هم از لحاظ اقدامات عملی، تدارک ببینند.

بقائی‌ها، مکی‌ها و شمس قنات آبادی‌ها از یکسو، و بسیاری از رهبران آمریکازدهٔ جبههٔ ملی، که اعتماد دکتر مصدق را بخود جلب کرده بودند، ولی در بحرانی ترین لحظات به او خیانت کردند، از سوی دیگر، راه را برای تیمسارهای شاه خائن هموار کردند.

عمده ترین سلاح ایجاد تشنج این عناصر دشمن از یک سو تشدید تبلیغات افتراآمیز علیه حزب تودهٔ ایران، یعنی یگانه سازمان سیاسی پشتیبان دکتر مصدق در درون ایران بود، و از سوی دیگر ایجاد جو دشمنی با اتحاد شوروی بود، که در صحنهٔ جهانی از دکتر مصدق پشتیبانی می‌کرد.

امروز هم بازماندگان خلف بقائی‌ها، که خود را در نهادهای انقلابی جا زده‌اند، علیرغم اینکه امام خمینی و پیروان راستینش هر روز خطر آمریکا و تفاله‌هایش را مورد تایید قرار می‌دهند، هیچ وظیفه‌ای برای خود جز افترازنی به حزب تودهٔ ایران و ایجاد جو دشمنی با کشورهای سوسیالیستی قائل نیستند.

حزب تودهٔ ایران را مطرح می‌کنند، برای آنکه ضدانقلاب فراموش شود. کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی را بعنوان دشمن انقلاب ایران جا می‌زنند، برای آن که فشار از روی آمریکا برداشته شود.

این نمونه‌ها بصورت کلاهی‌ها، صادق‌ها، مدنی‌ها، قطب‌زاده‌ها، امیرانتظام‌ها و بنی‌صدرها و دهها نمونه شناخته نشده دیگر، یعنی همان تفاله‌های امروزی آمریکا، خود را به انقلاب جا زدند و در نهادهای انقلاب جا گرفتند و تاکنون زیان‌های جبران ناپذیر به انقلاب وارد ساخته‌اند و به گفتهٔ امام خمینی "هنوز هم هستند".

واقعیت این است که اقشار و گروه‌های سازشکار و تسلیم طلب که مهم‌ترین پایگاه سیاسی و اقتصادی امپریالیسم را تشکیل می‌دهند، دست نخورده باقی مانده‌اند. مبارزه با این نیروهای بالقوه هوادار امپریالیسم تنها از راه ریشه‌کن کردن پایگاه اقتصادی آنان، یعنی بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری، امکان پذیر است.

در کنار این امکانات داخلی، امپریالیسم آمریکا و همدستانش امکانات جهانی خود را نیز برای تدارک توطئهٔ تازه، توطئهٔ هشتم، برای براندازی حاکمیت خط امام خمینی در جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته‌اند.

واقعیت اینست که مهم‌ترین کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی جهان، حتی کشورهای دور افتادهٔ امپریالیستی و ارتجاعی، امروز پایگاه فعالیت ضدانقلاب ایران هستند. دولت‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان غربی، و تمام کشورهای مجاور ایران، به استثنای اتحاد شوروی و افغانستان، از ترکیه گرفته تا پاکستان، و حتی کشورهای غیرمجاور مانند اردن، مصر و اسرائیل و مراکش و آفریقای جنوبی و کرهٔ جنوبی، مستقیم و فعال علیه انقلاب ایران عمل می‌کنند.

تلاش برای درهم شکستن انقلاب ایران بخشی از تلاش عملی امپریالیسم در سراسر جهان برای تثبیت مواضع غارتگرانه خود، و در صورت امکان، برای دوباره بدست آوردن مواضع از دست رفته است.

توطئه‌های جنون آمیز آمریکا و همدستانش علیه انقلاب ایران، علیه انقلاب افغانستان، علیه خلق فلسطین، علیه لیبی علیه آنگولا و اتیوپی، با کمک چین، علیه ویتنام و کامبوج و لائوس، حتی تحریکات پردامنه در کشور سوسیالیستی لهستان همه اجزاء یک استراتژی جهانی امپریالیستی است. پیروزی توطئه‌های امپریالیستی در هر یک از این میدانها، نبرد پیروزی مستقیمی است علیه انقلاب و جنبش ضدامپریالیستی در سراسر جهان و از آن جمله علیه انقلاب ایران، اشتباه بزرگی است اگر تصور شود که میتوان در یک جبهه علیه امپریالیسم جهانی جنگید و در جبههٔ دیگر دوش به دوش آن امپریالیسم جهانی علیه یک جنبش ضدامپریالیستی موضع گرفت. چنین سیاستی فاجعه آمیز است.

دولت کنونی ایران وظیفه دارد که با این توطئه جهانی دشمنان انقلاب در ایران و در سراسر جهان، با بهره‌گیری همه جانبه و عقلایی از همه امکانات و دور از پیشداوری‌هایی که تنها در دوران کودکی انقلاب می‌توانند بعنوان اشتباه تا حدی مجاز پذیرفته شوند، روبرو شود.

از طرف دیگر بسیار ساده‌بینانه و برای سرنوشت انقلاب بسیار خطرناک است، اگر اینطور تصور شود که چون دشمنان انقلاب ایران تاکنون در توطئه‌هایشان با ناکامی روبرو شده‌اند، دیگر جرئت به راه انداختن توطئهٔ جدیدی را ندارند، و یا اینکه توطئه‌های آیندهٔ امپریالیسم و ارتجاع تهدید جدی برای موجودیت انقلاب ایران نیستند. امپریالیسم ددخونخوار، نیرومند و زخم خورده و بسیار حیله‌گر و خطرناکی است، که با انقلاب ایران دشمنی آشتی‌ناپذیر دارد و تثبیت و تحکیم و گسترش آن را تهدید عظیمی برای مقاصد جابرانه و غارتگرانه خود در منطقه و حتی در سراسر دنیا زیر فرمانروایی خود می‌داند. خنثی کردن توطئه‌های رنگارنگ این دشمن تنها با بکار گرفتن همه امکاناتی که انقلاب ایران می‌تواند از آن برخوردار شود، امکان پذیر است.

انقلاب ایران از نیروی عظیم بالقوه پشتیبانان در سراسر جهان برخوردار است. جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های رهایی بخش ملی، کشورهای آزاد شده از یوغ استعمار نو و جنبش نیرومند انقلابی کارگری و همه هواداران صلح و آزادی و پیشرفت اجتماعی در سراسر جهان، از انقلاب ایران و از آماج‌های ضدامپریالیستی، ضداستبدادی و مردمی آن پشتیبانی می‌کنند.

همین نیروی جهانی است که می‌تواند، با همبستگی خود در سراسر جهان، به تجاوزات جنایتبار آمریکا و همدستانش لجام زند و استقلال و آزادی خلق‌هایی مانند خلق‌های قهرمان ویتنام، کوبا، آنگولا و موزامبیک و یمن دمکراتیک و لیبی و سوریه و افغانستان و ده‌ها خلق مبارز دیگر را در برابر خطر تجاوز بی‌بندوبار امپریالیسم جهانی تضمین کند و جلوی ماجراجویی‌های امپریالیسم را بگیرد.

این جبههٔ عظیم، که عالی ترین محصول اجتماعی دوران ما، دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، یک واقعیت انکارناپذیر، یک واقعیت بازگشت ناپذیر و یک واقعیت تجزیه ناپذیر است.

تمام رویدادهای سیاسی در صحنهٔ جهانی ده‌ها سال اخیر چنین شهادت می‌دهند که هر نیرویی که با این جبههٔ عظیم ضدامپریالیستی درافتاد، بالاخره سر و کله‌اش در جبههٔ سازش و تسلیم ننگ‌آور با امپریالیسم جهانی و دشمنان سوگند خوردهٔ خلق‌ها پیدا شد. نمونه رهبری جمهوری خلق چین، با آن همه ادعاهای ماوراء انقلابی، نمونهٔ مصر و اندونزی و پاکستان، که ظاهرا با ادعاهای خلقی و انقلابی کودتاهای نظامی سیاسی خود را به پیروزی رساندند، همه و همه موید این واقعیت است.

مهمترین تلاش امپریالیسم جهانی درست در همین جهت است که این جبههٔ متحد ضدامپریالیستی جهانی را منفجر سازد، و یا به سخن دیگر، مناسبات کشورهای تازه از بند رسته و جنبش‌های رهایی بخش ضدامپریالیستی را از مهمترین پشتیبانشان، یعنی خانواده کشورهای سوسیالیستی و بویژه از اتحاد شوروی جدا کند. تلاش برای پاره کردن همبستگی درونی جبهه جهانی ضدامپریالیستی، زیر هر پوشش و با هر انگیزه‌ای باشد، آبی است که به آسیاب امپریالیسم ریخته میشود.

دولت کنونی، که پس از گذار دو سال و نیمه انقلاب ایران از رنجها سکان ادارهٔ کشور را در دست گرفته است، تنها و تنها از راه شناخت این واقعیت تاریخی جهانی و بهره‌گیری همه جانبه از امکانات عظیم و همه جانبه‌ای که این جبههٔ نیرومند ضدامپریالیستی می‌تواند در اختیار انقلاب ایران بگذارد، تنها از راه تحکیم همبستگی انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران با جبههٔ ضدامپریالیستی و مردمی جهان می‌تواند تمام توطئه‌های دشمنان انقلاب ایران را نقش برآب سازد و پیروزی انقلاب را بازگشت ناپذیر کند و راه پیشرفت اجتماعی را در جهت تامین حقوق حقهٔ توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا هموار سازد.

تحکیم اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب در درون کشور

بسیار ساده‌بینانه است، اگر تصور شود که انقلاب ایران دشوارترین دوران نخست خود را گذرانده است. مسلم این است که، علیرغم دستاوردهای بسیار ارزشمند، هنوز انقلاب ایران بخش‌های مهمی از وظایف خود را انجام نداده و در راه انجام آنها با دشواری‌های بسیار بزرگی که می‌توانند برای انقلاب سرنوشت ساز باشند، روبرو خواهد شد. نیروهای ارتجاعی جامعه میهن ما، که با ماسک‌های رنگارنگ در میدان اند، می‌توانند هر روز دشواری‌های تازه‌ای بیافرینند.

یگانه راه برای رویارویی با این دشواری‌ها، اتحاد میان همهٔ نیروهای راستین هوادار استقلال ملی، آزادی برای توده‌های ده‌ها میلیونی خلق‌های میهن ما و دگرگونی

بقیه در صفحه ۱۱

هفتهٔ همبستگی با مردم شیلی ۱۸-۱۳ شهریور

خلق شیلی برای شکست فاشیسم آمریکایی در سرزمین خود بپا می‌خیزد

هفته‌همبستگی با خلق قهرمان شیلی‌که همه ساله از چهارم تا نهم سپتامبر (۱۳ تا ۱۸ شهریور) از جانب نیروهای‌ترقیخواه، ضدامپریالیست‌وضد فاشیست درسراسرجهان‌برگزارمی‌شود، تحلیل از انقلاب شکوهمند مردم شیلی درچهارم سپتامبر۱۹۷۰ (۱۳شهریور ۱۳۴۹) وهمدردی با این خلق‌قهرمان درمبارزه بارژیم فاشیستی "سیا" ساخته ایالات‌متحده‌ٔآمریکاست.

یازده‌سال‌پیش درچهارم سپتامبر ۱۹۷۰ جبههٔ متحدخلق‌شیلی‌متشکل‌از شش سازمان سیاسی چپ گرا - کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها تاکاتولیک - های چپ - توفیق یافت بر اساس یک برنامهٔ‌مشترک ضدامپریالیستی، مردمی‌وضدکلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی، چهرهٔ‌نامدار مردم شیلی، سناتور سوسیالیست، دکتر سالوادور آلنده رابه ریاست جمهوری‌برگزیند.

سالوادورآلنده بحق‌رهبرشایسته جبههٔ‌متحدخلق‌بود. اودهها سال‌برای هماهنگی‌فعالیت‌های‌همه‌نیروهای‌دمو- کراتیک برضدارتجاع‌وامپریالیسم مبارزه کرده‌بودو خواهان فعالیت‌آزادوقانونی حزب‌کمونیست‌شیلی‌بود و ازآزادی‌های دموکراتیک‌بشدت‌دفاع‌می‌نمود.

پیروزی‌جبههٔ‌متحد خلق در انتخابات ریاست جمهوری‌بهاوفرصت داد دوشادوش سایرنیروهای‌رادیکال وانقلابی‌درجهت‌اجابت‌آرزوهای‌دیرین زحمتکشان‌درنابودی‌تدریجی‌استثمار انسان ازانسان‌گام بردارد و با دشمن اصلی‌خلق‌شیلی- امپریالیسم خونخوار آمریکا - درآویزدو پایگاه‌های‌سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی آن را زیر ضربه‌قراردهد.

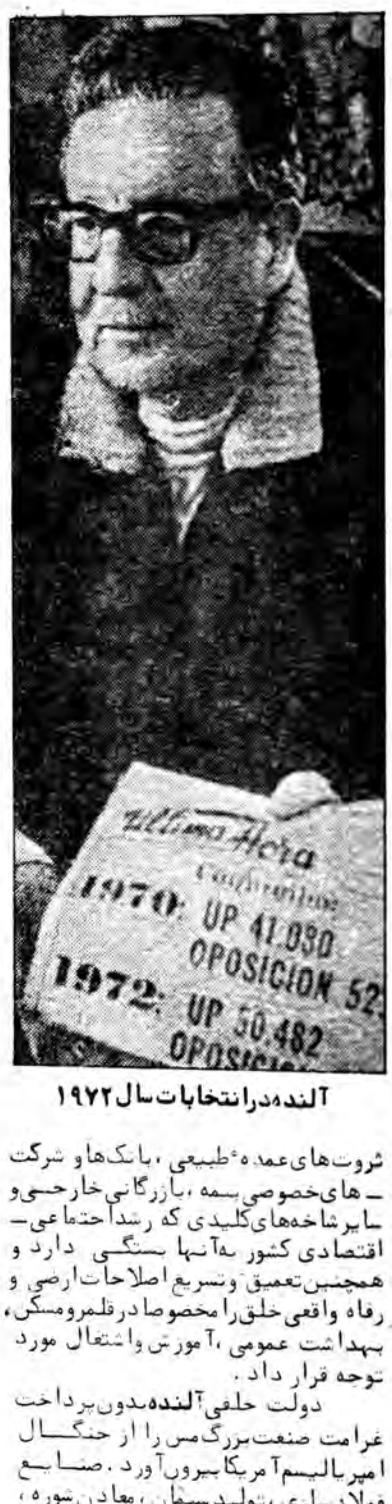
بهمین‌سبب زمامداران‌واشنگتن‌از همان‌ابتداهمهٔ‌نیروهای داخلی‌و خارجی‌خودرا درناکامی برنامه های انقلابی دولت آلنده وسپس واژگونی حکومت اوبسیج‌کردند.

دولت‌آلنده‌درحکومت ۱۰۰۰روزه خودگام‌های‌مثبت‌وچشمگیری‌درریشه کن ساختن‌سلطهٔ‌انحصارات‌امپریالیستی بر منابع‌طبیعی‌ومالی‌وصنعتی کشور و کوتاه کردن دست بزرگ‌مالکان‌وکلان‌سرمایه- داران‌برداشت.

درآستانهٔ‌به‌قدرت‌رسیدن دولت سالوادورآلنده شاخه‌های کلیدی‌اقتصاد شیلی در دست سرمایهٔ‌خارجی‌بود. در پایان‌دههٔ۶۰ انحصارات ایالات‌متحده ۸۰% استخراج مس، ۱۰%تولید‌مجتمع مولیبدن (نقرهٔ‌مخلوط باسرب) و ۹۰% استخراج شوره و ید را زیر کنترل‌خود داشتند. شرکت‌های خارجی‌بر صنعت تبدیل‌موادنیزمسلط بودند.

انحصارات‌محلی‌به‌موهبت نفوذ سرمایهٔ‌خارجی‌همه‌دستاوردهای‌خلق را به‌گاوصندوق‌های‌خودسرازیرمی‌کردند، رشدانحصار در داخل‌کشور به حدی‌بود که ۶۰% اعتبارات ویژهٔ‌بخش خصوصی دراختیار۲/۷%سرمایه‌داران شیلی قرار داشت.

برنامه‌جبههٔ‌متحدخلق ملی‌کردن



آلنده‌درانتخابات‌سال ۱۹۷۲

ثروت‌های‌عمدهٔ‌طبیعی، بانک‌ها و شرکت - های‌خصوصی‌بیمه، بازرگانی‌خارجی‌و سایرشاخه‌های‌کلیدی که رشداجتماعی- اقتصادی کشور به‌آنها بستگی دارد و همچنین‌تعمیق‌وتسریع اصلاحات‌ارضی و رفاه واقعی‌خلق‌را مخصوصا درقلمرومسکن، بهداشت عمومی، آموزش واشتغال مورد توجه قرار داد.

دولت خلقی‌آلنده‌بدون‌پرداخت غرامت صنعت‌بزرگ‌مس را از چنگال امپریالیسم‌آمریکابیرون‌آورد. صنایع فولادسازی، تولید سیمان، معادن‌شوره، سنگ‌آهن وزغال رابه مالکیت‌جامعه در آورد. ۱۶ بانک‌مهم که۹۰% وام‌ها را کنترل‌می‌نمودبدولت انتقال یافت. اصلاحات‌ارضی‌باقاطعیت‌تحقق یافت و براساس‌آن ۵۵۰۰ملک‌اربابی‌به مالکیت جمعی‌دهقانان‌درآمد. درب مدارس وآموزشگاه‌هاتقریبا به روی صد درصد کودکان ۶ تا ۱۴ ساله‌گشوده‌شد. کودکان تاسن۱۵ سالگی روزانه ازنیم لیترشیر رایگان برخوردار شدند. کارگران و توده‌های مردم امکان‌یافتند در همهٔ قلمروهای‌ادارهٔ‌دولت شرکت کنند.

پیش ازبقدرت رسیدن دولت متحدخلق دراین‌کشور ۳۰۰هزار بیکار وجودداشت‌که۸/۵% جمعیت فعال را تشکیل می‌دادند. این رقم در پرتو اجرای‌برنامهٔ‌انقلابی‌دولت ظرف یک سال‌به۳/۸ تقلیل یافت. به دستمزد کارگران‌وکارمندان‌تا۳۴/۹% افزوده‌شد وطبق افزایش شاخص قیمت زندگی در ۱۹۷۰، دولت حداقل‌دستمزد را ۶۶% بالابرد.

کودتای فاشیستی ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ همه دستاوردهای خلق رابه باد داده و دوباره فرمانروایی انحصارات ایالات متحده، کلان‌سرمایه‌داران وبزرگ‌مالکان را در کشوربرقرارنمود.

رژیم خون‌آشام پینوشه برای برقراری نظم‌آمریکایی‌درکشور و درهم کوبیدن‌انقلاب خلق‌شیلی‌طبق گزارش کمیسیون بین‌المللی کنکاش دربارهٔ جنایات داردودسته‌نظامی‌درشیلی‌قریب ۳۰۰۰۰انسان را درنخستین‌یورش‌های خودبشهادت‌رساند. ازآن پس سراسر کشوربه‌زندان، شکنجه‌گاه وعرصه آدم- ربایی بدل‌شده‌است.

رژیم پینوشه‌بی‌سابقه‌ترین سیستم سربه‌نیست کردن‌افرادمظنون‌رادر کشور برقرارکرده‌است. این حکومت جبار ضدخلقی‌کاملا درجهان منزوی شده است. تنهاواشنگتن، پکن، نژادپرستان آفریقای‌جنوبی، اسرائیل‌وانگلیس‌یاران نزدیک حاکمان نظامی‌شیلی‌بشمار می- روند.

این ننگ و بدنامی خونتای فاشیست‌نتیجه پایداری قهرمانانه‌خلق شیلی دربرابرفاشیسم خونخوارو تسلیم ناپذیری‌آن‌درمقابل‌بارسنگین مصائب تروروخفقان‌است.

علاوه‌برآن‌بقول‌فیدل‌کاسترو "رفتار سلحشورانه پرزیدنت آلنده فاشیست‌های‌شیلی‌راروحانابودکرد زیرا آنها به پرزیدنت‌آلنده‌کم‌بها دادند. تصورآنها این‌بودکه‌به‌محض‌کودتااوسوار برهواپیماکشور راترک خواهدگفت. آنها فکرمی‌کردند که آلنده تسلیم‌زورخواهد شد... شجاعت، شایستگی، شهامت و قهرمانی واستعداداو برای مبارزه تا پایان‌برضدتانک‌ها، گلوله‌های توپ و هواپیماهاآنها را هارساخت".

امروز نام‌شیلی‌درپنج‌قارهٔ‌دنیابر سرزبان‌هاست. خلق شیلی از پشتوانه معنوی نیرومندی در سراسر جهان برخورداراست. کشورهای‌سوسیالیستی‌و جنبش جهانی طبقهٔ کارگر درافشای فاشیسم‌آمریکایی درشیلی و شناساندن امرخطیرمردم شیلی‌درجهان‌سهم بسزا ودرجهٔ‌اول دارند.

همبستگی‌بین‌المللی‌بامبارزه‌خلق شیلی‌نه‌تنهادرپهنه‌جهان‌بلکه درخود شیلی‌نیزبازتاب وسیعی‌داشته‌است. این‌همبستگی‌باعث نجات‌جان‌بسیاری‌از میهن‌پرستان از کام مرگ شد و به‌اوج دوباره‌جنبش رهائی‌کمک نمود.

اجلاس عمومی آوریل۱۹۷۹کمیته مرکزی‌حزب‌کمونیست شیلی‌هنگام ارزیابی گرایشات‌اصلی‌تحولات کشور تذکردادکه شیلی دریک‌دورهٔ انتقالی بسرمی‌برد اینک دوران‌طولانی مبارزه استوارمردم‌در دفع تروروفاشیستی جای خودرابه‌دورانی‌داده‌است‌که‌درآن‌نیرو- های‌ترقیخواه‌بتدریج‌ابتکارعمل‌رابدست می‌گیرند.

رویدادهای‌یک‌سال‌ونیم‌اخیراین چرخش راتایید می‌کنند. دراول ماه مه‌و چهارم سپتامبر (۱۹۸۰) سالگرد پیروزی "جبههٔ‌متحدخلق" درانتخابات سال ۱۹۷۰تظاهراتی‌برپاگردید. همچنین در۱۱ سپتامبر (۲۰ شهریور) سالروز کودتای‌فاشیستی‌تظاهرات‌اعتراض‌آمیزی انجام‌گرفت. علی‌رغم‌تشدیدفوق‌العاده سرکوبی‌های فاشیستی درسال‌گذشته‌که آزمون‌جدی‌برای‌طبقهٔ‌کارگرو همهٔ خلق بود، مبارزه‌روزافزون‌برضدپینوشه به گرایش آشکار درون‌کشورتبدیل‌شد. در نخستین ماه‌های سال اقدامات‌ستیزه جویانه‌قشرهای‌گوناگون‌مردم‌اوج گرفت. اعتصابات ده‌هزارمعدنچی **ال تینت** و کارگران‌کارخانه‌های‌الکترونیک **آیرت** و کارخانه‌های نساجی، نمایشات‌اعتراضی بازرگانان‌خرده‌پا، رانندگان‌وصاحبان تاکسی‌ها، اتوبوس‌ها وکامیون‌ها، معلمین‌وفارغ التحصیلان دانشکده‌های پزشکی که بیشتر آنهابیکارند ازآن جمله‌اند.

لوئیس کوروالان دبیرکل حزب کمونیست‌شیلی‌دریکی‌ازسخنرانی‌های اخیرش ضمن ارزیابی‌مبارزه نیروهای دمکراتیک شیلی وتاثیر وقایع قانونمند جهان‌برآن‌اظهارداشت: "درسال۷۹ رژیم‌های‌سرکوبگری‌مانند رژیم شاه‌در ایران، پل‌پوت درکامبوجیا، عیدی‌امین دراوگاندا، ماسیاس‌نگوما در گینهٔ استوایی، بوکاسا در امپراطوری سابق آفریقای مرکزی، گری‌درگرنادا، سوموزا درنیکاراگوئه‌و رومرو در السالوادور سقوط‌کردند. سقوط سوموزا خصوصا از اوج جدیدجنبش خلقی آمریکای لاتین در پایان دههٔ۱۹۷۰ و آغازدههٔ۱۹۸۰حکایت می‌کند. مبارزهٔ نیروهای‌دمکراتیک‌شیلی‌نشان‌می‌دهدکه درنقاط مختلف‌جهان‌هنوز نیروهای قدرتمندی وجوددارندکه قادرند اقدامات‌خطرناکی‌به‌زیان‌ترقی‌اجتماعی انجام‌دهند".

ضرورت‌همبستگی با مبارزهٔ‌خلق شیلی‌درست برای محدودکردن‌نیرو - های قدرتمنداست.

همبستگی بین‌المللی با مبارزهٔ مردم شیلی تاحدوزیادی‌نتیجه‌دوران تشنج‌زدایی است. به همین سبب با چرخش ناگهانی‌امپریالیسم به‌سوی‌جنگ سرد، این‌همبستگی‌آشکارا به‌خطرافتاده است. بنابراین، اگر جنبش همبستگی گسترش یابد، به‌روندتشنج‌زدایی‌ووایس نشاندن‌امپریالیسم از جنگ سرد کمک‌خواهدنمود.

امروزه وظیفهٔ اصلی جنبش همبستگی‌این‌است‌که‌ازمبارزه‌درون‌کشور حمایت‌مداوم‌وموثربعمل‌آیدونسبت‌به حوادث داخلی شیلی به‌سرعت واکنش نشان‌داده‌شود.

اکنون‌براثردگرگونی اوضاع در درون وبیرون‌شیلی‌ابتکارعمل بتدریج به‌مردم‌بازمی‌گردد. مردم خود رابرای تعرض‌آماده‌می‌کنند. ازاین‌رو، به‌شعار- های‌پیشین "سرکوبی‌های‌شیلی‌رامتوقف کنید!"، "آزادی‌همهٔ‌زندانیان‌سیاسی" و "تروروفاشیستی‌رامتوقف‌سازید!" شعار- های جدید افزوده‌می‌شود. اینک‌مردم‌از شعار "شیلی‌آری، پینوشه نه!" وسیعا استقبال‌می‌کنند.



شیلی‌آری! پینوشه نه!

احزاب، جمعیت‌ها و...

بقیه‌ازصفحهٔ ۱۰

- های بنیادی درنظام اقتصادی و اجتماعی‌کشور است.

هرگونه انحصارطلبی قدرت و یا تلاش برای تحمیل دیدگاه های خودبه‌دیگراندیشان ازسوی بخشی ازنیروهای ضدامپریالیستی و مردمی‌به بخش دیگرازاین نیروها موجب تفرقه درصفوف خلق میگردد و، نه‌کم‌ونه‌زیاد، آبی‌است، که آگاهانه ویاناآگاهانه‌به‌آسیاب دشمنان‌انقلاب ریخته می‌شود.

باکمال تاسف باید یاد آور شویم‌که‌ازبیش از یک سال پیش به این طرف، یعنی ازهمان لحظهٔ آغازحملات‌گروه‌های غیرمسئول به مراکزفعالیت آزادسازمان‌های سیاسی هوادارانقلاب، که در آن دفاتر حزب‌تودهٔ ایران هم مورد تاراجقرارگرفت، ازهمان دوران که نهادهای مسئول انقلابی، بر خلاف قانون اساسی، به این‌تاراج غیرقانونی عملاصحه‌گذاشتند وپس ازان با توقیف روزنامهٔ "نامهٔ مردم" این محدودیت را دربارهٔ حزبی‌که کوچکترین ایرادی‌بدرستی وصداقت سیاسیش نمی‌توان گرفت، شدت بخشیدند، اولین طلایه‌های جو تجاوز وخشونت درجامعهٔ ما پدیدار گردید.

روشهای ماجراجویانه گروه- های چپ رو، که بصورت تروریسم کور کنونی تکامل یافته، و تحریکات دامنه دارضدانقلاب سازمان یافته‌ازساواکی، ماثو- ئیست‌ها وسایروابستگان به‌رژیم گذشته، واقدامات تخریبی جبههٔ متحدضدانقلاب به رهبری بنی‌صدر، این روش تجاوز وخشونت رابه‌قانون رایج درکشورتبدیل کرد.

حزب تودهٔ ایران، همانطورکه تاکنون بارها دراین باره‌اظهارنظرکرده‌است، درعین‌اینکه‌تروریسم کورگروه‌های چپ رو را، به‌عنوان یک شیوهٔ مبارزه ضدانقلابی، محکوم می‌کندولزوم سرکوب ضد- انقلاب را، زیرهرماسکی که وارد میدان شود، ضرورمی‌داند، بر آن است‌که شیوه‌های عکس‌العمل نامتناسب شدیدحاکمیت جمهوری اسلامی‌ایران، راه حل مناسبی برای چیره شدن براین دشواری نیستند. تنها بازگشت به‌قانونیت انقلابی، یعنی‌احترام بدون‌خدشه‌به قانون اساسی واجرای بدون‌خدشهٔ آزادی‌های‌تضمین شده در قانون اساسی‌واعلامیهٔ ۱۰ماده‌ای‌دادستان کل‌انقلاب - که بازتاب‌آنست - می‌تواند شرایط رابرای بازگشت آرامش اجتماعی فراهم سازد، آرامشی که برای تثبیت وتحکیم‌و گسترش انقلاب درشرایط بغرنج و دشوارکنونی ضرورت حیاتی دارد، آرامشی که راه رابرای اتحاد همهٔ نیروهای راستین هوادار انقلاب درمبارزه علیه‌امپریالیسم وضدانقلاب داخلی، بسرکردگی‌آمریکا وبرای بازسازی ونوسازی کشور هموارخواهدساخت. این اتحاد تنها وتنها وسیله‌برای چیره شدن بردشواریهای داخلی وخارجی‌است.

حزب تودهٔ ایران آماده‌است‌که تمام‌نیروی خودرا درخدمت بوجود آوردن چنین اتحادتاریخی قرار دهد.

حزب تودهٔ ایران امیدوار است‌که دولت کنونی، بعنوان عالی - ترین ارگان اجرائی جمهوری اسلامی ایران ونمایندهٔ پیروان امام خمینی، به ضرورت تاریخی‌و سرنوشت‌ساز یک چنین اتحادی توجه کندوبه پی‌ریزی بنای آن یاری رساند. وبعنوان اولین گام مبرم برپایهٔ برنامه‌ای که خود به مجلس تسلیم داشته، آزادی های سیاسی واجتماعی تضمین شده در قانون اساسی راتامین کند و به کلیهٔ محدودیت‌ها درمورداحزاب وسازمانهای سیاسی که قانون اساسی رامحترم می‌شمارند، و از آن جمله حزب‌تودهٔ ایران، پایان دهد.

کمیتهٔ مرکزی‌حزب‌توده‌ایران
۱۳۶۰/۶/۷

عادی کردن روابط ایران و افغانستان

مسأله مبرم در برابر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است

آقای مهندس میرحسین موسوی ، وزیرامورخارجه‌ٔ جمهوری اسلامی ایران درمصاحبه‌ای که روز دوشنبه ۲۴ مرداد ۶۰ پیرامون اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعمل آورد از جمله بر این نکته تاکید نمود که :

"ما بهیچوجه درجهت قطع رابطه خودباجهان خارج حرکت نمی‌کنیم" و "ازسیاست داشتن ارتباطهای وسیعی باجهان خارج باحفظ اصل سازش‌ناپذیری پیروی خواهیم کرد".

نخست‌وزیرشهیددکتر **باهنر** نیز درمصاحبه‌ٔ خوددر مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اظهارداشت :

"اساس روابط ما با دنیا روابط خصمانه نیست".

ازسوی دیگر ، فعل وانفعالات سیاسی هفته‌های اخیر در منطقه : گسترش توطئه‌ها و تحریکات نظامی آمریکا علیه لیبی ، توسعه‌ٔ تجاوزات نظامی اسرائیل به لبنان ، توافق های جدیدرژیم خیانت پیشه‌ٔ سادات با دولت آمریکا درمورد استقرار نیرو های مسلح آمریکا درخاک مصروصحرای سینا موجب گردید که کشورهای ضدامپریالیست منطقه در راه انسجام و گسترش جبهه‌ٔ ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی درمنطقه دست به ابتکارات واقدامات مشخص وموثرتازه‌ای بزنند . خوشبختانه این ابتکارقبل از همه از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل جبهه‌ٔ اسلامی ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی انجام گرفته است .

تشکیل چنین جبهه‌ای قبل ازهر چیز ایجاب می‌کندکه جمهوری اسلامی ایران روابط خودرا باکشورهای منطقه و بویژه کشورهای همجواربرپایه‌ٔ اصول جدیدومشخص که ازجانب دولت و وزارت امورخارجه‌ٔ جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ٔ سیاست خارجی عنوان گردیده برقرار سازد ومیان دوستان ودشمنان انقلاب وجمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه مرزبندی روشنی داشته باشد .

جمهوری دمکراتیک افغانستان همسایه‌ٔ دیواربه دیوارمیهن ما که خوداز نخستین روز پیروزی انقلاب دمکراتیک درآن کشور مانند جمهوری اسلامی ایران همواره آماج توطئه‌ها و تحریکات امپریالیسم آمریکا ، رژیم صهیونیستی اسرائیل ، چین ورژیم‌های ضدخلقی منطقه وابسته به امپریالیسم آمریکا قرار گرفته طبعا درجبهه‌ٔ ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی کشورهای این منطقه جای دارد . جمهوری دمکراتیک افغانستان تا کنون بارها بطور رسمی اعلام داشته است که باجمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه اختلاف ومناقشه‌ای که نتوان از راه مذاکرات آن راحل وفصل نمود ندارد . جمهوری دمکراتیک افغانستان همواره بر آمادگی خودبرای مذاکرات مستقیم با دولت جمهوری اسلامی ایران در تمام سطوح جهت رفع اختلافات و برقراری **روابط** دوستانه تاکیدنموده است .

درهفته‌ٔ گذشته ، **شاه‌محمددوست** وزیرامورخارجه‌ٔ افغانستان ، باردیگر اظهارداشت که دولت افغانستان آماده است که برای حل مسائل منطقه وروابط باکشورهای همجواربادول پاکستان و جمهوری اسلامی ایران بمذاکره بنشیند . نخست وزیر افغانستان **سلطان علی کشتمند** طی مصاحبه‌ای اظهارداشت که افغانستان حاضراست باایران وپاکستان برپایه‌ٔ دوجانبه ، سه‌جانبه و همه جانبه یعنی باشرکت دبیرکل ونماینده‌ٔ سازمان ملل متحد جهت رفع اختلافات وعادی کردن روابط خودبا این دوکشور بمذاکره بپردازد .

بدین ترتیب جمهوری دمکراتیک افغانستان جهت عادی کردن روابط خودباجمهوری اسلامی ایران ، که با منافع انقلاب و رژیم های انقلابی دوکشور ومبارزه‌ٔ مشترک آنان علیه امپریالیسم و صهیونیسم توافق کامل دارد ، آمادگی و حسن نظر کامل ازخود نشان داده است .

اینک بادولت جمهوری اسلامی ایران است که از این حسن نیت و ابتکارکشورهمسایه‌ٔ ماافغانستان استقبال نماید .

ازسوی دیگر وجود مهاجران و فراریان افغانی درایران ، که شمار آنان طبق اظهارات رسمی مقامات مسئول به مرزیک میلیون و پانصدهزار نفر می‌رسد ، علاوه‌بربودجه‌ای که برای آنان صرف می‌شودواشکالاتی که ازنظراشتغال بوجودمی‌آورند ، عناصری ازآنان می‌توانندبه نیروی ذخیره‌ٔ ضدانقلاب و ابزاراجرای توطئه‌ها و خرابکاری ها و عملیات تروریستی تبدیل شوند . چنان که بارها ازجانب مقامات رسمی اعلام گردیده ودرمطبوعات جمهوری اسلامی ایران نیزبازتاب یافته است ، جمعیت‌ها ونهضت های "اسلامی" افغانی ، که مرکز وپایگاه آن درایران فعالیت دارند ، به طور عمده موردحمایت امپریالیسم آمریکا ورژیمهای ضدخلقی و وابسته به آمریکا درمنطقه هستندوبا مراکز جاسوسی خرابکاری آنان ارتباط دارند . مسلم است که این عناصر همچنانکه علیه علیه جمهوری اسلامی ایران نیزبرای همین اقدامات ضدانقلابی مورداستفاده قرارمی‌گیرند . درشرایطی که نیروهای متحد ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران به عملیات تخریبی ، بمب‌گذاری ، تروریستی وسیعی در سطح کشورپرداخته‌اند . و باتوجه به این واقعیت که مهاجران وفراریان افغانی درسطح کشور پراکنده‌اند وفعالیت های مشکوکی که درمیان آنان جریان داردوچنانکه باید ازجانب دولت و نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی ایران تحت کنترل نیست به احتمال قوی نیروهای ضدانقلاب خارج ودرون کشور و مراکز جاسوسی آمریکا ، اسرائیل ، مصر ، عربستان سعودی وپاکستان می‌توانند از این عناصر بهره برداری کنندودرشرایط معین اشکالات بزرگ و خطرناکی برای جمهوری اسلامی ایران بوجودآورند .

باتوجه به این واقعیت مصالح انقلاب وجمهوری اسلامی ایران حکم می‌کندکه ازپیشنهادهای مکرر دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان استقبال شود ، روابط میان دوکشوربحال عادی بازگرددوازاین راه ، ضمن مساعدت به تشکیل جبهه‌ٔ گسترده‌ٔ ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی درمنطقه و انسجام و استحکام چنین جبهه‌ای ، مشکل مهاجران افغانی مقیم ایران نیزبطوربنیادی حل و فصل گردد .

درجلسات علنی مجلس شورای اسلامی درهفته‌گذشته گفته شد:

ضدانقلاب می‌خواهد جامعه را بی‌ثبات کند

* اعتقاد مطرح‌نیست . آنچه که آمده التزام به‌قانون‌اساسی‌است ، یعنی اگر گروهی ولو معتقد به‌هیچ‌یک‌ازادیان‌آسمانی‌نیست ، ولی‌ملتزم‌هست‌به‌قانون اساسی عمل‌کند ، مااین‌التزام راقبول‌کردیم .

مجلس‌شورای‌اسلامی هفته گذشته در جلسات‌علنی‌خود **"لایحه‌بازسازی‌نیروی‌انسانی"** راازتصویب نهائی گذراند . همچنین پس از شهادت رئیس‌جمهورونخست‌وزیر به دست عوامل آمریکا ، درجلسه روزچهارشنبه ۱۱ شهریور ۶۰ ، مجلس‌با ۱۷۸رای موافق ، به نخست‌وزیری **آیت‌الله‌مهدوی‌کنی** رای تمایل داد .

حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی ، رئیس مجلس‌شورای‌اسلامی ، درجلسه‌روز سه‌شنبه ۱۰ شهریورماه ۶۰ ، بااشاره‌به‌فاجعه انفجار در نخست‌وزیری وحضور میلیونی‌توده‌ها درمراسم تشییع جنازه‌شهید محمد علی رجائی‌رئیس جمهور و شهید **دکترباهنر** نخست‌وزیر و بقیه‌ٔ شهدای این‌فاجعه ، گفت :

"مجموعه حرکت ضدانقلاب در این مرحله نشانگر یاس مطلق آنها است . نشانگر این‌است که آنهافهمیده‌اند که دیگر به صورت یک‌جریان‌سیاسی‌درجامعه‌انقلابی ما حضور ندارندواین‌ازاعمال وحرکاتشان‌روشن‌است."

رئیس مجلس در بخش‌دیگری‌ازسخنانش گفت :

"(ضدانقلابیون)اکنون دارنداز مردم انتقام‌می‌گیرند نه‌ازمسئولان ، البته‌فهمیده‌اندکه مردم هرچه محرومتر باشند بیشتر با انقلاب هستند ، چون‌امروز قشرمحروم‌باانقلاب است ، آنهائی که‌شهید داده‌اند وخانه ندارند ضدانقلاب‌می‌خواهد از این‌خلق‌محروم انتقام بگیردکه‌چراازانقلاب‌حمایت‌می‌کند."

رئیس‌مجلس‌همچنین‌گفت :

"اینها می خواهند از مردم انتقام بگیرند . انتقامشان هم‌این‌است‌که‌جامعه‌رابی‌ثبات کنندونگذارنداستقلال‌سیاسی‌بوجودآیدو ونگذارندخدمات برای مردم عرضه شود و دولت‌بتواندبرنامه‌اجرا کند واکنون حرکتشان تماماکارشکنی‌است."

حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی بااشاره به‌تجمع ضدانقلابیون در فرانسه افزود :

"دولت‌فرانسه‌الان‌چه‌دلیلی داردوباچه منطقی تروریست‌هائی را که نخست‌وزیر و رئیس جمهور یک کشور را شهیدمی‌کنند ، نگه‌میدارد ؟ غرب که‌بعلت‌گرفتن‌چندجاسوس در دنیا برعلیه‌ماهیاهوبراه‌انداخته‌بود که اینها وحشی‌هستندونظامات بین‌المللی را رعایت نمی‌کنند ، چه‌دلیلی‌دارند براي جنایتکارانی که زیرحمایتشان هستند؟"

لازم‌به‌تذکراست که هفته گذشته به‌علت بحث درباره‌ٔ **"لایحه‌بازسازی نیروی‌انسانی"** ، نطق‌پیش‌ازدستور نمایندگان‌مجلس‌به پس‌از تصویب این‌لایحه‌موکول شد . براساس موادای لایحه کسانیکه دروزارتخانه‌هاوموسسات دولتی ووابسته‌به‌دولت به‌نحوی درتحکیم پایه های رژیم‌گذشته شرکت داشته‌اند ، به‌مجازات های مختلف ازقبیل‌بازنشستگی ، بازخرید ، اخراج و انفصال دائم‌ازخدمات‌دولتی‌و... محکوم می‌شوند . همچنین‌براساس ماده ۱۸ این لایحه "عضویت درسازمان‌هائی که اساسنامه آنها بر نفی ادیان‌الهی مبتنی‌باشد" ، جرم اداری محسوب وطبق ماده ۲۶ آن‌موجب‌انفصال‌دائم‌از خدمات‌دولتی‌می‌شود .

هنگام‌بحث درمورد ماده‌ٔ ۱۸ ، آقای **خوشنویس** پیشنهادکردکه بجای جمله "عضویت درسازمان‌هائی که اساسنامه آنهابرنفی‌ادیان الهی‌مبتنی‌باشد" ، نوشته‌شود : **"عضویت در سازمان‌هائی‌که‌اساسنامه‌آنهاطبق‌قوانین‌جاریه جمهوری‌اسلامی‌ایران به‌رسمیت‌شناخته نشده است".**

محمدمجتهدشبستری ، دکترهادی‌واحمد توکلی بااین پیشنهادمخالفت‌کردند . **حجت‌الاسلام‌موحدی‌کرمانی** درموافقت‌بااین‌پیشنهاد گفت :

"باتوجه‌به‌قانون‌احزاب ، مابرای بعضی از گروهها درآن‌قانون قائل‌شدیم‌که‌می‌توانندرسمی باشنددرمملکت ، ودرمرامنامه‌آنهاهم (درقانون) قید نشده که معتقد باشند به‌اسلام . حتی می‌توانندمعتقد به هیچیک ازادیان الهی نباشند . اعتقادمطرح‌نیست . آنچه که آمده التزام به‌قانون‌اساسی‌است ، یعنی‌اگر گروهی ولومعتقد به‌هیچیک ازادیان آسمانی نیست ، ولی‌ملتزم‌هست به‌قانون‌اساسی عمل‌کند ، ما این‌التزام راقبول کردیم . چه‌معنادارد که در آنجاما اینطور گروهی را رسمی وقانونی بشناسیم وآنوقت دراین‌لایحه‌بازسازی‌بگوئیم این‌آدم‌چون‌عضو این‌گروه‌هست ، مجازات‌می‌شود ، ولوضعیف مثل‌توبیخ باشد ، به‌نظرمن درست‌نیست."

این‌پیشنهاد به‌دلیل نیاوردن رای‌کافی ردشد .

درجلسه چهارشنبه ۶۰/۶/۱۱ که در ساعت ۸/۵صبح به ریاست **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** تشکیل گردید ، قبل از این که مجلس وارد دستور شود . رئیس‌مجلس با اشاره به‌پیروزی‌های "بسیار بجا و موثر" رزمندگان جبهه‌های جنگ با صدامیان‌ازجمله گفت :

"... مخصوصا پیروزی‌دیروز که پس از فاجعه شهادت‌رئیس جمهور ونخست‌وزیرآنهم (با) عملیاتی‌که به‌نام این دوشهید نامگذاری شده‌بود ، خیلی گویا و شورانگیز بود." رئیس **مجلس** همچنین افزود :

"سربازی که در جبهه جنگ احساس میکندکه‌رئیس جمهورونخست‌وزیرش درجبهه‌های دیگر مثل او جانش در خطراست و هم این‌فداکاراست وهم او ، وقتی همراه‌شهدای خود ، شهدائی از مسئولان سطح‌بالا رامی‌بیند وقبرسرباز شهیدجبهه و نماینده‌مجلس ورئیس دیوانعالی کشور و رئیس جمهور و نخست‌وزیر رامی‌بیندکه باهم در یک قبرستان ودر یک شرایط قرار میگیرند . برای‌آن سرباز جنگیدن معناپیدامی‌کند."

آنگاه درموردنخست‌وزیری **آقای‌مهدوی کنی** رای گیری به‌عمل‌آمدکه در نتیجه‌از ۱۹۶ نفرنماینده‌حاضر درجلسه ۱۷۸نفر به‌نخست‌وزیری ایشان رای تمایل داد .

درهمین‌جلسه اعتبارنامه **آقای دهقانی نماینده‌تربت‌جام و تایباد** مطرح شد که مورد تصویب مجلس قرارگرفت .

درجلسه علنی بعد از ظهر چهارشنبه ۶۰/۶/۱۱ سرانجام پس ازبحث‌ها واصلاحاتی که‌درجلسات گذشته در موردمواد "لایحه‌بازسازی نیروی انسانی وزارت‌خانه ها وموسسات وابسته‌بدولت" صورت‌گرفت ، این‌لایحه با ۱۴۲ رای موافق از تصویب نهائی گذشت .

دراین‌جلسه همچنین اعضاء کابینه‌ٔ **آیت‌اله مهدوی کنی** معرفی شدند .

وزرای جدید این کابینه ، **محمد هادی نژادحسینیان** ، وزیر راه و ترابری‌و**سیدکمال‌الدین نیکروش** (شهردار سابق تهران) وزیر کشور هستند .

درجلسه روز پنجشنبه ۱۲ مرداد نمایندگان‌موافق ومخالف درباره وزرای کابینه بحث‌کردند . **موحدی ساوجی ، فوآدکریمی ، سیدمحمدخامنه‌ای و تاجگردون از جمله** نمایندگانی‌بودندکه درمخالفت با دولت **آیت‌اله مهدوی‌کنی**‌سخنرانی‌کردند .

هراتی ازنمایندگان‌موافق دولت‌بود ، که درسخنان‌خود ازجمله برملی کردن تجارت خارجی ، رشدوتقویت صنایع تولیدی واتخاذ سیاست‌های مالی درجهت گرفتن مالیات‌هرچه بیشترازطبقات‌پردرآمد ، تاکید کرد . وی‌همچنین ضمن برشماری مشکلات موجود ، گفت :

"مادوراه‌بیشترنداریم . یااینکه دوباره تسلطآمریکا راپذیریم ویاچندسالی مشکلات راتحمل‌کنیم."

در پایان جلسه پنجشنبه‌ٔ هفته گذشته پس از بیان نظرات نمایندگان موافق ومخالف درباره دولت‌آقای **مهدوی‌کنی** بطورعلنی و با ورقه رای‌گیری شد و درنتیجه ، کابینه آقای مهدوی کنی بااکثریت آرانمایندگان‌مجلس‌رای اعتمادگرفت .

تفسیر وقایع مهم جهان

امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان دست به تجاوز زده است

امپریالیسم جهانخوار آمریکا در تلاش‌های مذبوحانه خود برای تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی به‌سود خود و با هدف باز‌گرداندن مواضع سیاسی ونظامی واقتصادی از دست‌رفته‌خویش در مناطق مختلف جهان ،در هفته‌های اخیر عملیات توطئه‌گرانه و تجاوزات نظامی آشکاری را علیه‌جنبش‌های رهائی بخش ملی ،رژیم‌های انقلابی ومستقل ملی وکشورهای جامعه سوسیالیستی آغاز کرده است.

امپریالیسم آمریکا با تجاوز آشکار و گستاخانه نیروی هوائی آمریکا به حریم هوائی لیبی و سرنگون ساختن دوهواپیمای لیبیائی ،با اعزام هواپیمای جاسوسی برفراز جمهوری دمکراتیک خلق کره با قصد تحریک نظامی ، با پشتیبانی از تجاوز نظامی گسترده‌ارتش رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به‌خاک آنگولا ، با فعالیت‌های پرتب وتاب و گسترده در زمینه‌ٔ تولید سلاح نوترونی وکوشش برای استقرار این سلاح درکشورهای اروپای غربی عضو پیمان نظامی تجاوزکار "ناتو" ،باپشتیبانی از گسترش دامنه تجاوزات نظامی رژیم صهیونیستی اسرائیل درلبنان وباافزایش کمک‌های نظامی و تسلیحاتی به‌رژیمهای وابسته‌وضد خلقی موجب تشدید تشنجات بین‌المللی در قاره های مختلف جهان وپیدایش کانون‌های خطرناک درگیری‌های مسلحانه‌ای گردیده ،که‌صلح و امنیت همه‌خلق‌های جهان راتهدید میکند.

تجاوز هواپیماهای آمریکائی به حریم هوائی لیبی

درهفته گذشته هواپیماهای گشتی لیبی ، هنگامیکه برفراز سواحل لیبی در پرواز بودند مورد حمله جنگنده‌های شکاری نیروی هوائی آمریکا قرارگرفتند ،که از عرشه‌ٔ ناو هواپیمابر امریکائی "نیمیتس" بلند شده بودند.

علت این اقدام تجاوزکارانه و تحریک‌آمیز امریکا علیه‌کشور مستقل لیبی چیست ؟ و امپریالیسم امریکا از دست زدن به‌این اقدام چه هدفی رادنبال میکند ؟

لیبی بااجرای سیاست خارجی مستقل و قرارگرفتن درجبهه جهانی مبارزه‌علیه‌تجاوز‌کاری وسلطه‌جوئی امپریالیسم جهانی به‌سر‌کردگی آمریکا ،همواره‌باتحریکات وتوطئه‌های سیاسی ونظامی امپریالیسم آمریکا روبرو بوده است .دربهار سال‌جاری وزارت امورخارجه‌ٔ آمریکا ،با زیرپاگذاشتن تمام موازین حقوق بین‌المللی ،اعلام نمودکه‌لیبی باید نمایندگی سیاسی خود در واشنگتن راببندد . بهانه‌ٔ ساختگی این روش‌خصمانه‌ٔ واشنگتن آن بودکه گویا رفتار لیبی برای آمریکا نامطلوب است ! پس از آن دستگاه تبلیغاتی آمریکا شانتاژ و تهدید پردامنه‌ای راعلیه رژیم انقلابی لیبی ورهبران آن‌کشور آغاز نمود

هفته‌ٔ نامه‌آمریکائی **نیوزویک** دراینباره نوشت که **کاسپار واین برگر** ،وزیر دفاع آمریکا ، به‌دستور **رونالد ریگان** رئیس‌جمهور آمریکا ،به ناوگان ششم آمریکا فرمان داده است که در نزدیکی سواحل لیبی یک مانور دریائی انجام دهند .بدین ترتیب روشن است که پرواز جنگنده‌های آمریکائی برفراز سواحل لیبی و حمله‌ٔ آنها به‌هواپیماهای گشتی لیبی امری تصادفی نبوده وبرنامه‌ٔ آن به‌قصد تهدید تحریک نظامی علیه‌جمهوری مستقل لیبی از پیش تنظیم شده‌بوده است .

اقدام تجاوزکارانه وتحریک‌آمیز آمریکا علیه‌لیبی برزمینه‌ٔ تدارکات جنگی وتوطئه‌های نظامی آمریکا ،اسرائیل ورژیم‌های ضدخلقی و وابسته‌به‌آمریکا درمنطقه علیه کشورهای عضو جبهه پایداری وسازمان آزادی‌بخش‌فلسطین و تهدید وارعاب جنبش‌های رهائی بخش‌خلق‌های این‌منطقه ،ازجمله انقلاب ونظام جمهوری اسلامی ایران ،انجام گرفته است.

همزمانی تجاوز هوائی آمریکا علیه لیبی باپیاده‌کردن دستجات کماندو از ناو هواپیمابر دیگر آمریکا در دریای کارائیب ، در پایگاه نظامی **گوانتانامو** در خاک کوبا ،وپیاده‌کردن طرح‌توطئه‌ٔ "**سیا**" در ربودن ناوچه موشک‌انداز جمهوری اسلامی ایران به‌وسیله دزدان دریایی گروهبندی نیروهای ضدانقلابی فراری ایرانی نمودار برجسته‌ٔ یک برنامه گسترده و به هم‌ پیوسته‌تحریکات وتوطئه‌های نظامی امپریالیسم آمریکا علیه همه‌ٔ نیروهای انقلابی و ضد‌امپریالیستی در قاره‌های مختلف جهان است.

مفسران سیاسی ونظامی ، از جمله‌عده‌ای از مفسران آمریکائی ، بر این عقیده‌اند که حمله‌ٔ جنگنده‌های آمریکائی به هواپیماهای لیبی یک اقدام تحریک آمیز به‌منظور تهدید و ارعاب رژیم لیبی بوده است .روزنامه **نیویورک تایمز** "مینویسدکه دستور این مانور دریائی تحریک‌آمیز درنزدیکی سواحل لیبی از جانب **ریگان** رئیس جمهور آمریکا صادر گردیده ، که **قدافی** ،رهبرلیبی ،را در فهرست دشمنان آمریکا قیدکرده است .این روزنامه می‌افزاید که این‌اقدام تحریک‌آمیز **ریگان** علیه‌لیبی ،ماجرای توطئه تنگه‌ٔ **تانکن** در ویتنام رابه‌خاطرمی‌آورد که‌آمریکا به‌بهانه‌ٔ ساختگی حمله به گشتی گارد ساحلی آمریکائی دراین‌تنگه ،تجاوزنظامی خود درویتنام راتوجیه‌کرد.

تجاوز نظامی گسترده آفریقای جنوبی علیه آنگولا

رژیم نژادپرست آفریقای‌جنوبی‌باردیگر باتجاوز نظامی گسترده‌علیه آنگولا ،کشورهای مستقل‌آفریقا وسراسرجامعه ترقیخواه جهان را به‌مبارزه‌میطلبد .هدف این رژیم نژادپرست تخریب در دستاوردهای انقلابی خلق آنگولا و تضعیف‌مواضع رژیم انقلابی آنگولا ، جلوگیری از استقلال‌نامیبیا و ضربه‌زدن به‌جنبش‌های رهائی‌بخش‌خلق‌ها در این ناحیه‌ازآفریقا است.

نماینده‌ٔ ناظر "**کنگره ملی آفریقا**" در سازمان ملل‌متحد یادآورشدکه تجاوز رژیم نژاد‌پرست افریقای‌جنوبی به آنگولا از حمایت ایالات‌متحده‌آمریکا ،که در تمام مناطق‌جهان به‌تشنج‌فزایی وتحریکات‌نظامی دست‌زده‌بر‌خوردار است.

موضع نماینده‌ٔ ایالات‌متحد آمریکا در شورای امنیت ،که‌به‌پیروی از سیاست‌تروریسم بین‌المللی **ریگان** اعلامیه‌شورای امنیت را در محکوم‌کردن تجاوز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به‌آنگولا ،وتوکرد ،موید این واقعیت است که امپریالیسم آمریکا محرک اصلی اینگونه تجاوزات‌وتوطئه‌ها علیه رژیم‌های مردمی و انقلابی در تمام مناطق جهان است.

در ارتباط با تجاوز نظامی رژیم نژاد‌پرست آفریقای‌جنوبی به آنگولا ،اتحاد شوروی همبستگی خود را با آنگولا تائید نمود وپیمان دوستی وهمکاری میان‌اتحادشوروی وآنگولا را یادآورشد .اعلام این همبستگی وخاطر نشان ساختن وجودپیمان‌دوستی وهمکاری با آنگولا ، یکاخطار جدی به تجاوز کار و حامیان امپریالیستی‌آنست.

بسیاری‌دیگراز کشورهای جهان ،ازجمله روسای جمهوری نیجریه و کنیا طی اعلامیه‌ٔ مشترکی تجاوز علیه آنگولا رامحکوم‌کردند و همبستگی خود را باآنگولا اعلام داشتند.

معمرقذافی رهبرلیبی اعلام نمود که کشور وی آماده‌است هرگونه‌کمکی را برای دفع تجاوز دراختیار آنگولا قرار دهد.

ماجراجوئی آمریکا علیه جمهوری دموکراتیک خلق کره

درهفته‌گذشته امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری دمکراتیک خلق کره به‌یک ماجراجوئی نظامی دست‌زد .هواپیمای جاسوسی آمریکاحریم هوائی این جمهوری را نقض‌کرد و بر فراز خاک کره به‌فعالیت‌جاسوسی پرداخت ،که این تجاوز بامقاومت نیروهای دفاعی کره دمکراتیک دفع گردید.

جمهوری دمکراتیک خلق کره از آماج‌های دائمی تحریکات وتجاوزات نظامی امپریالیسم آمریکا درمنطقه خاوردوراست .استقرار یک‌رژیم فاشیستی از جانب آمریکا در کره جنوبی منبع تهدید دائمی وکانون تشنج وتجاوزنظامی علیه جمهوری‌دمکراتیک خلق کره‌است .کمتر هفته و ماهی است که درمرز میان کره‌جنوبی وجمهوری دمکراتیک خلق‌کره‌یک‌برخورد مسلحانه‌تحریک‌آمیز روی ندهد .ایالات متحدآمریکا سرزمین‌کره‌ٔ جنوبی رابه‌پایگاه‌نظامی‌گسترده‌ٔ نیروهای‌زمینی وهوائی ودریائی خود در این منطقه تبدیل ساخته وکره‌جنوبی‌را سرپل‌تجاوز نظامی علیه جمهوری دمکراتیک خلق کره بدل کرده‌است.

براندازی نظام سوسیالیستی درکره‌شمالی یکی از هدف‌های نظامی ـ استراتژیکی امپریالیسم آمریکارا تشکیل‌می‌دهد .پشتیبانی همه‌جانبه‌جمهوری‌دمکراتیک‌خلق‌کره‌ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌برتشدیدتوطئه‌و تحریک امپریالیسم آمریکا علیه نظام سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک خلق‌کره افزوده‌است . اما جمهوری دمکراتیک خلق کره ،که از پشتیبانی همه‌جانبه وهمبستگی کامل جهان سوسیالیسم و همه‌ٔ خلق‌ها وجنبش‌های‌رهائی‌بخش‌ملی بر‌خوردار است ،تاکنون همه‌ٔ تحریکات‌وتجاوزات امپریالیسم آمریکا راعقیم ساخته و بدون‌تردید درآینده‌نیز محکوم به‌شکست‌خواهدکرد.

تولید بمب نوترونی خطر جنگ هسته‌ای را تشدید می‌کند

تصمیم رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا درباره‌تولید سلاح‌نوترونی واستقرار این سلاح دراروپای غربی باموجی از اعتراض و توفانی ازخشم وانزجار محافل اجتماعی‌کشور‌های‌اروپای غربی روبروشده‌است.

درپی دکترین‌های‌نظامی‌رنگارنگ وزارت دفاع‌آمریکا درمورد "**سلاح‌هسته‌ای تاکتیکی**" و "**شیوه‌های‌استفاده‌از سلاح‌هسته‌ای‌درجنگ‌های منطقه‌ای**" ،کاخ‌سفید همواره تلاش‌داشته‌است‌زیر پوشش این "دکترین"ها ،استفاده‌از سلاح هسته‌ای را در افکار عمومی مردم جهان امری عادی جلوه‌دهد و بدینوسیله‌مسابقه‌تسلیحاتی درزمینه‌ٔ انواع‌سلاح‌های‌اتمی‌وهسته‌ای راتشدید نماید.

ماجرای‌تولید بمب‌نوترونی واستقرارآن‌در کشورهای‌اروپای باختری عضو پیمان "**ناتو**" در دوران ریاست‌جمهوری **کارتر** درآمریکا آغاز گردید .درآنزمان‌این‌تصمیم دولت آمریکا با چنان‌اعتراضی درکشورهای اروپای غربی‌وسایر کشورهای جهان‌روبروگردید ،که **کارتر** ناگزیر شد فرمان‌خود را در موردتولید سلاح‌نوترونی معلق سازد .پس‌از روی کارآمدن **ریگان** ، کاخ سفید درهمه‌ٔ زمینه‌های سیاسی‌ونظامی‌گرایش‌های تجاوزکارانه‌وتشنج‌فزایی‌درسیاست خود را تشدید نمودوتصمیم گرفت که‌باشتاب‌بخشیدن به‌مسابقه‌تسلیحاتی ،روند تشنج‌زدائی‌رامتوقف سازد وجهان را به‌دوران "**جنگ‌سرد**" وبر "**لبه‌ٔ پرتگاه جنگ**" بازگرداند. تصمیم دولت**ریگان**به تولید سلاح‌نوترونی واستقراراین سلاح‌درخاک اروپای غربی ،خطرناک‌ترین گرایشی است که در خط مشی سیاسی ـ نظامی دولت جدید آمریکا مشاهده میشود .تصمیم **ریگان** در مورد تولید سلاح‌نوترونی واستقراراین سلاح در اروپای غربی ،بار دیگر جهان را به ورطه‌جنگ هسته‌ای ،که تمامی بشریت را باخطر نابودی روبرومیکند ،نزدیک میسازد .ادعای کاخ سفید وژنرال‌های وزارت دفاع آمریکا ،که‌میخواهند باگمراه ساختن افکارعمومی ،سلاح‌نوترونی را یک‌سلاح "معمولی "قلمدادکنند ،در حقیقت سلاح‌نوترونی‌نوع جدیدی‌ازسلاح‌هسته‌ای است که آمریکا به‌وسیله آن قصد دارد استراتژی‌جنگ اتمی‌محدودیامنطقه‌ای‌خود راپیاده کند.

اکنون درسراسر جهان ،به‌ویژه درکشور‌های‌اروپائی جنبش اعتراضی علیه‌تصمیم دولت آمریکا درموردتولید سلاح‌نوترونی روز به روز گسترده‌تر میشود .ملل کشورهای اروپای غربی عضو "**ناتو**"از دولت‌های‌خود مصرانه‌میخواهند که دربرابر سیاست ماجراجویانه تحمیلی‌امریکا برای استقرارسلاح‌نوترونی‌درخاک‌اروپای‌غربی مقاومت‌کنند وزیر بار این ماجراجوئی‌خطرناک آمریکا نروند.

محافل‌اجتماعی‌اروپا به‌درستی به این واقعیت پی برده‌اند که‌آمریکا با استقرارسلاح نوترونی در خاک اروپای‌غربی‌قصد دارد ،اروپا رابه‌میدان‌جنگ‌هسته‌ای‌تبدیل‌سازدوخودگزند‌ناپذیرباقی‌بماند.

وادیم‌زاگلادیناز مسئولان‌برجسته‌حزب کمونیست‌اتحادشوروی دراین‌باره خاطر نشان میکند که تصمیم **ریگان** در باره‌آغازتولید بمب نوترونی ،خطرجنگ‌هسته‌ای راافزایش میدهد.

زاگلادیندر مصاحبه تلویزیونی خود در شبکه تلویزیونی سراسری اتحادشوروی اظهار داشت که‌این‌سلاح ،که‌بنابه ادعای دولت آمریکا ،گویا تنها‌برای‌اروپادرنظر گرفته‌شده‌است ،به‌آسانی میتواند درمناطق دیگر جهان‌بکار برده‌شود . وی افزود که این تصمیم دولت آمریکا بر پایه‌ٔ پندارگرائی جهت دستیابی به برتری نظامی براتحادشوروی مبتنی‌است.

زاگلادین تاکید کرد :

ولی آمریکا هیچگاه به‌این هدف‌نخواهد رسید .اتحادشوروی و جامعه کشور های سوسیالیستی در برابر شانتاژ تسلیم نخواهند شد وبه‌اجرای سیاست دفاع از صلح خودهم‌چنان‌ادامه‌خواهند داد.

تدارک رژیم...

بقیه‌از صفحه‌ٔ ۴

گویا اتحادشوروی ،درحالیکه‌از انقلاب‌ایران درحرف پشتیبانی می‌کند ،درعمل به‌آن از پشت خنجر میزند. وبااین تبلیغ سوء میشد روابط ایران وشوروی راتیره‌کرد .این نقشه‌هم باکمال دقت اجراشد ،ولی واقعیات به‌سرعت آنراافشاء ورسواکرد. (مادرمقاله‌هفته‌بعد به آن‌خواهیم پرداخت)

بااین‌دوهدف‌شوم بودکه‌ایران آماج حملات متجاوزان‌صدامی قرارگرفت.

بلافاصله بعد از این‌حمله بود که‌ابتدا دوستان ودست‌نشاندگان‌آمریکا از قبیل عربستان ،اردن ومصر آشکارا ،وسپس شیوخ مرتجع عرب ،برخی آشکاراو بعضی تلویحا حمایت خود را از **صدام** اعلام‌کردند .وزیر خارجه عراق هم که‌برای دریافت اسلحه به اتحادشوروی رفته‌بود ،وقتی نا امید شد ، مستقیما به‌سراغ کشورهای‌سرمایه‌داری رفت . ابتدااروپای‌غربی‌وسپس‌آمریکابدون تردیدبه کمک‌رژیم‌صدام‌پرداختند و سیل سلاح‌های آمریکائی ،چینی ،آلمانی ،انگلیسی و فرانسوی برای رژیم بغداد ارسال‌شد و هنوز هم‌میشود .دامنه‌این‌کمک‌آنقدر وسعت یافت که‌آواکس‌های آمریکائی درعربستان به‌کار گرفته‌شدند ،تامستقیما به عراق کمک‌کنند.

واکنون ، در یک‌سالگی این‌تجاوز شوم درحالیکه نقشه‌هاوتوطئه‌های‌دیگرامپریالیسم جهانی ،به‌سرکردگی‌آمریکا ،علیه‌انقلاب‌ما با وسعت‌کم‌نظیری ادامه‌دارد ،متجاوزان‌صدامی هنوز درخاک‌میهن‌انقلابی ماهستند. و هنوز نیروی عظیمی از امکانات مادی و معنوی ایران ،که‌باید صرف سازندگی شود ، در جبهه‌ها خرج میشود .و این بغیر از قربانیان‌بیشماری است‌که جنگ تحمیلی از مردم قهرمان ایران گرفته‌است‌وصدها‌وصدها جوان‌رزمنده رادرجبهه‌ها به‌خاک وخون کشیده‌است.

حاصل این‌جنگ تاکنون برای ایران ، علاوه‌برهزاران شهید ومجروح و مصدوم ، دهها شهر ویران شده ،صدهاروستای‌درهم‌کوبیده‌شده وبیش‌از ۱/۵ میلیون جنگ‌زده است ،که‌درشهرهای مختلف کشورپراکنده‌اند.

ازجانب دیگر این جنگ عزم خلق قهرمان‌ایران را برای ادامه مبارزه با دشمن متجاوز ومحرک اصلی آن امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا ،جزم‌ترکرده‌واتحادویک‌پارچگی آنرا در این مبارزه تقویت نموده است.

بدون تردید ،مردم‌قهرمان ایران ، همچنان که‌تاکنون نشان‌داده‌اند ،تاآخرین قطره‌خون خود برای دفاع از میهن‌انقلابی خواهند رزمید وتوطئه تجاوز صدامی را ، همراه با دیگر توطئه‌های امپریالیسم‌آمریکا ، درهم‌خواهند شکست.

قانون "بازسازی" به شکل کنونی به سود انقلاب نیست

"قانون بازسازی" انقلاب را از بخش بزرگی از نیروهای کارآمد و وفادارش محروم می‌کند و موجد دشواریهای اقتصادی جدید می‌شود.

لایحه‌ای تحت‌عنوان "لایحه‌ٔ **قانونی بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به‌دولت**" در ۶۰ ماده از سوی دولت به‌مجلس‌شورای اسلامی ایران ارائه‌گشت وپس از بحث و بررسی ،باتغییرات اندکی به تصویب رسید.

هدف لایحه‌مصوب درمقدمه‌آن ،ایجاد "**انقلاب‌ودگرگونی در سیستم و مهره‌های اداری ،که‌یکی ازمهمترین ارکان سلطهٔ رژیم طاغوت بوده‌اند**" ،عنوان شده‌است ،به این دلیل که "**تغییر نظام باوجودعوامل وافرادی که‌از ارزش‌های منحط رژیم گذشته تغذیه‌می‌شوند ،امری غیرممکن ومحال می‌باشد.**"

ناگفته‌پیداست که ارائه لایحهٔ "**بازسازی**" از اهمیت بسیار برخوردار بود ، زیرا برای اولین‌بار پس از انقلاب ،در قوهٔ مجریه ومقننهٔ جمهوری اسلامی ایران درصدد برمی‌آمدند ،تا دستگاه پوسیدهٔ دولتی رژیم طاغوت را ،که درجهت تحکیم وگسترش وابستگی و حفظ و دوام غارتگری‌های بی‌بندوبار ،شکل گرفته‌بود وماهیتی ضدمردمی داشت ،براساس قانونی ودرجهت پایان‌بخشیدن به عملکردهای متفاوت وای بسا متناقض در این زمینه "بازسازی" کنند .هدف از این "بازسازی" نیز همانگونه که‌واضح است ،پایه‌ریزی یک دستگاه دولتی درجهت‌اهداف انقلاب بزرگ مردم ایران ،درجهت‌بازسازی‌اجتماعی و اقتصادی جامعه به‌سود محرومان وعلیه غارتگران ، در جهت گسستن پیوندهای وابستگی و تامین استقلال کشور است . برای نیل به چنین هدفی لایحه مذکور می‌بایست از یکسوضوابط ومعیارهای اصولی و دقیقی برای "پاکسازی" دستگاه دولتی از تفاله‌های آمریکا و رژیم طاغوتی ،که‌چهره‌به‌هزاران نقاب پوشیده‌اند ودوسال‌ونیم‌است باتمام قوا از حرکت چرخ این‌دستگاه عریض و طویل در جهت اهداف انقلاب ضدامپریالیستی ،مردمی و اسلامی ایران ممانعت‌کرده وخود منشاٴ توطئه‌های خطرناک علیه‌مصالح‌انقلاب ومردم گشته‌اند ، تعیین‌نماید ،واز سوی دیگر باتعیین ضوابط اصولی وصحیحی کلیه‌نیروهای ممکن را ،که‌به انقلاب و اهداف آن وفادارند ، در جهت استقرار نظام مردمی نوین ،بکارگیرد .

دولت و مجلس برای انجام‌این مهم ، مصالح حاضر وآماده و منابع معتبر وقابل اتکائی دراختیار داشتند که‌اگر بدان‌ها توجه‌لازم وجدی میکردند وآنهارا نصب‌العین‌خودقرارمیدادند ،به‌سهولت و به بهترین‌وجه ،ازعهده‌تدوین وتصویب‌لایحه‌ای درخور انقلاب ووظایف عظیم‌کنونی بر می‌آمدند .این‌منابع عبارت‌بودند از : ۱ــ قانون‌اساسی ۲ــ رهنمودهای‌رهبرانقلاب وتوصیه‌های‌آیت‌اله‌منتظری ۳ــ تجارب‌دوسال ونیمهٔ انقلاب ۴ــ وظایف عظیم بازسازی اقتصادی‌اجتماعی‌جامعه ومقابله بادشواری‌های‌عظیم موجود .

امامتاسفانه دولت ومجلس شورای اسلامی ،درتدوین وتصویب قانون مذکور ،به این‌مواردتوجه‌لازم وجدی مبذول‌نداشتند و درنتیجه قانون "**بازسازی**" قانونی از کار درآمد که روح آن باروح‌قانون‌اساسی درتضاد جدی است ،به‌تجارب گرانقدری که ازدوسال ونیم مبارزهٔ خونین و بی امان با دشمنان استقلال وآزادی مدنی ایران بدست آمده است ،توجه‌لازم و جدی ندارد ،بارهنمودهای **امام‌خمینی** و توصیه‌های **آیت‌اله‌منتظری** مغایر است و بالاخره اصولا وظایف عظیم ودشواری راکه پیش روی انقلاب قرار دارد ، نادیده‌گرفته‌است‌ودرنتیجه‌خود موجد دشواری‌هاومعضلات‌تازه‌تری خواهدشد .

روح انحصارطلبی بر" قانون‌بازسازی " حاکم‌است

هرچندقانون "**بازسازی**" ،برای اولین بارقانون نانوشته‌خشم‌ونفرت‌مردم‌ازمزدوران ساواک ومسئولان رژیم سابق را به‌روی‌کاغذ آورد وپس ازدوسال ونیم تلاش خرابکارانهٔ لیبرال‌هاوعوامل آمریکا برای حفظ این مزدوران در دستگاه دولتی ،رسما بخش‌بزرگی ازآنان را از دستگاه دولتی خارج اعلام کرد (بااینکه در کمال شگفتی‌وتاسف بخشی از عوامل موثر رژیم درسالهای ۳۲ تا ۴۲ راتبرئه کرده ونسبت به‌بخشی‌از عوامل ساواک اغماض رواداشته‌است)امابیشترین تلاش وسعی ارائه دهندگان لایحه وتصویب کنندگان‌آن‌معطوف بدان‌بودکه دستگاه‌دولتی را از بخشی از نیروهای‌دگراندیش انقلابی خالی کنند و به جز گروهی خاص ،که طرز تفکر و برداشت معینی دارند ،کلیه‌دگراندیشان رااز مشارکت‌و کاردردستگاه دولتی محروم سازند. آن هم دستگاهی که به حکم قانون‌اساسی مهمترین و اساسی‌ترین نقش را به‌ویژه‌درنظام‌اقتصادی جمهوری‌اسلامی‌ایران‌ایفامی‌کندوطبیعتا باید کلیه‌نیروهای کارآمد وکارآزموده را ،که به انقلاب وفادارند جذب کند و در نوسازی سراپای جامعه به‌کارگیرد .حتی درست زمانی که‌توطئه‌های خطرناک امپریالیسم‌آمریکا برای کشتارمسئولین درجهٔ اول جمهوری اسلامی بدست **کلاهی‌ها** به‌اجرادرمی‌آمد و در آستانهٔ فاجعه شهادت رئیس جمهور و نخست وزیر به دست آمریکا وتفاله‌هایش ،بحث‌های "داغی" درمجلس درمورد "آرایش" و "شکل یقه" جریان‌داشت ،که‌موجب نهایت تاسف و تاثر همهٔ هواداران‌انقلاب گردید .

شاید اگر چنین لایحه‌ای‌باچنین‌بحث‌های بدور ازشان‌انقلابی ،دوسال ونیم پیش مطرح‌میگردید ،چندان‌مایهٔ شگفتی‌نبود . ولی اکنون که‌بی‌ثمری وزیانباری انحصارطلبی‌بیش ازپیش‌آشکار شده‌است و معیار انحصارطلبان ، بی‌اعتباری و نادرستی خود رابیش از پیش نشان‌داده‌است ،طرح‌دوباره مطالبی که‌درتجربه انقلاب‌ایران ،بی‌اعتبارشده‌اند ، نخست حیرت‌آور و تاسف‌انگیز است .

ارائه‌دهندگان وتصویب‌کنندگان قانون "**بازسازی**" ،معیاراساسی خودرا "اسلامی" بودن قرارداده‌اند .ولی باکمال تاسف ،**در واقع ودرعمل** این‌معیار به "**تظاهر به اسلامی بودن**" تغییر می‌یابد .بنابراین قانون "**بازسازی**" بااین معیار ،آن‌دسته از دگر اندیشان را ،که ازاعلام عقاید خود ابائی ندارند و صادقانه وصریح ،عقایدمسلکی خویش را ابراز می‌دارند ،حذف میکند وبرعکس به‌آن دسته ازعناصری که تظاهربه‌اسلام راپیشه‌ساخته اند وبا مقاصد معینی به‌داخل دستگاه‌دولتی‌رسوخ کرده‌اند ،امکان‌می‌دهد ،تازیرپوشش و نقاب "اسلامی" ،نیات‌شوم‌خویش را ازپیش ببرند .

مگرلیبرال‌های دولت‌موقت ،که بهترین فرصت برای‌سرکوب ضدانقلاب‌وانجام‌اقدامات بنیادی به‌سود محرومان‌رابه تلاش در حفظ رشته‌های وابستگی پیشین وبازگذاردن دست ضدانقلاب‌گذراندند ، "مسلمان" نبودند؟ ،مگر خلق‌مسلمانی‌ها ،که‌علیه‌جمهوری‌اسلامی‌ایران قیام‌کردند ،ادعای پیروی از "اسلام" نداشتند؟ مگر**بنی‌صدر** ،که خود را تنها مجتهد جامع‌ــ الشرایط می‌دانست ،دست‌دردست‌امپریالیسم آمریکا وتفاله‌های آن برای سرنگونی جمهوری اسلامی‌ایران‌توطئه‌نکرد ؟مگر**معزی‌ها** "توبه" نکردندومگر**کلاهی‌ها صادق‌ها ،مدنی‌ها ،قطب زاده‌ها ،امیرانتظام‌ها** ،بامسلمان‌نمائی به انقلاب اسلامی لطمه‌نزدند ؟

بازگذاردن راه برای خائنین وجنایت‌کارانی‌که‌به‌سهولت خود را زیر هر نقابی پنهان میسازند و مسلما برای فریب مسئولان بهتر از دیگران فرایض‌مذهبی‌را بجا خواهند آورد وخود را زیر قشری‌ترین نظریات پنهان خواهند ساخت ،از یک‌طرف ،و بیرون راندن دگراندیشانی‌که صادقانه وباتمام شور و نیرو ، بدون کتمان نظریات مسلکی خویش ،به‌انقلاب وجمهوری اسلامی ایران خدمت کرده‌اند و میکنند وعلیه‌امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های‌آن علیهٔ هرنوع خرابکاری ،کم‌کاری و کار شکنی مبارزه‌کرده‌اندومیکنند ازطرف دیگر .آری ... این‌آن‌حاصل‌تلخ‌وخطرناکی‌است‌که‌ازقانون "**بازسازی**" به‌بارخواهدآمد .

فکر این نکته در همینجا لازمست که قانون "**بازسازی**" ــ که‌چنین‌برروی بخش‌بزرگی ازنیروهای کارآمد وانقلابی ،که‌مدافع انقلاب‌و جمهوری‌اسلامی‌ایران‌هستند ،شمشیر کشیده است ،حداکثر نرمش ممکن رانسبت به اعضای **حزب رستاخیز** ("عضویت در حزب رستاخیز به‌تنهائی‌موجب مجازات نخواهدبود!") و گروهی از اعضای ساواک (مامورین‌ومنابع ساواک که‌گزارش علیه‌مردم داده‌اند ویادرفعالیت‌های ضدمردمی شرکت داشته‌اند ،محکوم به‌انفصال دائم‌ازخدمات‌دولتی‌**وبقیهٔ مامورین و منابع ساواک برحسب مدارک‌وتشخیص هیئت‌ها به‌یکی ازمجازات‌های مندرج درماده ۱۹تابند۸ (حدــ اکثربازنشستگی‌یابازخرید کمتراز ۱۵ سال) محکوم میشوند!**" رعایت‌کرده وحتی گروهی از مزدوران وجنایتکاران رژیم منفور پهلوی (نمایندگان مجلس‌شورای ملی و سنای سابق از ۲۸مرداد۳۲ تا ۱۵ خرداد ۴۲و وزیران ، معاونین وزیران ،سفیران و استانداران رژیم پهلوی از ۲۸مرداد۳۲ تا ۱۵خرداد ۴۲ را مشمول مجازات ندانسته‌است!

باچنین‌برخوردی ،قانون "**بازسازی**" بخش بزرگی ازنیروهای انقلابی را ،که با تمام وجودآمادهٔ خدمت به‌انقلاب و نوسازی جامعه ــ به‌سود محرومان‌هستند،از کار در دستگاه دولتی محروم میسازد ،ولی گروهی از خرابــ کاران سوگندخورده رابه "خدمت" می‌گیرد و به‌ویژه به‌آن تفاله‌های امپریالیسم‌آمریکا ، که سوابق‌معین وشناخته‌شده ندارند ،امکان‌می‌دهدتا بانقاب "اسلام" ،توطئه‌های خطرناک آینده‌راــ توطئه‌هائی از آن دست ،که **کلاهی‌ها** وقاتلان نخست‌وزیر و رئیس جمهورپیاده‌کردند ــ تدارک ببینند.

این نتیجه طبیعی قانونی است که به تصویب رسیده ، وبه میزان حسن‌نیت‌تصویب‌کنندگان آن بستگی ندارد .

برخی‌مواد "قانون بازسازی" مخالف‌قانون‌اساسی‌است

عجیب است ،ولي واقعیت داردکه برخی ازموادلایحه "**بازسازی**" درست‌مخالف قانون اساسی است .

قانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران ،که بارای قاطع‌اکثریت مطلق‌مردم ایران‌به‌تصویب رسید ،تصریح‌میکندکه :

"اصل بیست وسوم ــ**تفتیش‌عقایدممنوع است وهیچکس رانمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد .**"

"اصل بیست‌ودوم ــ **حیثیت ،جان ،مال حقوق ،مسکن وشغل اشخاص از تعرض مصون است ،مگر درمواردی که قانون تجویز کند .**"

"اصل‌بیست وهشتم ــ**هرکس حق دارد شغلی راکه بدان مایل است ومخالف اسلام و مصالح عمومی وحقوق دیگران‌نیست ،برگزیند. دولت‌موظف است بارعایت نیاز جامعه به‌مشاغل‌گوناگون ،برای‌همهٔ افراد امکان اشتغال بکار وشرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجادنماید .**"

اماطبق قانون "**بازسازی**" ،تحت‌عنوان مبهم‌وقابل‌تفسیر "**عضویت‌درسازمان‌هائی که مرامنامه واساسنامهٔ آنهابرنفی ادیان الهی مبتنی باشد**" ، "**فعالیت . . .بنفع . . .مسلک‌های ضداسلام**" ، "**تبلیغ به‌نفع مکاتب‌ضد‌اسلامی**" و . . .دگراندیشانی‌که‌هوادار انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌هستندوصادقانه به انقلاب وجمهوری اسلامی ایران ونوسازی اقتصادجامعه‌خدمت‌میکنند ،تنها "بجرم" دگراندیشی ،مجازات واخراج‌میشوند .

این‌تباین آشکار راحتی چندتن از نمایندگان مجلس‌متذکرشدند ،ولی‌انحصارطلبی حتی به‌قانون‌اساسی نیزابقانکرد .

برخی‌موادقانون بازسازی مخالف‌رهنمودهای امام‌خمینی وتوصیه‌های آیت‌الله‌منتظری است

یکی از آماج‌های اصلی امپریالیسم آمریکاوتفاله‌های‌داخلی آن ،ایجادشکاف‌میان صفوف نیروهای مدافع انقلاب ،تحریک یک بخش‌انقلابی علیه بخش انقلابی دیگر و به ویژه‌ایجاد مقابله‌میان‌نیروهای دارای عقاید مسلکی‌ومذهبی مختلف ،به‌منظور تضعیف انقلاب وخارج‌ساختن‌عوامل امپریالیسم‌اززیر ضربه‌خشم مردم‌است .

امام‌خمینی رهبرروشن‌بین‌انقلاب ،بارها وبارهااین‌توطئه‌راافشاکرده وازضرورت اتحاد کلیه‌نیروهای‌انقلابی ،صرفنظر ازعقاید‌مسلکی ومذهبی ،درجهت‌مبارزه‌باتوطئه‌های ضد‌ــ انقلاب‌ونوسازی جامعه ،سخن‌گفته‌اند . فقیه عالیقدر**آیت‌الله‌منتظری** نیز بارها و بارها ضرورت اتحادرایادآورشده‌ومسئولین‌جمهوری اسلامی‌ایران را از میدان دادن به‌گرایش‌های انحصارطلبانه‌برحذر داشته‌است .**آیت الله منتظری** در پیام‌اخیر خود به نخست وزیر شهید**دکتر باهنر** ،تاکیدکردکه :

"**اگرملاک‌به‌کارگرفتن‌افراد ،ایمان ،تقوا ولیاقت‌شد ،هیچگاه زمینهٔ تعارض ودرگیری و نصب‌وعزل‌های بیمورد پیش‌نخواهدآمد . به نظراینجانب خط امام بهترین و اصیل ترین محوری است که‌می‌توان‌درتقسیم مسئولیت‌ها ملاک‌قرارداد ونباید هیچ گروه و جمعیتی انقلاب رامیراث انحصاری خودبداند .**"

آیت‌اله‌منتظری‌همچنین‌تاکید کرد که دولت‌جدید باید دشمنان راخلع سلاح‌کرده و "**انگیزه‌ای راکه آنان بافریب واستفاده از نارضایتی‌هاوعملکردگذشته‌درافراد بی تجربه وساده‌لوح‌به‌وجودآورده‌اند ،به‌نحو احسن از آنان‌بگیرد .**"

امامتاسفانه‌برقانون "بازسازی" روح انحصارطلبی حاکم‌است ،یعنی درست بر خلاف این‌رهنمود وتوصیه‌های‌صائب وارزش‌مند ،تنظیم شده‌است ،

"**میراث‌انحصاری**" دانستن‌انقلاب‌برای گروهی‌خاص ،عدم‌توجه به‌خط‌امام ، ایجاد نارضائی گسترده میان نیروهائی که با تمام نیرو درخدمت انقلاب قرار دارند ،نتیجه‌ای است‌که‌متاسفانه‌ازاین‌قانون حاصل‌میشود .اما بزرگترین زیانی که ازاجرای قانون بازسازی عایدجمهوری اسلامی ایران‌میشود ،ایجاد دشواری‌های اقتصادی جدید ومحروم کردن انقلاب از حداکثرنیروهایی‌است که بایددر رفع معضلات‌کنونی‌اقتصادی جامعه ،آنها را به‌خدمت‌گرفت .

" قانون بازسازی "مانع بازسازی صحیح و سریع اقتصادکشورو موجد دشواریهای اقتصادی است

صاحب‌نظران ومسئولان‌تاکید دارندکه برای بازسازی‌اقتصاد ویران وسراپا وابسته‌ای که‌میراث شوم رژیم منفور و سرسپردهٔ پهلوی است ،علاوه بر استفاده از حداکثر امکانات انسانی‌موجود به‌دهها هزار نیروی‌کارآزموده متبحر ولایق ،نیازجدی وجود دارد .انتظار میرفت‌که تدوین وتصویب‌کنندگان این قانون این‌وظیفه‌وضرورت‌حیاتی‌رادرنظرداشته‌باشند وقانون "بازسازی" را ،که‌می‌بایست دستگاه دولتی رابه‌تحرکی بیسابقه دراین‌جهت‌واــ دارد ،منطبق بر این نیازها تدوین‌و تصویب کنند .

امامتاسفانه قانون "بازسازی" انقلاب‌را ازبخش‌بزرگی ازنیروهای‌کارآمد ،که‌شاید به چندین‌برابرآنهانیازحادوحیاتی‌وجود داشته باشد ،محروم میسازدوآنهارا به ورطهٔ بیکاری وبیکاری پنهان که‌خود از دشواری‌های بزرگ انقلاب‌است‌ــ میراند .این‌واقعیت‌نگران‌کننده وخطرناک ،بزرگترین نقطه ضعف وزیان آورــ ترین وجه این‌قانون‌است وبه‌همین دلیل آنرا از اهداف اصلی‌اش بکلی بدورمی‌اندازد .

مسئله تنهااین‌نیست‌که‌برخی موادقانون "**بازسازی**" باقانون‌اساسی جمهوری اسلامی ایران درتضاد کامل است . مسئله‌همچنین‌فقط این‌نیست‌کااین‌قانون ،تنهاتامین انحصار گروهی‌خاص رابرادارات ودوائر دولتی‌مدنظر داردوبخش‌بزرگی از نیروهای صدیق مدافع انقلاب را از مشارکت درآنها محروم میکند . مسئله اساسی آنست که قانون "بازسازی" ، اگر به‌همین شکل به‌مرحلهٔ اجرادرآید ودرآن تصمیمات جدی صورت نگیرد ،درواقع دستگاه دولتی‌را ،که‌باید به‌حکم قانون‌اساسی اداره کنندهٔ مهمترین‌بخش‌ازسه‌بخش‌اقتصاد جامعه باشد ،ازانجام‌وظایف عظیم‌خویش در این زمینه عاجزمیسازد ودشواری‌های‌عظیم موجود را ،که‌برای‌مقابله‌باآنها‌به‌کوششی‌عظیم‌وسریع وهمگانی ،بامشارکت کلیه نیروهای مدافع انقلاب قطع نظر از عقایدمذهبی ، مسلکی‌آنها نیازاست ،ابعاد وسیع تری می بخشد .

ماازتصویب‌قانون "بازسازی" به شکل موجود ،توسط مجلس‌شورای‌اسلامی عمیقا متاسفیم وامیدواریم که‌واقعیات‌موجود ،هرچه سریع تر ،این‌اشتباه‌بزرگ‌رابرمسئولین‌جمهوری اسلامی‌ایران آشکارسازدوضروریات انقلاب ، آنهارابه‌تصحیح جدی آن وادارد .

پیش بسوی ...

بقیه از صفحه ۱

نشانده و گوش به‌فرمان همسایهٔ ایران، تمرکز نیروی دریائی و نیروی "**واکنش سریع**" در منطقه و به‌ویژه نزدیک ایران، ساختن "اسلام" آمریکایی و گروهک های "مارکسیست" آمریکایی و تحریک آنها به آشوب و خرابکاری و ترور و بمب‌گذاری، چوب گذاردن لای چرخ انقلاب به‌کمک لیبرال‌ها، کودتاسازی و تهاجم مستقیم نظامی، تراشیدن دشمنان موهوم و معرفی دوستان انقلاب به‌عنوان دشمن، کوشش در حفظ کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان ـ این دو خاستگاه عمدهٔ ضد‌انقلاب ـ ناراضی‌تراشی با بهره‌گیری از گرانی مصنوعی، بیکاری، مصائب طبیعی وغیره، شایعه‌سازی‌های رنگارنگ و مداوم، کوشش در ایجاد نفاق میان شیعه و سنی و میان خلق‌های مختلف ساکن ایران، کوشش در ایجاد نفاق و خصومت بین نیروهای انقلابی دارای عقاید مسلکی متفاوت ... چنین است فهرست ناقصی از توطئه‌های آمریکای جنایتکار، که انقلاب ایران را به‌هیچوجه نمیتواند تحمل کند و شب و روز در کار طرح و اجرای انواع نقشه‌های شیطانی برای براندازی آنست.

ما دو سال و نیم است که با انواع این توطئه‌ها روبرو هستیم. هیچیک از آنها تا کنون به‌ثمری که دلخواه آمریکا باشد، ننشسته است. خلق بپاخاستهٔ ایثارگر ما، به‌رهبری مدبرانه و قاطعانهٔ امام خمینی، سد سدیدی است که آمریکا نتوانسته است آنرا بشکند. در مبارزه با این توطئه‌ها، انقلاب تجربه آموخته، ریشه گرفته، آبدیده شده، دشمن و شگردهایش را شناخته است و پیوسته تعمیق و گسترش مییابد.

ولی آمریکا دشمنی است توانا، غدار، خدعه‌گر. ما باید همواره هشیار و هشیارتر باشیم. صفوف نیروهای انقلابی راستین را، قطع نظر از تفاوت در عقائد مسلکی و مذهبی آنها، فشرده‌تر سازیم، با قاطعیت پایگاه‌های اقتصادی ـ اجتماعی ضد ـ انقلاب: کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را براندازیم، ثمرات انقلاب را به توده‌های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان بچشانیم، با تدارک تمام وسائل و نیروی انسانی لازم، تهاجم نظامی **صدام** را درهم شکنیم و خاک کشور را از لوث وجود دشمن متجاوز پاک کنیم.

ترور افراد و شخصیت‌ها، که آمریکا پس از قطع امید از مهرهٔ **بنی‌صدر**، با وسعتی بیشتر از گذشته بکار گرفته، نشانهٔ قدرت او نیست، نشانهٔ ضعف او، نشانهٔ عصبانیت ناشی از عدم توفیق او در براندازی انقلاب ماست. هرجا که آمریکا در براندازی انقلاب رهایی بخش مایوس میشود، به‌ترور شخصیت‌ها توسل می‌جوید. درکوبا بارها کوشیده است که **فیدل کاسترو** را به‌قتل برساند. همین چندی پیش نقشهٔ ترور **قذافی** فاش شد. ترور شخصیت ها "خط" آمریکا به‌هنگام یأس است.

ما باید صدچندان برهشیاری خود بیفزائیم. دست جنایتکار آمریکا و تفاله‌هایش را باید چنان قطع کرد که دیگر توان ترور و بمب‌گذاری و آشوبگری نداشته باشد. حفظ جان شخصیت‌های مسئول، وظیفهٔ انقلابی است. انجام آنرا باید برعهدهٔ ارگان های معین با مسئولین معین گذاشت و از آنها مجدانه خواست که این مسئولیت را دقیقاً انجام دهند.

در نبرد بزرگی که آمریکا در عرصه‌های مختلف بر ما تحمیل کرده است ما پیروز خواهیم شد. در داخل کشور نیروی بالفعل و بالقوهٔ انقلابی خلق فداکار و ایثارگر ما پرتوان است. در عرصهٔ بین‌المللی ما تنها نیستیم. نیروی بالفعل و بالقوه‌ای که میخواهد و میتواند از انقلاب و استقلال ما پشتیبانی کند، عظیم است. هر خلقی که در شرایط امروزی جهان، متحد و یکپارچه برای استقلال و آزادی خود و برای نوسازی کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان قیام کند، میتواند آمریکا ـ این دشمن غدار همهٔ خلق‌ها و همهٔ انقلاب‌های آزادیبخش را دچار شکست کند و پیروز شود.

پس با بسیج تمام نیروهای انقلابی خلق قهرمانمان، با تامین اتحاد عملی آنها، با همکاری با تمام نیروهای انقلابی ضد ـ امپریالیستی در سطح منطقه و جهان، ضمن تدارک و انجام پاکسازی کشور از سربازان متجاوز **صدام** و ضمن پاکسازی کشور از همهٔ تفاله‌های آمریکا، به‌پیش در راه تعمیق و گسترش انقلاب به‌سوی پیروزی نهائی!

دیوانه سری ...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم آمریکا، از زمان دولتمداری ناکام **جیمی کارتر**، "**حمله متقابل**" خود را در برابر تعرض نیروهای صلح جهانی آغاز کرده بود. ولی **کارتر** "نایافته دُم، دو گوش گم کرد". "یک سلسله تحولات در جهان و از آن جمله انقلاب کشور ما ـ که تاثیرش دارای **مقیاس جهانی ـ تاریخی** است ـ سیلی جانانه‌ای برگوش وی نواخت.

وضع اقتصادی باز هم بدتر شد. نرخ تورم و تعداد بیکاران افزایش یافت. به‌گفتهٔ خود **ریگان** اکنون صف بیکاران آمریکا (**بیش از ۸ میلیون**) از اقیانوس تا اقیانوس است. **کارتر**، علی‌رغم براه انداختن بقول خودش "**۱۴ نوع سلاح جدید**"، نتوانست به آن برتری نظامی دست یابد، که به نمایندگان امپریالیسم امکان دهد، در پس میز مذاکره نظریات خودرا "دیکته کند". "**رقابت**" با اروپای غربی و ژاپن بر سر بازار تشدید شد.

پرفسور ژان ـ **ماری لوگه** (**Legay**) دبیر کل انجمن کارکنان علمی جهان، در کتاب خود: "چه کسانی از دانش هراس دارند؟" بدرستی متذکر می‌شود که جامعهٔ سرمایه داری "**جامعهٔ مصرفی**" نیست، زیرا ای چه بسا چیزها که در بازار سرمایه‌داری به ضرب رکلام به فروشنده جا زده می‌شود که، یا زائد بر مصرف است، یا کم مصرف است و یا بی دوام. جامعهٔ سرمایه‌داری "**جامعه فروش**" است، و یا همان اصطلاح خوبی که در کشور ما مرسوم شده بود. "**جامعهٔ بساز و بفروش!**" و مهم نیست که چه چیز ساخته و چه چیز فروخته میشود. مهم اینست که بفروش برسد و سود آور باشد. بازرگانان این سوی اقیانوس اطلس و اقیانوس کبیر یعنی "بازار مشترک" اروپای غربی و ژاپن، با رقیب حریص و زورمند و زورگوی میان دو اقیانوس، یعنی "ایالات متحده آمریکای شمالی" برسر این بساز و بفروش نبرد مرگباری دارند.

مساعی رنگارنگ شوراهای اقتصادی دولت **کارتر** برای روبراه کردن وضع اقتصادی بجایی نرسید. ریگان (البته با قرار مدارهای پس پردهٔ سردمداران اقتصاد آمریکا) برای آن سرکار آمد که به اقدامات "وقیحانه" (به‌شیوهٔ مارگارت تاچر) برای تثبیت وضع دست بزند، زیرا **ریگان**، که معروف است با محافل "**مافیا**" نیز دارای سروسری است، تنها "وطن ستاره‌ها و نوارها"، یعنی وطن میلیاردرهای یانکی را دوست دارد ـ گور پدر همه کائنات!

عمل نشان داد که ارزیابی‌های اولیه درباره عملکرد کابینه **ریگان** درست بوده است. در همین مدت کوتاه که از زمامداری این مرد گذشته چهرهٔ او ظاهر شده است. به توصیهٔ اندیشه پردازان امپریالیستی، چون هر "پرزیدنت" آمریکا، برای اجرای رسالت خاصی در تاریخ گام در صحنه می‌گذارد، لذا **ریگان** هم اعلام کرد که او برای مبارزه با "**تروریسم بین‌المللی**" آمده است. "**تروریسم** بین‌المللی" در قاموس امپریالیسم، یعنی سراپای جنبش انقلابی جهانی، که جامعهٔ "بساز و بفروش" در لجن نشسته سرمایه داری را با تمام جراحات عفن درونی آن، تهدید می‌کند! و **ریگان** در همین کوتاه مدت نشان داد که تروریست کیست: تشدید فعالیت تروریستی و جنگی علیه جمهوری اسلامی ایران، حمله به نامی بیا و آنگولا، حمله به هواپیماهای لیبی و کره دمکراتیک، تحریکات در زیمبابوه و موزامبیک، تشدید اقدامات آدمکشانه و تخریبی در افغانستان، سرکوب خشن و خونین جنبش مردم السالوادور، کشتن رئیس جمهور سابق پاناما، فعالیت تخریبی در لهستان و ... گوشه‌هائی از این تروریسم است. "باش تا صبح دولتش بدمد!"

سیاست دولت **ریگان** در دو جهت سیر می‌کند:

۱ـ در جهت تثبیت وضع تباه **اقتصادی** آمریکا که تورم، گرانی، بیکاری، افت تولید وضعف "نقدینگی" مشخصات آنست. برای نظامی که مدعی است قله تمدن و دمکراسی و عدالت و یک نظام صد در صد طبیعی انسانی است (!) این وضع، در رقابت با جهان سوسیالیستی، بیش از حد، نه فقط ننگین، بلکه اضطراب انگیز است. آن روز که آمریکائیان ـ که تازه **کمابیش** شروع کرده‌اند در مطلقیت ارزشهای پیرامون خود تردید کنند ـ اعتماد خود را نسبت به نظام "ابتکار آزاد" و "کارفرمائی آزاد" از دست بدهند، چه خواهد شد؟ با همهٔ بی باوری کاخ سفید نشینان، بسیاری رویدادها حاکی از آنست که چنین روزی می‌تواند برسد و مسلماً و مسلماً خواهد رسید.

و اما تثبیت وضع اقتصادی آمریکا به چه بها؟ به بهای صلح یا به بهای تشنج فزائی بین‌المللی و غلطاندن جهان بسوی پرتگاه مخوف جنگ هسته‌ای؟

دولت آمریکا، در کنفرانس اتاوا، به خواهش متحدان امپریالیستی خود دائر به کاستن از نرخ بهره در بانکهای آمریکا (که موجب جلب سرمایه‌های اروپائی و ژاپنی به آمریکا می‌شود) پاسخ رد داد. دولت آمریکا بر بودجهٔ نظامی نجومی خود مرتبا با نرخ قریب به ۸٪ در سال (بدون احتساب تورم) می‌افزاید و بطرف رقم ۳۷۰ میلیارد دلار، در اواسط دههٔ کنونی، با سرعت گام برمی‌دارد. بودجهٔ نظامی، که تامین کننده آن مالیات پردازهای عادی هستند، و نه کلان سرمایه‌داران (که با سیاست مالیاتی ریگان از مالیات معاف می‌شوند) باید "بازار موهوم تعادل آوری" را ایجاد کند، تا بتواند اقتصاد آمریکا را سرپا نگاه دارد. **ریگان** با بیشرمی خاص خود، بودجه مخارج اجتماعی را قطع کرد، از مالیات کلان سرمایه‌داران کاست و بمنظور دامنه دادن مخارج جنگی، مانورهای نظامی و دریائی بی سابقه‌ای را در سراسر جهان بهمراه متحدان "**ناتو**" ترتیب داد **ریگان** بر آهنگ مسلح کردن اسرائیل، مصر، پاکستان، عربستان سعودی و عمان افزود، ساختن بمب نوترونی که "کودک را می‌کشد، ولی کالسکه را باقی می‌گذارد" آغاز نمود. برای حل مسئله بغرنج "گزندپذیری" (Vulnerability) جایگاه‌های ثابت موشکهای قاره‌پیما (!؟) (که اخیرا مطبوعات امپریالیستی دربارهٔ آن جنجال می‌کنند) نیز تولید یک سلسله موشکهای جدید (از آن جمله MX) آغاز شده است. موشک "MX"، که دارای مختصات موشکهای قاره‌پیما است، قابل انتقال است.

همهٔ این اقدامات جنایتکارانه با این "استدلال" مستور می‌شود که گویا اتحاد شوروی در تسلیحات جلو افتاده و خطر این کشور "دمکراسی غربی" را تهدید می‌کند!

ولی اتحاد شوروی شصت سال است طرح پشت طرح تقدیم می‌کند که با همه نوع سلاح زدائی، از سلاح عادی تا هسته‌ای، و نیز با کنترل بر تسلیحات و دادن همه گونه تضمین‌ها، آماده است. اتحاد شوروی در جائی "پایگاه" ندارد و سیستم نظامی او دفاعی است و دائما تکرار کرده است که هرگز نخستین حمله کننده نخواهد بود. اتحاد شوروی، هرگاه آمریکا روی موافق نشان داد، در امضاء پیمان "سالت" ذره‌ای تردید نکرد.

هر آدم عادی نیز حس می‌کند که **مخارج نظامی**، که برای اقتصاد بحران‌زده سرمایه‌داری "اکسیر اعظم" است و وثیقه‌ای است برای آن که سیطره سیاسی اش را در قبال جنبش های ضد ـ امپریالیستی حفظ کند، برای اقتصاد نیازمند رشد کشورهای سوسیالیستی "زهر قاتل" است و از جلاء نظام نوین اجتماعی می‌کاهد و نمی‌گذارد که این نظام، که در محیط های اجتماعی عقب مانده ـ تر از اروپای غربی و آمریکا پیروز شده، با سرعت لازم جلو برود و رفاه ضرور و مطلوب را تامین نماید.

درک این که اتحاد شوروی و همهٔ دیگر نیروهای مخالف سرمایه‌داری **صلح** می‌خواهند و به آن **نیاز حیاتی** دارند، دشوار نیست، منتها نه صلح **تحمیلی** از طرف دشمن، بلکه صلح **برابر حقوق**. درست برای چنین صلحی سرمایه‌داری جهانی حاضر نیست. تمام سرشت چرکینش او را بسوی اعمال ابلیسی و تخریبی وامیدارد. روش محکومین تاریخ هرگز جز این نیست.

۲ـ هدف دیگر سیاست دولت **ریگان** تثبیت وضع **سیاسی** بسود استعمار سرمایه‌داری "جهان سوم" است. شما در نمونهٔ وطن ما می‌بینید که انقلاب استقلال طلبانه و مردمی کشور ما برهبری **امام خمینی** تا چه حد آمریکا را دیوانه کرده است. این "ارباب" از فضولی "رعایا"، که از "حق خویش" دم می‌زنند، سخت عصبانی است. این "ارباب" حتی فضولی کارکنان هواپیمائی آمریکا را نیز برنمی‌تابد و اعتصابیون را زنجیر بدست به زندان می‌افکند. این "اربابان" حتی "فضولی" همشهریان ایرلندی خود را تحمل نمی‌کنند. تمام مساعی آمریکا اکنون صرف آن می‌شود که آفریقا و خاورمیانه را مهار کند. آفریقا از جهت مواد اولیهٔ معدنی و کشاورزی و خاورمیانه از جهت انرژی (نفت) منبع ثروت و رفاه جهان سرمایه‌داری است. غارت این نواحی، تنها طی سی سال پس از جنگ دوم جهانی، ده برابر تمام دوران قریب دو قرنی استعمار کلاسیک بوده است!

بقول **برژینسکی**، ایالات متحده برای احیاء قدرت مجدد خود در این دو ناحیه، نقشه پانزده ساله‌ای دارد. **هنری کیسینجر**، عامل درجهٔ یک صهیونیسم بین‌المللی، از رهبران ارکستر سیاسی امپریالیسم در این ناحیه است. اسرائیل صهیونیست و آفریقای جنوبی نژادپرست دو تکیه گاه اساسی تجاوز در این ناحیه از جهانند. همانطور که مهار کردن بحران اقتصادی برای سرمایه‌داری حیاتی است، مهار کردن بحران سیاسی در این نواحی جهان نیز برایش حیاتی است. ایران، لیبی، فلسطین، لبنان، سوریه، افغانستان، آنگولا، اتیوپی، یمن دمکراتیک هدفهای اساسی اولیه آمریکا در این ناحیه است. آمریکا، به همراه چین، در جستجوی یک "تثبیت سیاسی" مورد علاقه خود در آسیای جنوب خاوری است و در اینجا ضربه در درجه اول متوجه کامبوچیا است.

حساب دولت کنونی آمریکا آن است که "ذخیره" اقدامات **ممکن** در جهت این دو نوع تثبیت، از طریق حداعلای بسیج نیروها، ذخیرهٔ زیادی است، ولی دولت‌های قبلی در این زمینه کوتاهی کرده‌اند. فاشیسم متفرعن آمریکائی، که علاوه بر متحدین کلاسیک سرمایه‌داری خود، به سیطره‌جویان پکن نیز امید بسته است، حاضر نیست واقعیت را بپذیرد و هر شکست **ضرور تاریخی** خود را نتیجه یک **اشتباه و قصور سیاسی** می‌شمرد و لذا کار را بسوی فاجعه می‌برد. امپریالیست‌های آمریکائی سیاست "مذاکره" را کنار گذاشته‌اند و به سیاست "مقابله" بازگشته‌اند و این کار را **ریگان**، علی‌رغم برخی لندلندهای متحدین اروپائی خود، انجام می‌دهد.

اگر خودداری و متانت فوق‌العاده دیپلماسی صلح‌طلبانه کشورهای سوسیالیستی نبود و اگر این کشورها، که دارای قدرتی عظیمند، با همان تفرعن و آتش مزاجی امپریالیسم آمریکا عمل می‌کردند، اینک کرهٔ مادر دوزخ رادیواکتیف سوخته بود و بقایای تمدن ـ اگر بقایائی وجود می‌داشت ـ در عواقب "بیماری تشعشع" عذابهای موحشی را می‌گذارند. ولی نظام نوینی که در جهان پدید آمده است، از جنگ بیزار است، عطشان صلح است. صلح برای آن مسئله مرکزی، مسئلهٔ حیاتی، مسئله دارای اولویت است.

کسانی که سیاست جهانی را بر پایه بررسی‌های دقیق علمی تحلیل می‌کنند، برآنند که **درمجموع** نیروهای صلح و ترقی در جهان ما از نیروهای جنگ و ارتجاع، **نیرومندترند** و در صورتی که آنها نیز با هشیاری تمام قدرت مادی و معنوی خود را تجهیز کنند و آن را خردمندانه بکار برند، قادر خواهند بود دیوانه‌سران کاخ سفید را لگام زنند. این روند می‌تواند بسیار دشوار و حتی طولانی باشد ولی روندی است تاریخاً ضرور و ممکن.

اکنون میهن ما در عداد این نیروهاست. **اگر** سیاست خارجی و داخلی کشور انقلابی ما که **هم اکنون** درحال تبلور است (و متاسفانه این تبلور **همیشه** در آن سمتی نیست که عدالت و ترقی می‌طلبد) بتواند سرانجام این تبلور را (ولو بطور عمده و اساسی) بسود صلح و ترقی اجتماعی انجام دهد، خواهد توانست در این دوران نقش مثبتی بازی کند. درباره نکتهٔ اخیر، تنها **آینده** می‌تواند به‌ما پاسخ دهد. هم جهان و هم کشور ما در گذرگاه است: گذرگاهی شگرف! و در این شرایط **پیش بینی** جزئیات برای دورانهای کوتاه مدت عملاً محال است.

۱۷ شهریور ...

بقیه از صفحه ۱

بعدش که دژخیمان با همه جنایات و کشتارهای خود نتوانستند فریاد "**مرگ بر شاه**" را خاموش کنند و چنان شد که شاه در امواج خون توده‌ها غرق شد، اکنون هدف خاموش کردن فریاد "**مرگ بر آمریکا**" ست. این فریاد که در میدان شهدا از خون بیش از ۴ هزار شهید قهرمان برخاست، در خود همه خشم زحمتکشان ایران را متبلور کرده است. هم از اینروست که توطئه‌های پیاپی امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی آمریکا، نتوانسته است آن فریاد را خاموش کند. اگر سه سال پیش جوخه‌های اعدام با لباس رسمی، در میدان شهدا، خلق را به مسلسل می‌بستند، امسال، در سومین سالروز این جنایت ضد بشری، اسلاف همان دژخیمان در کوچه و خیابان مردم قهرمان ایران را تکه‌تکه می کنند. جنایتکاران آمریکائی اکنون با ترور و انفجار، با سوزاندن مقامات جمهوری اسلامی ایران، برآنند که داستان ناتمام ۱۷ شهریور را به پایان برند و طوفانی را که بعد از ۲۵۰۰ سال ایران را درمی‌نوردد، فرونشانند. اما تاریخ سخن دیگری دارد. خلق فرمان خویش را به تاریخ اعلام کرده است. اگر هر روز ۱۷ شهریور شود، اگر جوی خون در خیابانها سرازیر شود، مردم قهرمان ایران، به رهبری **امام خمینی**، تا آخرین نفر و آخرین نفس خواهند رزمید و ریشهٔ سلطهٔ امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا را از خاک وطن خواهند کند.

بگذارید، در آستانهٔ این روز خونین، که لاله‌های استقلال و آزادی ایران در سپیده‌دم آن بر میدان شهدا روییدند، در مقابل شهدای آن روز سر تعظیم فرود بیاوریم و گرمترین درودهای خود را نثار ارواح شعله‌ور آنان کنیم.

بگذارید، با خواهران، برادران، پدران، مادران و کودکانمان، که در "**جمعه خونین**" در خون غلتیدند، میثاق ببندیم که راه آنها را تا پیروزی کامل ادامه خواهیم داد.

بگذار دشمن بداند که، اگر همهٔ جمعه ها خونین و همهٔ روزها از جمعه‌ها خونین‌تر شود، ما که از سلالهٔ شهیدان قهرمان ۱۷ شهریوریم، از پای نخواهیم نشست.

بگذار آمریکای جنایتکار بداند که، برای بازپس گرفتن ایران، باید از همهٔ میدان های ایران، که میدان شهدا خواهند بود، بگذرد.

بگذارید، صدا در صدای شهیدان "**جمعه خونین**" بیاندازیم و فریاد خونین آنها را تکرار کنیم:

ـ مرگ بر آمریکا!
ـ مرگ بر آمریکا!
ـ مرگ بر آمریکا!

هواداری دولت ریگان از تهاجم نژادپرستان آفریقای جنوبی به آنگولا

آنگولا ادعای فرماندهی نظامی "پرتوریا" را درباره آغاز خروج نیروهای آفریقای جنوبی از خاک آنگولا ردکرد و آنرا "فریب افکار عمومی" خواند.

دولت آنگولا اعلام داشت، که نیروهای مهاجم پس از درگیری‌های سخت بخشی از استان کونه‌نه ومرکز آن اونجوا را به‌تصرف خود درآوردند. این شهر بر اثر بمباران هواپیماهای آفریقای جنوبی خسارات فراوان دیده وبسیاری از ساکنان آن مصدوم گردیده‌اند.

نیروهای مهاجم آفریقای جنوبی با مقاومت دلیرانه مردم آنگولا روبرو شدند. تنها در ۴۸ ساعت پنج هواپیمای آنها سرنگون گردید.

تجاوز آفریقای جنوبی را نمایندگان بسیاری از کشورها در اجلاس فوق‌العاده شورای امنیت سازمان ملل متحد محکوم کردند.

نماینده اتحاد شوروی گفت که آفریقای جنوبی از این جهت به این ماجراجویی نظامی دست یازیده‌است، که از پشتیبانی نیروهای امپریالیستی اطمینان دارد.

نمایندگان هند، یوگسلاوی، فرانسه ولیبی خواستار خروج فوری نیروهای آفریقای جنوبی از خاک آنگولا شدند.

چارلزماینر، نماینده کنیا، از سوی "سازمان وحدت آفریقا" از نماینده آمریکا، که از محکوم کردن آفریقای جنوبی خودداری ورزید، بشدت انتقاد کرد. وی تاکید کرد که چنین موضعی دست نژادپرستان را برای ادامه تجاوز باز می‌گذارد.

به‌نوشته روزنامه "ژورنال دی آنگولا"، هواپیماهای آفریقایی بر روی سکنه آنگولا بمب‌های شیمیایی افکنده‌اند.

به‌گزارش خبرگزاری آنگولا، "آنگوپ"، نیروهای آنگولایی در دو استان کونه‌نه وکوآندوکوبانگو با مهاجمان آفریقای جنوبی درگیرند. تجاوزکاران قصد پیشروی بسوی کوبانگورا دارند.

نماینده آمریکا در شورای امنیت، که آفریقای جنوبی را "کشوری دوست" نامید، آشکارا به‌حمایت از رژیم آپارتید برخاست. وی پیش‌نویس قطعنامه‌ای را، که در آن خروج فوری نیروهای آفریقای جنوبی طلب شده‌بود، وتوکرد.

لوئیز دی‌آلمیدا، سفیر آنگولا در فرانسه آمریکا رامسئول تهاجم آفریقای جنوبی به‌کشورش خواند. وی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در پاریس گفت که "پرتوریا" بدون موافقت "واشینگتن" هیچگاه به این تجاوز دست نمی‌زند.

"رویتر"، به‌نقل از منابع رسمی آنگولا، خبرداد که نیروهای آفریقای جنوبی روز پنج‌شنبه ۱۲ شهریور ۶۰، تهاجمی جدید را در استان کوآندو — کوبانگو آغازکردند. ستونی موتوریزه از خاک نامیبیا وارد آنگولا شد وبه سوی ماوینگا، شهری در ۳۰۰ کیلومتری پایتخت، درحال پیشروی است. هواپیماهای آفریقایی شهرکاهاما (کونه نه) را تقریبا با خاک یکسان کرده‌اند. صدها نفر کشته یا زخمی شده‌اند.

وزیران خارجه دولت‌های دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند وایسلند خواهان قطع فوری تجاوز آفریقای جنوبی علیه آنگولا گردیدند وازسازمان ملل متحد خواستند که اقدامات تحریمی علیه "پرتوریا" اتخاذکنند.

جزئیات پیمان دوستی

یمن دموکراتیك ـ لیبی ـ اتیوپی منتشرشد

متن پیمان دوستی وهمکاری، که‌چند روز پیش میان جمهوری دمکراتیک خلق یمن، لیبی واتیوپی امضا شد، در عدن انتشار یافت.

به‌موجب این پیمان، کشورهای سه‌گانه نامبرده کوشش‌های خود را در مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم وارتجاع یکسو خواهند ساخت. فزون بر این، هریک از این کشورها متعهد می‌شود که، درصورت تجاوز خارجی به دیگران، به‌آنها کمک برساند.

جهانیان به بمب نوترونی "نه!" می‌گویند

تصمیم پرزیدنت ریگان درباره تولید کلاهک‌های نوترونی کماکان با اعتراض گسترده جهانیان روبرو می‌شود.

در استکهلم تظاهرات اعتراضی دربرابر سفارت ایالات متحده برگزار گشت. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات درقطعنامه‌ای این اقدام "واشینگتن" را محکوم ساختند.

در ایتالیا یکی از سندیکاهای بزرگ کارگران مسیحی تولید جنگ ـ افزارهای نوترونی وقصد آمریکا را درباره استقرار موشکهای هسته‌ای جدید درسیسیل "خطری برای صلح" خواند. درفلورانس هم تظاهراتی در هواداری از صلح صورت گرفت.

شهردار زاربروکن (آلمان غربی)، لافونتن، بمب نوترونی را "مظهر اندیشه انحرافی" خواند.

دربلژیک هارولدوان میت، صدر حزب سوسیالیست، گفته‌است که هیچگاه نباید اجازه داد تا بمب نوترونی در آن کشور مستقر شود.

در برمن (آلمان غربی) ده هزار نفر در تظاهراتی علیه بمب نوترونی و نقشه استقرار موشک‌های جدید آمریکایی در اروپا اعتراض کردند.

تظاهراتی همانند در برلین غربی برگزارشد.

بانو اویلی‌مارتیمو، دبیر کل اتحادیه دمکراتیک زنان فنلاند تاکیدکرد که‌جنگ‌افزارهای نوترونی به‌تنش زدایی بین‌المللی خلل واردمی‌آورد و اوضاع جهانی را به‌وخامت می‌کشاند.

هنک‌هائوکسترا، صدر حزب کمونیست هلند، همه خیرخواهان را فرا خواند تا برمقابله خود با دیوانگان هسته‌ای بیفزایند."

در وین، پایتخت اتریش، "هفته پیکار در راه صلح وتنش‌زدایی" برگزار شد. شعارهای آن عبارت بودند از، "نابود باد بمب نوترونی!" و "نه به موشک های جدید آمریکایی در اروپا"

در "راه‌پیمایی زنان برای صلح" درلندن، سیاست خطرناک نظامیگران که‌جهان را به‌ورطه یک فاجعه هسته‌ای می‌کشانند، محکوم شد.

نخست‌وزیر نروژ موضع منفی کشور خودرا در برابر تولید بمب نوترونی یادآور گردید.

درکپنهاک تظاهراتی **وسیع در** برابر سفارت آمریکا وعلیه تصمیم **دولت** ریگان درباره تولید **جنگ افزارهای** نوترونی برگزارشد. تظاهرکنندگان از دولت دانمارک خواستند تا از شرکت درتدارکات نظامی ایالات متحده و "ناتو" سرباز زند.

به‌گفته وزیرخارجه **هند، این کشور** همراه با دیگرکشورهای غیرمتعهد، **به** کارزار بین‌المللی علیه تصمیم دولت آمریکا درباره تولید جنگ افزارهای نوترونی خواهد پیوست. در دهلی تظاهراتی در برابر سفارت آمریکا برگزار شد.

وقایع مهم جهان دریك هفته

رهبرلیبی امپریالیسم آمریکا را محکوم کرد

یک "کنفرانس بین‌المللی همبستگی با لیبی" در طرابلس برگزارشد.

رئیس "شورای ملی فلسطین" "سیاست تحریک‌آمیز آمریکا را علیه لیبی بشدت با دانتقادگرفت. وی گفت که "واشینگتن" آشکارا حاکمیت لیبی را تهدید می‌کند و از سر سپردگان خود در مصر، اسرائیل وسودان برای ثبات‌زدایی درمنطقه استفاده می‌جوید.

ازسوی دیگر، معمرقذافی دخالت درامور کشورهای مستقل را محکوم ساخت. وی درگردهمایی درطرابلس به‌مناسبت جشن ملی لیبی گفت.

"امپریالیسم ایالات متحده کارزاری را علیه خلق‌های آزادیخواه واستقلال‌طلب خاورمیانه وآفریقا آغاز کرده‌است."

"ساف" شرکت در رویداد تروریستی وین را تکذیب کرد

یکی ازسخنگویان "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" رویداد تروریستی را که روزشنبه ۷ شهریور ۶۰ علیه کنیسه‌ای در وین به‌وقوع پیوست محکوم کرد. دراین رویداد دوتن کشته و۱۹ تن مجروح شدند. سخن‌گوی "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" "هر ـ گونه شرکت این سازمان را در عمل تروریستی نامبرده تکذیب کرد.

جناح افراطی "همبستگی" نقشه نابودی نظام سیاسی ـ اقتصادی لهستان را درسرمی پرورد

جناح افراطی "همبستگی" نقشه نابودی نظام سیاسی ـ اقتصادی لهستان را در سرمی پرورد.

یاروزلسکی، نخست‌وزیر و وزیر دفاع لهستان، همستگری وهم پیمانی با اتحادشوروی ودیگراعضای "پیمان ورشو" را پایه‌ای برای امنیت وتوسعه صلح‌آمیز لهستان سوسیالیستی خواند.

وی درسخنرانی در دانشکده افسری کوشالن گفت،

"استقلال وحاکمیت گنجینه‌ای گرانبهاست ـ گنجینه‌ای که مردم درراه بدست‌آوردن آن جانبازیها کرده‌اند. ما نباید اجازه دهیم که دشمنان آنرا از دست ما بربایند، ما همه کوشش خودرا برای غلبه بربحران وبهبود زندگی در کشور بکارخواهیم برد."

یاروزلسکی افزود که همه سربازان لهستانی به‌سرنوشت کشور خودعلاقه‌مندند.

دراین‌میان، چندرهبر "همبستگی" درتلویزیون لهستان سخن گفتندو ازاین فرصت برای حمله به‌اقدامات دولت و حزب به‌منظورحل بحران کنونی استفاده جستند.

بویاک، یکی ازمسئولان محلی "همبستگی"، تهدیدکردکه همقطارانش قصدکنترل کامل رسانه‌های گروهی را دارند. وی همچنین رهبری حزب، اتحادشوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی را با دشنام‌های بهتان آمیز گرفت.

روزنامه سندیکائی "ترود" (اتحاد شوروی) خاطرنشان ساخته‌است که "همبستگی" درلهستان به "نیرویی مخالف حزب متحدکارگری لهستان و دولت لهستان بدل‌شده‌است."

این‌روزنامه پیش‌نویس آئین‌نامه جدید "همبستگی" رابررسی می‌کند، که قراراست درکنفرانس این سازمان به تصویب برسد، ودراینباره می‌نویسد،

"هدف اصلی جناح افراطی رهبری "همبستگی" "سرنگونی نظام حاکم در لهستان ازطریق فرسایش پایه های اقتصادی وسیاسی سوسیالیسم و احراز قدرت است."

"ترود" یادآور می‌شود که، "همبستگی با در حدود ۱۲۰ اعتصاب محلی وهمگانی درسال پیش به‌اقتصاد کشور لطمه‌های جدی وارد آورده وآنرا به‌ورطه هرج‌ومرج و فاجعه کشانده‌است."

ازسوی دیگر، کمیته‌مرکزی حزب متحدکارگری لهستان به‌پلنوم خودپایان داد. دراین پلنوم درباره‌برخی اقدامات درزمینه اصلاحات اقتصادی بحث شد.

یان‌گلووچک، نامزدهیئت سیاسی کمیته‌مرکزی، درگزارش خود به پلنوم گفت که:

"مهمترین وظیفه ما پایان بخشیدن به‌کاهش فاجعه‌زای تولید و هرج و مرج آفرینی مخالفان سوسیالیسم است."

سخنرانان دیگر خواهان مقابله قاطعانه‌تر با عناصرضد سوسیالیستی شدند.

استانیسلاوکانیا، دبیرکل کمیته مرکزی، در سخنرانی پایانی خود، قول دادکه‌دولت برای حفظ سوسیالیسم از هیچ‌اقدامی فروگذار نخواهدکرد.

وزیرخارجه افغانستان با حافظ اسد ملاقات کرد

در دمشق، حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، شاه‌محمددوست، وزیر خارجه افغانستان، را نزدخود پذیرفت.

شاه‌محمد دوست حامل پیامی از **ببرک کارمل بود**، که در آن پیشنهاد **دولت افغانستان** درباره حل سیاسی **مسئله افغانستان** مطرح می‌شود.

ببرک کارمل دراین پیام پشتیبانی خودرا از مبارزه باتجاوزات **اسرائیل** و دسیسه‌های امپریالیستی **اعلام می‌دارد**.

ازسوی‌دیگر، ببرک کارمل، در مصاحبه‌ای باخبرگزاری "تاس" تاکید کرد که‌پیشنهاد صلح اخیر دولت افغانستان بازتابنده تمایل آن به‌حل همه‌مسائل در زمینه‌مناسبات آن‌کشور با کشورهای همسایه‌است.

ببرک کارمل یادآورشد که‌دولت افغانستان پیشنهادکرده‌بودکه ایران، پاکستان وافغانستان در حضور دبیر کل سازمان ملل متحد یا نماینده‌او به بررسی مسائل مورد علاقه بپردازند.

وی خاطرنشان‌ساخت که این گفتگوها تنها هنگامی میتواند آغاز گرددکه همه‌گونه تجاوز علیه افغانستان قطع شود.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیك مردم ایران

صاحب امتیاز ومدیرمسئول:

محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی ۱۱۱۷ / ۳۱۴

"سیا" بزرگ اسقف سان سالوادور راکشت

فرانسه ومکزیک با شناسایی دو سازمان السالوادوری، که بارژیم وابسته به‌آمریکای این کشورمبارزه می‌کنند، مخالفت آشکار خود را با سیاست "واشینگتن" اعلام داشتند.

"خبرگزاری فرانسه" در تفسیری بربیانیه مشترک دوکشورنامبرده به‌نتیجه بالامیرسد. دراین بیانیه گفته‌می‌شودکه "جبهه دمکراتیک انقلابی" و "جبهه آزادی بخش ملی فارابوندومارتی" "نیرو‌های سیاسی نماینده خلق السالوادور هستند.

"خبرگزاری فرانسه" می‌افزایدکه این‌اقدام برای دیگر کشورهای آمریکای مرکزی هم‌که "واشینگتن" آنها را در حیطه سلطه‌خود می‌شمرد، دارای پیامدهای جدی خواهدبود.

دراین‌میان، یوگسلاوی نیز دو سازمان مبارز السالودوری را به‌رسمیت شناخت.

یکی ازنزدیکان بزرگ اسقف فقید السالوادور، اسکاررومرو، اظهار داشت که، "سیا" مسئول قتل رهبر کلیسای کاتولیک السالوادور بوده‌است.

به‌گفته‌وی، چندی پیش از قتل رومرو سفیر آمریکا درایتالیا به‌واتیکان رفت وخواهان برکناری او شد. سفیر آمریکا گوشزدکردکه‌در غیر این صورت نمایندگان آمریکا درالسالوادور هیچ‌گونه‌مسئولیتی درزمینه‌حفظ جان بزرگ اسقف به‌عهده‌نخواهند گرفت. چندروز بعد، رومرو به‌ضرب تیر کشته‌شد.

برژنف نقش "غیرمتعهدها" راستود

به‌مناسبت بیستمین سالگرد "جنبش غیرمتعهدها"، لئونید برژنف پیامی به فیدل کاسترو رئیس کنونی این جنبش فرستاد.

دراین پیام آمده‌است که اتحاد شوروی همیشه به "جنبش غیرمتعهدها" به‌منزله "کوشش طبیعی کشورهای از بندرسته در راه مبارزه مشترک علیه امپریالیسم، استعمار، نژادپرستی و برتری جویی وبرای تحکیم استقلال خودوآزادی نگریسته است، که این کشورها برای آن چنین بهای هنگفتی پرداخته‌اند."

درپیام برژنف گفته‌می‌شود:

"نقش جنبش غیرمتعهدها به ویژه اکنون، که امپریالیست‌ها درصحنه جهانی بیش ازهمه‌وقت به زور دست می‌یازند، افزایش می‌یابد."

رهبرشوروی اظهار امیدواری کرده‌است، که "جنبش غیرمتعهدها بر تاثیرمثبت خود براوضاع جهانی بیفزاید وازاینراه به امر صلح و پیشرفت کمک‌کند."